بسم الله الرحمن الرحیم

مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

دوفصلنامه علمی _ ترویجی

سال سوم، شماره دوم، پیاپی۸، پاییز و زمستان۱۳۹۶

صاحب امتیاز: مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

مدیر مسؤول: دکتر محمدجواد زارعان

سردبیر: دکتر محمدرضا احمدی

جانشین سردبیر: حسین رضائیان بیلندی

مدیر اجرایی: هادی ارشادحسینی

پست الکترونیکی: ipr@ueae.ir

دورنگار: ۰۲۵۳۲۹۲۲۲۳۹

پایگاه اینترنتی: ipr.ueae.ir

صندوق پستی: ۳۷۱۳۷۱۵۵۴۵

نشانی: قم، بلوار شهید صدوقی، خیابان شهید شهبازی، پلاک ۱۳

کدپستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا)

دکتر هادی بهرامی‌احسان	دانشگاه تهران
حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدجواد زارعان	مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت
آیت‌الله سیدمحمد غروی‌راد	پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
دکتر علی فتحی‌آشتیانی	دانشگاه بقیةالله عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف
حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد کاویانی آرانی	پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
حجت الاسلام و المسلمین دکتر رحیم نارویی نصرتی	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره
حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمود نوذری	پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

براساس مصوبهٔ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای عملی و در طی نامهٔ شمارهٔ ۲۰۲ به‌تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۵ درجهٔ علمی فصل‌نامه از علمی–تخصصی به علمی–ترویجی ارتقا یافت.

این فصل‌نامه در پایگاه اطلاع‌رسانی Noormags، SID و پرتال جامع علوم انسانی نمایه شده است.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقالات

مقدمه

فصلنامه «اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی» فصلنامه‌ای علمی و چندرشته‌ای است که با هدف ارایه نتایج مطالعات و پژوهش‌های علمی، فراهم آوردن زمینه تبادل افکار و اطلاعات، ترویج مباحثات علمی بین پژوهشگران و محققان حوزه‌های مختلف علمی: روان‌شناسی، مشاوره، مددکاری اجتماعی، تعلیم و تربیت، دین و ... منتشر می‌شود. این فصلنامه در گستره مسایل روان‌شناختی، در دو سطح بنیادی و کاربردی، مقاله‌هایی را می‌پذیرد که از ساحت دینی نیز برخوردار باشند. فصلنامه، به زبان فارسی منتشر می‌شود.

نوع مقالات مورد پذیرش

- گزارش یک پژوهش علمی؛
- تحلیل علمی با هدف ارائه مفاهیم و الگوهای جدید؛

فهرست مطالب

کارآمدی بستهٔ آموزشی مهارت‌های ارتباطی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بر رضایتمندی زناشویی / سجاد فتحی‌زاده / رضا مهکام / محمدرضا جهانگیرزاده **۷**

بررسی اثربخشی مرور زندگی با جهت‌گیری هستی‌شناسی اسلامی بر کاهش تعارضات زناشویی / مریم سیفی / دکتر معصومه اسمعیلی **۲۷**

شاخص‌های الگوی مواجهه با مشکلات اقتصادی در سبک زندگی اسلامی / محمد فرهوش / حسین رادمرد / محمدحسین مهوری / سکینه قربانی **۴۳**

مراحل شکل‌گیری ایمان از دیدگاه فولر و نقد آن / محمود نوذری / مهدی غلامی **۶۵**

بررسی نقش تربیت اسلامی در تأمین سلامت اجتماعی در دورهٔ تأدیب / زهره اولیائی / حمید رضایی **۸۵**

نقش هوش معنوی و هوش هیجانی در پیش‌بینی اضطراب مرگ / کبری کاظمیان مقدم / فرانک کلانتریان **۱۰۳**

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال سوم، شماره دوم، پیاپی۸، پاییز و زمستان۱۳۹۶، ص ۲۶-۷

کارآمدی بستهٔ آموزشی مهارت‌های ارتباطی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بر رضایتمندی زناشویی

Efficiency of Educational Pack for Relational Skills Based on Islamic Teachings in Marital Satisfaction

✍**سجاد فتحی‌زاده** / کارشناسی ارشد روان شناسی اسلامی، مؤسسهٔ اخلاق و تربیت قم، گروه روان‌شناسی، قم، ایران، fathi.sajjad@ymail.com

رضا مهکام / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، reza.mahkam@gmail.com

محمدرضا جهانگیرزاده / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، jahangirzademr@gmail.com

Sajjad Fathi-zade / MA in Institute if Ethics and Education, Qom, Iran

Muhammad Reza Jahangir-zade / Assistant Professor in Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی کارآمدی بستهٔ آموزشی مهارت‌های ارتباطی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، بر رضایتمندی زوجین است. این بستهٔ آموزشی شامل مهارت‌های کلامی (سبک گفت‌وگو، گوش دادن، ابراز وجود، حل‌تعارض) و غیرکلامی (همکاری در منزل، رعایت احترام، نظافت و پاکیزگی و روابط جنسی) بوده است. نمونهٔ آماری شامل ۳۰ زوج (۶۰ نفر) از دانشجویان دانشگاه قم و طلاب مرکز خدمات حوزه‌های علمیه قم، در قالب دو گروه شاهد و آزمایش که هر گروه متشکل از ۱۵ زوج بودند و به روش تصادفی ساده انتخاب شدند، اجرا گردید. این پژوهش از نوع شبه‌آزمایشی و پیش‌آزمون - پس‌آزمون بوده است. ابزار پژوهش شامل بستهٔ

ABSTRACT

The present study aims at investigating the efficiency of educational pack foe relational skills based on Islamic teachings in spouses' satisfaction. This educational pack includes verbal skills (conversation style, listening, self-expression, resolving conflict) and non-verbal skills (cooperation in house, observing respect, cleanliness and hygiene and sexual relations). The statistical sample consisted of 30 couples (60 subjects) from students in Qom university and students in seminary center in Qom, selected through simple random selection and assigned into the control and experimental groups, each consisting of 15 subjects. The study was of semi-experimental type and pretest-posttest model. The research tool included researcher-made educational pack for relational

آموزشی محقق‌ساخته مهارت‌های ارتباطی زوجین و فرم کوتاه پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ بوده است. نتیجه تحقیق نشان داد، برنامه آموزشی مهارت‌های ارتباطی مبتنی برآموزه‌های اسلامی در بهبود عامل مدیریت رابطه، بهینه کردن هماهنگی در مسائل مذهبی، برنامه آموزشی، حل‌تعارض، مدیریت مالی، روابط جنسی، اوقات فراغت، مسائل شخصیتی، خانواده و دوستان، فرزندپروری، نقش‌های زناشویی مؤثر بوده است. در نهایت، می‌توان گفت بستهٔ آموزشی مهارت‌های ارتباطی زوجین مبتنی برآموزه‌های اسلامی بر رضایتمندی زوجین تأثیر مثبت و معنادار داشته است.

کلیدواژه‌ها: بسته آموزشی، مهارت‌های ارتباطی، رضایتمندی زناشویی، مهارت‌های کلامی، مهارت‌های غیرکلامی

skills of couples and the short questionnaire of marital satisfaction. The result of the study showed that the educational program for relational skills based on Islamic teachings was effective in improving the management of relationship, improving the harmony in religious issues, educational program for resolving conflicts, financial management, sexual relations, free times, personality issues, family and friends, nurturing children, and marital roles. Finally, we can say the educational pack for relational skills of the couples based on Islamic teachings has had a positive and meaningful effect on the couple's satisfaction.

KEY WORDS: educational pack, relational pack, marital satisfaction

مقدمه

زندگی انسان از مراحل و چرخه‌های مختلفی تشکیل شده است که یکی از پیچیده‌ترین و سخت‌ترین مراحل آن، ازدواج و تشکیل خانواده است (ساپینگتون[۱]، ۱۳۸۴، ص۳۶). انسان‌ها انتظار دارند که زندگی مشترک، با خوشبختی و سعادت و رضایت همراه باشد و از لحظه‌لحظهٔ زندگی خود لذت ببرند و بدین‌سبب آنچه که از خود ازدواج مهم‌تر است، موفقیت در ازدواج یا رضایتمندی در بین زوجین است (برادبری، فینچ و بیچ[۲]، ۲۰۰۰).

معمولاً رفتارهای فردی موجب شکل‌گیری قواعد مراودات در بین زوجین می‌شود. بنابراین، پذیرش سلیقه‌ها و رفتار همسر و یا به عبارت دیگر، بروز رفتارهای مقبول از سوی همسر می‌تواند روابط دوتایی را شکل دهد و زمینهٔ برقراری تفاهم در بین زوجین را ایجاد کند. می‌توان گفت: رضایت زناشویی یک ارزیابی کلی از وضع فعلی ارتباط ارائه می‌دهد (احمدی، ۱۳۸۳). اولین ابزار میسر برای به حداقل رساندن کج‌فهمی و نارضایتمندی در ازدواج، تبادل پیام است. اگر زوجین بی‌پرده با یکدیگر صحبت کنند، احتمال اینکه یک نفر بدون آگاهی طرف مقابل تغییر کند، وجود

۱. Sappington
۲. Bradbury, Fincham, & Beach

نخواهد داشت و طرفین از آنچه دیگری را خشنود یا ناخشنود می‌سازد، بیشتر مطلع بوده و اگر همسر او دربارهٔ امری ناراحت و ناراضی باشد، متوجه این قضیه می‌شود (همان).

برای رسیدن به رضایتمندی که مطلوب اسلام باشد، یکی از رویکردهای پیشگیرانه و اثربخش، روش آموزش مهارت‌های ارتباطی زوجین است که به علت انعطاف‌پذیری لازم در ساختار خود می‌تواند به‌عنوان روشی کاربردی و موقعیت‌نگر، به صورتی که با نیازهای خاص زوج‌ها هماهنگ شود، به کار رود. مهارت‌های ارتباطی، توانایی‌هایی هستند که فرد به آنها نیاز دارد تا بتواند هنگامی که پیام‌هایی را به‌گونه‌ای نمادین به شخص دیگر می‌رساند با کفایت عمل کند (برنشتاین و برنشتاین[۱]، ۱۳۸۰، ص۷۳).

برای رسیدن به رضایتمندی زناشویی از طریق آموزش مهارت‌های ارتباطی، طرح‌هایی در ایران و خارج ارائه شده است. محبی‌کیا (۱۳۸۷)، بعد از اجرای بستهٔ آموزشی مهارت‌های ارتباطی با رویکرد رفتاری ـ شناختی، به این نتیجه رسیده که آموزش مهارت‌های ارتباطی با رویکرد رفتاری ـ شناختی موجب افزایش رضایتمندی می‌گردد. فرح‌بخش، اسمعلی و رضاپورمیرصالح (۱۳۹۲) طی پژوهشی، کارآمدی بسته آموزشی آموزه‌های هستی‌شناسی اسلامی را در رضایتمندی زناشویی اثبات کرده‌اند. سلیمانیان (۱۳۸۳)، نشان داده است که الگوهای ارتباطی و میزان ارتباط بین همسران، پیش‌بینی‌کنندهٔ رضایتمندی زناشویی، سازگاری زناشویی و آشفتگی زناشویی است. نتایج به‌دست‌آمده بیانگر این است که آموزش مهارت‌های ارتباطی بر تعارضات زناشویی و ابعاد آن (کاهش همکاری، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطهٔ فردی، کاهش رابطهٔ خانوادگی، کاهش ارتباط مؤثر و تعارضات زناشویی) تأثیر معنادار داشته و آن را کاهش داده است و همچنین آموزش مهارت‌های ارتباطی بر رضایتمندی زناشویی، تأثیر معنادار داشته است (صداقت‌نژاد، ۱۳۹۰).

با وجود تلاش‌های پژوهشگران، بسیاری از این پژوهش‌ها منحصر در یک مهارت خاص بوده و یا پژوهش از نوع آموزش فردمحور به جای زوج‌محور است؛ و یا نگاه پژوهشگر صرفاً بر اساس چارچوب غربی است و سنت معصومین علیهم‌السلام لحاظ نشده است (عطاری، حسین‌پور و راهنمود، ۱۳۸۸). در برخی پژوهش‌ها نیز فقط مبانی مهارت‌های ارتباطی از منابع استخراج شده‌اند و کار آموزشی صورت نگرفته است (کریمی، ۱۳۸۸). در این پژوهش، محقق سعی دارد تا پروتکلی را که در چارچوب مؤلفه‌های مهارت‌های ارتباطی، به آیات و روایات رجوع کرده و در جهت آموزش و افزایش رضایتمندی زناشویی طراحی شده است، را استفاده کند و به این سؤال پاسخ دهد که آیا می‌توان با استفاده از بستهٔ طراحی شده، رضایتمندی زناشویی زوجین را افزایش داد یا نه؟ و تا چه میزان در مؤلفه‌های رضایتمندی زناشویی کارآمد خواهد بود؟

۱. Bornstein

روش پژوهش

این پژوهش از نوع طرح‌های شبه‌آزمایشی در قالب پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه کنترل بود که با توجه به ساختار خاص آن، ابتدا نسبت به اجرای مقدماتی پرسش‌نامه رضایت زناشویی اقدام شد تا نمرات پیش‌آزمون نمونه‌ها مشخص شود و پس از ارائهٔ توضیحات لازم راجع به پرسش‌نامه‌ها و نحوهٔ پر کردن، پرسش‌نامهٔ مقیاس سنجش رضایت زناشویی به هر یک از زوجین داده شد و از آنها خواسته شد که با دقت و امانت به طور جدا از هم به پرسش‌نامه پاسخ دهند. پس از آن، جلسات آموزشی زوجین مبتنی بر بستهٔ آموزشی مورد نظر برای مهارت‌افزایی زوجین، برگزار شد. مرحلهٔ مداخله آموزشی به روش گروهی صورت گرفت. با توجه به اینکه این پژوهش به روش شبه‌تجربی صورت گرفته، در مرحله پایانی، برای جمع‌آوری اطلاعات پس‌آزمون، نسبت به تکمیل پرسش‌نامه‌ها اقدام شد. ۴۸ ساعت پس از برگزاری آخرین جلسه (جلسهٔ رفع اشکال)، پس‌آزمون برای هر دو گروه اجرا شد. نتایج به‌دست‌آمده از آزمون‌های اجرا شده، استخراج و تحلیل و در نهایت، نتایج پیش‌آزمون و پس‌آزمون با هم مقایسه و بررسی شد. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها بر اساس مدل تحلیل کوواریانس برای حذف یا کنترل اثر پیش‌آزمون بر روی پس‌آزمون، انجام شده و نتایج مشخص شد. جامعهٔ آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه قم و طلبه‌های تحت پوشش مرکز خدمات حوزه‌های علمیه قم بودند. فراخوان عمومی جهت شرکت در دوره‌های آموزشی خانواده با ارسال پیام کوتاه و نصب اطلاعیه در کلاس‌ها و مجموعه‌های آموزشی انجام شد. بعد از ثبت‌نام با قرعه‌کشی و مصاحبه اولیه ۳۰ زوج (۶۰ نفر) پذیرش اولیه شده و با روش تصادفی ساده به دو گروه تقسیم شدند.

برنامهٔ آموزش مهارت‌های ارتباطی زوجین بر اساس چارچوب اولیه منابع روان‌شناختی و کاربرد منابع اسلامی به صورت گروهی طراحی و در طی ۱۲ جلسهٔ هفتگی و هر جلسه به مدت ۹۰ دقیقه اجرا شد. رئوس مطالب جلسات در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. رئوس مطالب برنامه آموزشی گروهی مهارت‌های ارتباطی مبتنی بر آموزه‌های اسلام

عنوان جلسات	محتوای جلسات	مهارت‌های به کار رفته
جلسهٔ اول: جلسهٔ توجیهی زوجین و اجرای پیش‌تست	تذکر در مورد رعایت اصول مربوط به فضای آموزشی توضیح در مورد هدف، فرایند و قواعد جلسات توضیح در مورد ساختار جلسات بررسی عقاید درست و نادرست در مورد جلسات گروهی روش برگزاری جلسات به صورت آموزش روانی گروهی صورت می‌گیرد	تکلیف منزل ضروری است تصمیم‌گیری در مورد زمان مناسب برگزاری جلسات تکمیل اطلاعات مراجعین در مورد چگونگی برگزاری جلسات از طریق پاسخ‌دهی به سؤالات توضیح اهداف پژوهشی و اجرای تست پیش‌آزمون

جلسهٔ دوم: سبک گفت‌وگو	مفهوم‌سازی تعریف‌های رفتاری (راهنمای گام‌به‌گام درمان مشکلات زناشویی، ص ۱۱۷) مهارت‌های لازم در گفت‌وگو و تعاملات رفتاری سبک گفت‌وگوی سالم (سبک منفعل، سبک تهاجمی، سبک صریح)	الگوهای گفت‌وگو و صمیمیت خودافشاگری، تمجیدهای روزانه طراحی و تشکیل جلسهٔ زناشویی در طول هفته هر روز به مدت ۲۰ دقیقه تمرین یک روز یک گفت‌وگو پرسش و پاسخ
جلسهٔ سوم: گوش دادن	مرور تمرینات جلسهٔ قبل مفهوم‌سازی اصول گوش دادن فعال موانع گوش دادن فعال	مهارت‌های لازم در گوش دادن فعال مهارت توجه کردن، تصدیق تجربه و احساس همسر، دعوت به دادن اطلاعات بیشتر، تکنیک شرح شنیده‌ها تمرین منزل
جلسهٔ چهارم: ابراز وجود	مرور تمرینات جلسهٔ قبل مفهوم‌سازی اهمیت و جایگاه ابراز وجود در روابط همسران سبک‌های ابراز وجود (پرخاشگرانه، انفعالی، قاطعانه) ابراز انتقادات و شکایت‌ها درخواست جرأت‌مندانه نیازها	روش‌های منفی ابراز وجود روش‌های مثبت و سازنده ابراز وجود برنامه‌ریزی و طراحی قوانینی برای ابراز وجود تمرین رفتار جرأت‌مندانه تقویت عزت‌نفس و حرمت خود مقابله منطقی با دخالت‌های اطرافیان
جلسهٔ پنجم: حل‌تعارض	مرور تمرینات جلسهٔ قبل مفهوم‌سازی اصول حل اختلاف و تعارض مراحل حل‌تعارض	اهمیت بُعد عاطفی ارتباط در حل‌تعارض روش‌های کنترل خشم در تعارضات نگرش بردبرد به حل‌تعارض مهارت همدلی
جلسهٔ ششم: همکاری در منزل	مرور تمرینات جلسهٔ قبل و ارائهٔ بازخورد مناسب مفهوم‌سازی اهمیت و جایگاه همکاری تهیه لیستی از فعالیت‌های مورد همکاری در نظر گرفتن تفاوت‌های زن و شوهر در تقسیم فعالیت‌ها ارائه بازخورد مثبت و تقدیر تشکر از همدیگر	مذاکره و توافق روی اجرای اهداف مشترک زندگی مذاکره در مورد راهبردهای همکاری مشترک به شیوه‌ای سازنده و با توجه به وضعیت موجود تبادل نظر درباره راهبردهای تقویت و پشتیبانی از رفتار مثبت و سازنده یکدیگر تمرین در منزل
جلسهٔ هفتم: رعایت احترام	مرور تمرینات جلسهٔ قبل مفهوم‌سازی آموزه‌های دینی برای تکریم و احترام در بین زن و شوهر بحث و مذاکره در مورد علایق متفاوت یکدیگر و روش احترام گذاشتن به این علایق آشنایی با اصول رعایت احترام توافق روی نحوه رعایت احترام متقابل بین زوجین تقویت حس احترام در زندگی مشترک با توجه به باورها، ارزش‌ها و فعالیت‌های مذهبی	گفت‌وگو در مورد تأثیر اختلافات مذهبی و فرهنگی بر ایجاد تعارض در سایر حوزه‌های زندگی (مثال مسائل جنسی، تربیت فرزند، معاشرت با دیگران و...) بحث و مذاکره در مورد برنامه‌های فردی و مشترک در جهت تکریم خانواده‌های طرفین برنامه‌ریزی در مورد مسافرت‌ها و مراسم‌های مشترک و فردی با احترام به نظرات زوجین تمرین در منزل
جلسهٔ هشتم: نظافت و پاکیزگی	مرور تمرینات جلسهٔ قبل مفهوم‌سازی اهمیت و جایگاه نظافت و پاکیزگی زن و شوهر در منابع دینی گفت‌وگو در مورد علایق و سلایق	اختصاص وقت برای آراستگی در منزل گفت‌وگو در مورد کیفیت و نوع پوشش تذکر و گوشزد کردن فاکتورهای مربوط به نظافت و پاکیزگی تمرین در منزل

جلسهٔ نهم: مدیریت روابط جنسی	مرور تمرینات جلسهٔ قبل مفهوم‌سازی اهمیت و جایگاه روابط جنسی در سلامت خانواده بایسته‌های جنسی آمادگی برای آمیزش جنسی سالم و لذت‌بخش ارائه فرم تفاهم جنسی جهت کار در منزل تفاوت‌های زن و شوهر در کارکرد جنسی	تمایلات جنسی در زنان و مردان موانع شایع رابطه جنسی محرک‌های جنسی در زنان و مردان وظایف زوجین در کسب لذت و لذت‌بخش کردن روابط جنسی گفت‌وگو در مورد تفاهم جنسی ارائه بسته دانش‌افزایی جهت مطالعه زوجین در منزل
جلسهٔ دهم: آشنایی با موانع ارتباطی	مرور تمرینات جلسهٔ قبل مفهوم‌سازی موانع ابراز احساس موانع گوش دادن مجادله، خشم	ویژگی‌های ارتباط ناکارآمد شخصیت ناسالم و اختلالات روانی (وسواس، پارانوئید و ...) پیام‌های صمیمی (قضاوت عجولانه، مقایسه منفی، تهدید کردن و تعمیم افراطی و ...) تکلیف منزل
جلسهٔ یازدهم: جلسه اختصاصی روابط جنسی	با در نظر گرفتن مسائل فرهنگی این جلسه برای زوجین به صورت مجزا و توسط مربی هم‌جنس برگزار می‌شود. هدف از برگزاری این جلسه، پاسخگویی به پرسش‌هایی است که به روابط جنسی مرتبط است	
جلسهٔ دوازدهم: جمع‌بندی و پاسخ به سؤالات زوجین	مرور تکالیف جلسهٔ گذشته مرور کلی برنامه آموزشی و تأکید بر ادامه تمرینات ارزیابی، گرفتن بازخورد اخذ پیشنهادات و انتقادات	ارائه بازخورد و بررسی نقاط قوت و ضعف برنامه آموزشی توافق در مورد زمان اجرای پس‌آزمون برنامه اختتامیه

ابزار پژوهش

برنامه آموزشی مهارت‌های ارتباطی، با هدف افزایش رضایتمندی زوجین، با استفاده از مؤلفه‌ها و معیارهای ذکر شده برای مهارت‌های ارتباطی در منابع اسلامی و بومی‌سازی مؤلفه‌های روان‌شناختی ارتباط زوجین، بسته آموزشی تهیه گردید. این بسته آموزشی شامل مهارت‌های ارتباطی کلامی: سبک گفت‌وگو، گوش دادن، ابراز وجود، حل‌تعارض و مهارت‌های ارتباطی غیرکلامی: همکاری در منزل، رعایت احترام، نظافت و پاکیزگی و روابط جنسی می‌باشد (فتحی‌زاده، ۱۳۹۶،ص۱۶۹).

فرم کوتاه پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ[۱]، ۴۷ پرسش پنج گزینه‌ای دارد. این پرسش‌نامه برای ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا یا شناسایی زمینه‌های قوت در رابطهٔ زناشویی به کار می‌رود. از این پرسش‌نامه، برای تشخیص زوج‌هایی استفاده می‌شود که به مشاوره و تقویت رابطهٔ خود نیاز دارند (ثنایی، ۱۳۷۹، ص ۵۷). در این پرسش‌نامه ده مؤلفه ارتباط کلامی، جهت‌گیری مذهبی، حل‌تعارض، مدیریت مالی، روابط جنسی، فعالیت‌های اوقات فراغت، مسائل شخصیتی، فرزندان و فرزندپروری، نقش زن و مرد، خانواده و دوستان، سنجیده می‌شود. سلیمانیان (۱۳۷۳)، اعتبار این تست را با ضریب آلفای ۹۵٪ به دست آورده و مؤسسهٔ روان تجهیز سینا، آن را منتشر کرده است.

۱.Enrich

برای پاسخ به پرسش‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش، مشخصهٔ آماری گروه‌های نمونه از طریق آمار توصیفی (شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی، ضرایب چولگی و کشیدگی و نمودار) به دست آمد. برای بررسی اعتبار ابزار پژوهش، از روش همسانی درونی بر پایه ضریب کلی آلفای کرونباخ استفاده شد و برای تعیین اثر مداخلهٔ آموزشی برای افزایش رضایتمندی زناشویی از تحلیل کوواریانس استفاده شد. برای احراز شرایط شرکت‌کنندگان از فرم مصاحبه فردی ساخت‌یافته استفاده شد. معیار اصلی ورود به پژوهش، تمایل فرد به شرکت در طرح و دارا بودن اعتقادات دینی پایه در حد اصول و فروع دین و نیز عامل بودن به مناسک دینی است که بر اساس اظهارات خود فرد تعیین شده است و معیار خروج از پژوهش نیز عدم تمایل فرد بوده است.

یافته‌های پژوهش

داده‌های جامعه آماری در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

گروه	متغیر	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
آزمایش	سن	۱۹	۳۹	۲۷/۲۷	۵/۱۵
	مدت ازدواج	۱	۱۶	۵/۴	۴/۵۹
	تعداد فرزندان	۰	۳	۱/۴	۰/۹۶
	تفاوت سنی	۰	۵	۳	۱/۷۰
گواه	سن	۱۹	۳۹	۲۷/۳۳	۵/۱۶
	مدت ازدواج	۱	۱۶	۵/۶۷	۴/۴۳
	تعداد فرزندان	۰	۳	۱/۴۷	۰/۹۰
	تفاوت سنی	۱	۵	۳/۰۷	۱/۴۱

برای پاسخ دادن به سؤال اصلی پژوهش، پس از محاسبهٔ میانگین و انحراف استاندارد دو گروه قبل و بعد از مداخله، به‌منظور حذف اثر پیش‌آزمون از مدل آماری، تحلیل کوواریانس استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. آزمون کوواریانس برای مقایسه دو گروه در کل رضامندی زناشویی

منبع واریانس	مجموع مجذورات	مقدار F	سطح معناداری
متغیر هم‌پراش (پیش‌آزمون)	۱۵۱/۶۱	۱۸/۹۱	۰/۰۰۱
گروه	۱۳۸/۱۱	۱۰۵/۶۳	۰/۰۰۱

با توجه به داده‌های جدول ۳، با حذف اثر نمرات پیش‌آزمون به‌عنوان متغیر هم‌پراش بین دو گروه پس از مداخله، در عامل رضایت زناشویی، تفاوت معنادار ($F=۱۰۵/۶۳$، $p=۰/۰۰۱$) مشاهده می‌شود. نمرات میانگین تعدیل‌شده پس‌آزمون (جدول ۴) نشان می‌دهد، گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه در رضایت زناشویی بهتر عمل می‌کنند. بنابراین، می‌توان گفت: برنامهٔ آموزشی در رضایت زناشویی زوجین مؤثر بوده است.

جدول ۴. میانگین و انحراف استاندارد قبل و بعد از آموزش و میانگین اصلاح شده دو گروه بعد آموزش

گروه	متغیر	پیش‌آزمون	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	پس‌آزمون	پس‌آزمون	پس‌آزمون
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین اصلاح شده	خطای استاندارد
آزمایش	مدیریت رابطه	۱۳/۰۳	۲/۳۴	۱۵/۶۷	۱/۷۸	۱۵/۶۱	۰/۱۶
	مسائل مذهبی	۱۵/۵۳	۱/۰۷	۱۶/۶۷	۰/۹۹	۱۶/۴۳	۰/۱۳
	حل‌تعارض	۱۱/۹۳	۲/۵۱	۱۳/۷۰	۲/۱۶	۱۳/۲۲	۰/۱۴
	مدیریت مالی	۹/۵۷	۱/۷۳	۱۱/۱۷	۱/۴۴	۱۰/۹۱	۰/۱۳
	روابط جنسی	۱۰/۵۰	۱/۷۳	۱۲/۱۷	۱/۸۲	۱۲/۰۱	۰/۱۳
	اوقات فراغت	۱۰/۵۳	۱/۷۵	۱۲/۲۳	۱/۶۳	۱۲/۳۱	۰/۱۳
	مسائل شخصیتی	۱۲/۳۷	۱/۷۵	۱۳/۵۰	۱/۶۳	۱۳/۶۲	۰/۱۴
	فرزندپروری	۱۰/۵۳	۱/۳۸	۱۲/۷۳	۱/۳۸	۱۲/۷۶	۰/۱۲
	نقش‌های زناشویی	۱۰/۰۷	۲/۱۹	۱۱/۵۳	۱/۷۹	۱۱/۳۷	۰/۱۲
	خانواده و دوستان	۹/۷۷	۱/۵۶	۱۱/۶۳	۱/۲۱	۱۱/۶۷	۰/۱۱
	نمره کل رضایت زناشویی	۱۱۳/۳۰	۱۰/۴۳	۱۳۱/۱۰	۹/۵۱	۱۳۰/۲۷	۰/۵۸
کنترل	مدیریت رابطه	۱۳/۱۰	۱/۵۳	۱۳/۵۰	۱/۶۱	۱۳/۴۱	۰/۱۶
	مسائل مذهبی	۱۴/۹۰	۱/۳۲	۱۵/۱۷	۱/۱۷	۱۵/۳۲	۰/۱۳
	حل‌تعارض	۱۰/۸۳	۱/۶۴	۱۰/۷۷	۱/۷۷	۱۱/۲۱	۰/۱۴
	مدیریت مالی	۹/۰۷	۱/۵۳	۸/۷۳	۱/۳۱	۸/۹۳	۰/۱۳
	روابط جنسی	۱۰/۳۰	۱/۲۰	۱۰/۴۷	۱/۰۱	۱۰/۵۱	۰/۱۳
	اوقات فراغت	۱۰/۷۷	۱/۶۷	۱۰/۹۳	۱/۴۶	۱۰/۸۵	۰/۱۳
	مسائل شخصیتی	۱۲/۷۷	۱/۲۷	۱۲/۷۷	۱/۳۳	۱۲/۶۴	۰/۱۴
	فرزندپروری	۱۰/۶۷	۱/۴۴	۱۱	۱/۴۳	۱۰/۹۵	۰/۱۲
	نقش‌های زناشویی	۹/۵۳	۱/۴۰	۹/۵۷	۱/۴۰	۹/۷۸	۰/۱۲
	خانواده و دوستان	۹/۸۳	۱/۱۴	۱۰/۰۷	۱/۰۴	۱۰/۰۴	۰/۱۱
	نمره کل رضایت زناشویی	۱۱۱/۷۰	۷/۰۱	۱۱۲/۹۷	۶/۶۶	۱۱۳/۲۶	۰/۵۸

لازم بـه یـادآوری اسـت که نمـرات گـروه آزمایـش در خرده‌مقیاس‌هـای آزمون سـنجش، پس از محاسـبه میانگین و انحراف اسـتاندارد قبل و بعد از مداخله، به‌منظور حذف اثر پیش‌آزمون از مدل آماری تحلیل کوواریانس استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ گزارش شده است. همان‌طورکه دیده می‌شـود، هرچنـد با درصدهای متفـاوت و تفاوت‌های کم و زیاد، ولی برنامهٔ آموزشـی در بهبود همه عوامل خرده‌مقیاس‌ها مؤثره بوده و موجب بهبود رضایت زناشـویی و عملکرد بهتر گروه آزمایشـی ما در همه عوامل بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایـج این پژوهش نشـان می‌دهـد که بین همه مؤلفه‌هـای مهارت‌های ارتباطـی و رضایتمندی زناشویی، رابطهٔ مثبتی وجود دارد. وجود این رابطه، در تحقیقات مختلفی به اثبات رسیده است که بـا یافته‌های این پژوهش همخوانی دارد. موسـوی (۱۳۷۴)، در بررسـی عوامل مؤثر بر رضایتمندی زناشـویی نشـان داد که عوامل اقتصادی، مذهبی، آداب و سـنن اجتماعی، ارضای عاطفی، ارضای جنسـی و تفاهـم فکـری می‌تواند بـه رضایتمنـدی زناشـویی بینجامـد. در پژوهش‌های اسـلامی، ابراهیمـی (۱۳۸۷) به صورت کلی آموزش آموزه‌های اسـلامی را عامل مؤثری در بهینه شـدن زندگی مشـترک دانسته اسـت. دین اسلام با ارائهٔ دسـتورالعمل‌هایی به رضایتمندی زناشـویی و استحکام خانـواده کمک کرده و از تزلزل روابط زناشـویی جلوگیری می‌کنند. دسـتورالعمل‌هایی از قبیل پرهیز از نـگاه یـا برقراری ارتباط نامشـروع با نامحرم، رعایـت حجاب، اجتناب از گوش دادن به موسـیقی حـرام، خوش‌اخلاقـی و پرهیز از سـوءخلق در خانواده، مدارا با همسـر و فرزندان، آراسـتگی ظاهر زن و شـوهر و رعایـت حقـوق زن و شـوهر، رضایتمندی همسـران را از روابط زناشـویی موجب شـده و از سـردی روابط و نارضایتمندی زناشـویی آنان جلوگیری می‌کند (سـالاری‌فر، ۱۳۸۶). به نظر می‌رسد در مجمـوع آموزه‌هـای دینی بـا تأثیرگـذاری در برخی حیطه‌های مهـم، موجب اثرگـذاری مثبت در رضایتمندی زناشـویی شـده اسـت: اول، نوع ارتباط تعامل و گفت‌وگوی زوجین، یعنی درصورتی‌که زن و شـوهر ارتباط مؤثری در تعامل با هم داشته باشند، می‌توانند در بسیاری از زمینه‌ها با هم‌فکری بـه تفاهـم و نتایج خوشـنودکننده‌ای برسـند، چنانکه امام علـی علیه‌السلام فرمودند: «هر که سـخنش بد باشـد، بهـرهٔ بد بـرد» (تمیمی‌آمـدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰، ص ۱۸۸). دوم، پذیرش ایـن نکته که هر یک از زوجین به تنهایی ناقص بوده و با هم‌فکری و اسـتفاده از داشـته‌های همدیگر می‌توانند راه کمال را در پیش‌گرفتـه و بـه رضایتمندی از زندگی مشـترک نائل گردند، اما درصورتی‌کـه هر یک از زوجین بر افکار خودشـان تأکید داشـته باشند، بستری برای هم‌فکری، رشـد و یکپارچگی در زندگی مشترک نخواهد ماند. سوم، زوجین در سایه عمل به دستورات دینی به این باور رسیدند که وجود مشکلات، بخشـی طبیعی از زندگی مشـترک است و وظیفهٔ زوجین، برخورد مسـئله‌مدار با مشکلات است و این

آزمودنی‌های فوق در فاصله دو هفته، ۰/۷۳ همبستگی مشاهده گردید. مقایسه نمرات خانم‌های دارای همسر معتاد و عادی حاکی از وجود تفاوت معنادار بین دو گروه در مقیاس‌های مختلف است.

یافته‌های پژوهش

پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمرات، جزو پیش‌فرض‌های اساسی برای انجام آزمون‌های پارامتری از جمله تحلیل کواریانس است. از جمله آزمون‌هایی که به بررسی این پیش‌فرض می‌پردازند، آزمون شاپیرو ـ ویلک است که عدم معناداری آن، نشانگر تحقق پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمرات است (مولوی، ۱۳۸۶). نتایج آزمون شاپیرو ـ ویلک برای نمرات پیش‌آزمون تعارضات زناشویی، به تفکیک گروه‌های آزمایش و کنترل در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج آزمون شاپیرو ـ ویلک در مورد نرمال بودن توزیع نمرات تعارضات زناشویی

متغیر	شاخص‌ها	آزمون شاپیرو ــ ویلک		
	گروه	آماره	درجه آزادی	معنی داری
تعارضات زناشویی	آزمایش	۰/۷۸	۱۱	۰/۲۶
	کنترل	۰/۷۲	۱۱	۰/۰۷

همان‌طورکه در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، نتایج آزمون شاپیرو ـ ویلک بیانگر تأیید پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمرات می‌باشد.

پیش‌فرض تساوی واریانس‌ها جزو پیش‌فرض‌های مربوط به تحلیل کواریانس چندمتغیره است که با عدم معناداری آزمون لوین مشخص می‌شود (مولوی، ۱۳۸۶). نتایج آزمون لوین، برای متغیر تعارضات زناشویی در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون لوین در مورد پیش‌فرض تساوی واریانس‌ها

شاخص متغیر	F	درجهٔ آزادی۱	درجهٔ آزادی ۲	معناداری
تعارض زناشویی	۳/۷	۲	۲۱	۰/۰۲

همان‌طورکه در جدول ۲ مشاهده می‌شود، شرط همسانی واریانس‌ها برای متغیر تعارضات زناشویی تحقق نیافته است. با این حال، با توجه به تساوی تعداد گروه‌ها و با توجه به برقراری نسبتاً کامل پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمرات، در این شرایط، استفاده از تحلیل کواریانس، به

شرط همسویی نتایج آن با یک آزمون غیرپارامتری، قابل استناد می‌باشد. به عبارت دیگر، همسویی نتایج آزمون غیرپارامتری با آزمون پارامتری انجام شده، نشانگر این موضوع است که عدم رعایت کامل پیش‌فرض‌ها تأثیر معناداری بر نتایج، نداشته است (مولوی، ۱۳۸۶؛ گلاس و استانلی، ۱۳۶۸، ص ۲۸). در این پژوهش، بدین‌منظور از آزمون کروسکال ـ والیس استفاده شده است.

در جدول ۳، آمار توصیفی مربوط به میانگین و انحراف معیار نمرات متغیر تعارضات زناشویی به تفکیک برای افراد گروه‌های آزمایش و کنترل در دو مرحله سنجش (پیش‌آزمون و پس‌آزمون) نشان داده شده است.

جدول ۳. توصیف آماری نمرات تعارضات زناشویی در دو مرحله اندازه‌گیری به تفکیک گروه آزمایش و کنترل

متغیر	گروه	مرحله	میانگین	انحراف معیار
تعارضات زناشویی	کنترل	پیش‌آزمون	۱۲۲/۲۹	۱۷/۰۸
		پس‌آزمون	۱۲۱/۸۷	۱۶/۷۳
	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۲۰/۵۳	۱۸/۶۲
		پس‌آزمون	۱۱۵/۴۶	۱۸/۱۲

همان‌طورکه در جدول ۳ مشاهده می‌گردد، در گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل، شاهد کاهش بیشتر نمرات در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون هستیم.

نتایج تحلیل کواریانس جهت بررسی تفاوت بین گروه‌ها در متغیر تعارض زناشویی، در مرحلهٔ پس‌آزمون، در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل کواریانس جهت بررسی تفاوت بین گروه‌ها

شاخص‌ها / منبع تأثیرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری	مجذور اتا	توان آماری
پیش‌آزمون	۷۵۳/۲۱	۱	۷۵۳/۲۱	۱۴/۲۱	۰/۰۰	۰/۲۴	۰/۹۷
عضویت گروهی	۴۵۴۷/۶۳	۱	۴۵۴۷/۶۳	۲۷/۸۷	۰/۰۰	۰/۶۷	۱
خطا	۱۵۷۶/۵۴	۲۱	۷۵/۰۷				

همان‌طورکه در جدول ۴ مشاهده می‌گردد، نتایج تحلیل کواریانس، بیانگر آن است که با کنترل نمرات پیش‌آزمون، در مرحلهٔ پس‌آزمون، بین گروه‌های آزمایش و کنترل، تفاوت معناداری وجود دارد. توان آماری ۱ نیز نشان‌دهندهٔ دقت آزمون و کفایت حجم نمونه است. نتایج آزمون کروسکال

ـ والیس، جهت مقایسهٔ نمرات اختلافی مراحل پس‌آزمون و پیش‌آزمون تعارضات زناشویی، نیز تأییدکنندهٔ نتایج تحلیل کواریانس می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، پاسخ به این پرسش است که آیا درمان مرور زندگی بر کاهش تعارضات زناشویی زنان دارای همسر معتاد مؤثر است یا خیر؟ نتایج حاکی از آن بود که درمان مرور زندگی بر کاهش تعارضات زناشویی اثر معنادار دارد. نتایج پژوهش در زمینهٔ تأثیر این الگوی درمانی بر کاهش تعارضات زناشویی با یافته‌های شاه‌کرمی (۱۳۹۳) مبنی بر تأثیر درمان مرور زندگی با تأکید بر هستی‌شناسی اسلامی بر تعارضات زناشویی و تصمیم بر پایداری ازدواج همسو است، با این تفاوت که جامعه آن را زنانی که دارای همسر معتاد هستند و زلزله را تجربه کرده‌اند، تشکیل می‌دهد. با توجه به مؤلفه‌های تعارضات زناشویی می‌توان گفت: این پژوهش با پژوهش‌های بهاری، فاتحی‌زاده، احمدی، مولوی و بهرامی (۱۳۹۰)، حمید و همکاران (۱۳۹۱)، هراتیان، جان‌بزرگی و آگاه‌هریس (۱۳۹۴)، اکبری و خدادادی (۱۳۹۲)، هراتیان، ساطوریان، زارعی، جان‌بزرگی و آگاه‌هریس (۱۳۹۴) و آگاه، جان‌بزرگی و غفاری (۱۳۹۲) همسو است.

خانواده‌هایی که با اعتیاد درگیر هستند، به مرزبندی‌هایی تمایل دارند که یا بسیار سخت و یا بسیار پراکنده هستند. این خانواده‌ها مرزبندی سختی را با سیستم‌های بیرونی و همچنین درون خود به وجود می‌آورند، احتمالاً این مسئله را به صورت راز نگه می‌دارند و تصمیم می‌گیرند که کسی بیرون از خانواده و حتی درون خانواده دربارهٔ اعتیاد، خشونت، سوءاستفاده و ناهماهنگی میان آنها مطلع نگردد (کاظمیان، ۱۳۹۵). مرور زندگی به‌عنوان فرایندی گروهی در تغییر دیدگاه افراد نسبت به دیگران مؤثر خواهد بود و هنگامی که افراد داستان زندگی خود را در گروه به نمایش می‌گذارند، ادراک آنها از دیگر افراد به دیدگاه خود نزدیک‌تر می‌گردد. در نتیجه، دیگران را قابل پذیرش یافته و در کنار آن احساس راحتی بیشتری خواهند کرد (الری و نیواستریتن[۱]، ۲۰۰۱).

درمان مرور زندگی با تأکید بر هستی‌شناسی اسلامی با مشخص کردن نقاط تعارض‌برانگیز زندگی مراجع و به‌کارگیری اصول هستی‌شناسی اسلامی که اصولی عام و دربارهٔ همهٔ انسان‌ها صادق است به بازسازی شناخت‌ها، رفتارها، نگرش‌ها و ارزش‌گذاری‌های غلط و ناصحیح افراد در زندگی خود پرداخته و آنان را بر واقعیت و حقایق حاکم بر زندگی آگاه کرده و از این طریق به حل‌تضادها، تعارض‌ها و آشفتگی موجود در زندگی آنها می‌پردازد (شاه‌کرمی، ۱۳۹۳، ص۱۴).

بر اساس یافته‌های پژوهش، مرور زندگی با برجسته کردن موضوعات حل‌نشدهٔ زندگی افراد و بازشناسی جنبه‌های منفی و مثبت آن، به بازسازی جنبه‌های منفی پرداخت که به تسلط بهتر افراد

۱. O Leary ,E & Nieuwstraten ,I.M

بـر محیـط و پذیرش خود منجر گردید. در این پژوهش، با مرور خاطرات خوب و بد در ارتباط با خود، حوادث جهان هسـتی، اعضای خانواده و همچنین در ارتباط با اجتماع، افراد با صورت‌های مطلوب ارتباط، آشـنا شـدند. در درمان مرور زندگی با تأکید بر هستی‌شناسی اسلامی، علاوه بر اینکه به رابطهٔ انسـان با دیگران توجه می‌شـود، همچنین به رابطهٔ انسـان با خود و مهم‌تر از آن به رابطهٔ انسـان با خدا نیز تأکید می‌شود.

در ابتدا افراد، این جهان را سراسر سختی می‌دانستند که فقط آمیخته با رنج است و امکان رهایی و فرار از آن نیسـت. توجه به اینکه این جهان، سـختی محض و یا شادی محض نیست همچنان‌که حق و باطلش، زشـت و زیبایش به هم‌آمیخته است، ذهن افراد به این سمت سوق داده شد که دنیا محل وقوف و ماندن نیست و این دیدگاه در اثر عدم شناخت صحیح از نظام هستی و هدف آن است که ممکن اسـت دنیا، هدفی تلقی شـود و انسـان را به خود مشغول سـازد و همین تصویر غیرواقعی و بدبینانـه از جهان هسـتی، اجـازه نخواهد داد انسـان از فرصت‌های به وجود آمـده در دنیا که برای رسیدن به قله‌های عالی انسانیت در اختیار وی قرار دارد، استفاده لازم را ببرد.

همچنین با کمک گرفتن از معنویت، توانستند در برخورد با مشکلات خود به این بینش دست یابند که زندگی و مشـکلات گذرا هسـتند و هدف نهایی، رسیدن به عالم برتر است و باید در شرایط سخت از خداوند طلب کمک کنند و خداوند پاسـخگوی نیازهای آنها خواهد بود، و خود را صاحب اختیار تمام و کمال ندانند و این‌گونه آرامش خود را در برابر پدیده‌های هستی که قادر به کنترل آنها نیستند، حفظ کنند و این آرامش در ارتباط با دیگران نقش مؤثری داشته و مانع از ناامیدی افراد می‌گردد.

علاوه‌برایـن، بـه این موضوع توجه شـده اسـت که میـان رحمت الهـی و رحمت بنـدگان تفاوت اساسـی وجـود دارد و برخـی از بلایا و حـوادث، گاهی لازمهٔ طبیعـت بوده و گاهـی نتیجهٔ بی‌توجهی خـود انسان‌هاسـت و زمینهٔ خسـارات و زیان آن را، خود انسـان‌ها فراهم می‌کننـد والا افعال الهی بر اساس غایات معقول و خردپسند انجام می‌گیرد و او از ارتکاب اعمال عبث و بیهوده منزه است و تمام کارهایش را غرضی معقول پشتیبانی می‌کند.

بـا توجه دادن بـه اینکه وجود بلایا، مصیبت و درد و رنج و سـختی در دنیا خالـی از غایات معقول نیست، بلکه از اموری است که در جهت تأمین مصالح حقیقی انسان‌ها قرار دارند و سرشت انسان به گونه‌ای اسـت که بسـیاری از استعدادهای او جز در سـایه مواجهه با سختی‌ها شکوفا نمی‌گردد؛ افراد دریافتند که مشـکلاتی از قبیل عدم استحکام ساختمان‌ها و تخریب آن، اعتیاد و بیکاری همسر و... به‌طور قطع منسوب به خداوند نیست، بلکه نتیجهٔ بی‌تدبیری انسان است.

مرور توانایی‌ها و موفقیت‌های فعلی و گذشـتهٔ افراد و تشـویق یکدیگر جهت کسب شایستگی لازم بـرای انجـام فعالیت‌هایی که افراد مسـئولیت انجام آنها را بر عهده دارنـد مانند پخت نان و نظافت منزل و رسیدگی به امور فرزندان و همسر و کسب درآمد از طریق فرصت‌های شغلی ایجاد شده توسط

خیرین حاضر در منطقه، و توجه دادن به اصول هستی‌شناسی اسلامی مانند اصل مسئولیت‌پذیری، اصل اختیار به بهبود فرایند شکل‌گیری خودباوری در افراد کمک کرد. علاوه‌براین، از طریق معنی دادن به فعالیت روزمره در قالب ایثار و فداکاری و اینکه این فرایند در سایهٔ حمایت و اعتماد و همدلی معنای جدیدی از ارتباط را با دیگران برای فرد به ارمغان خواهد آورد، او را به انتخاب زندگی مسئولانه و هدفمند در قالب افعال اختیاری‌اش ترغیب نمود.

در موقعیت‌های بحرانی یا تعارض‌برانگیز، این خود فرد است که با تمرکز بر هیجانات و رفتارها و شناخت‌های نامعقول بر روی مسائل، و حتی استفاده از سبک‌های دفاعی رشدنایافته، آنها را به‌گونه‌ای بحرانی و تعارض‌برانگیز برای خود و اطرافیان تعبیر می‌کند، و در برخورد با مشکلات و همچنین همسر معتاد خود، ابراز خشم می‌کند. در فرایند گروهی، مرور زندگی با تغییر کانون این هیجانات (سکوت به‌جای خشم) و شناخت‌ها (جایگزین کردن افکار مثبت به‌جای افکار مزاحم و یا توقف آن افکار) و رفتارها (فردی عامل بودن به‌جای فردی منفعل بودن) و همچنین تغییر سبک‌های دفاعی و جایگزینی آنها با سبک‌های دفاعی رشد یافته‌تر که به‌منظور شیوه‌های مواجهه انطباقی، بهنجار و کارآمد استفاده می‌شود، افراد توانستند تعریف خود را از وضعیت بحرانی و یا تعارض‌برانگیز تغییر داده و در ارتباط با این مسائل، دید واقع‌بینانه‌تری را اتخاذ کنند.

به علت شرایط بد خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی و ناراحتی از شرایط، افراد برای حل مشکلات خود نه‌تنها به روشی مؤثر متوسل نمی‌شدند، بلکه در دام راه‌حل‌هایی می‌افتادند که موجب رنجش خاطر خود و اطرافیانش بوده و آنها را دچار مشکل می‌کرد، ولی بعد از قبول اینکه فرد آنچه را خارج از کنترل شخصی‌اش است، می‌تواند بپذیرد و انرژی خود را صرف انطباق با شرایط موجود کند، توانستند به ایجاد و توسعهٔ پذیرش وضعیت موجود دست یابند و پذیرش این موضوع توانست به‌عنوان میانجی تغییر در ارتباطات افراد عمل کند.

همچنین، توجه به اینکه از یک طرف این افراد در شرایط بحرانی به سر می‌بردند و دشواری‌های زیادی را تجربه می‌کردند و در برابر جبرهای درونی و محیطی که در این پژوهش منظور دشواری‌های زندگی با فرد معتاد، بیکاری همسر، مرگ عزیزان و تخریب خانه و از بین رفتن اموال و دارایی و آشفتگی در کارها و برنامه‌های روزانه است، که می‌تواند منجر به سرخوردگی و نادیده گرفتن قدرت و توانایی‌های پنهان در زندگی گردد و از طرفی، نوع نگاه آنها و جهان‌بینی آنها که ارتباط تنگاتنگی با کیفیت زندگی آنها دارد، این نوع هستی‌شناسی موجب شد تا در برابر چالش‌های زندگی تواناتر باشند و در ارتباط با همسر معتاد، خانواده و جامعه از موفقیت بیشتری برخوردار گردند.

بنابراین، می‌توان گفت: درمان مرور زندگی با تأکید بر هستی‌شناسی اسلامی با مشخص کردن نقاط تعارض‌برانگیز روابط و با به‌کارگیری اصول هستی‌شناسی اسلامی مانند اصل انتخاب، رشد و رنج، پیوستگی دنیا و آخرت، هدفمندی جهان، تداوم نتایج اعمال و رفتار انسان همراه با تداوم

هستی، رابطهٔ انسان با انسان‌های دیگر، انسان با خود و انسان با خدا به بازسازی شناخت‌ها، رفتارها، نگرش‌ها و ارزش‌گذاری‌های غلط و ناصحیح افراد در زندگی خود پرداخته و آنها را نسبت به واقعیت و حقایق حاکم بر زندگی خود آگاه کرده و از این طریق به حل آشفتگی‌های موجود در روابط آنها می‌پردازد.

در جوامعی مانند ایران که عناصر اعتقادی و فرهنگی در هم آمیخته شده است، عناصر فرهنگ اسلامی می‌تواند جامعه را از آسیب‌ها و تنش‌های زندگی مصون نگاه دارد، استفاده از درمان‌های برخاسته از فرهنگ مقاومت‌های مراجعان را کاهش داده و در مقابل، حس پذیرندگی افراد را برای درمان و ادامهٔ آن افزایش می‌دهد.

با توجه به مطالب فوق، در مقایسه با درمان‌های تجربی، نتایج به‌دست‌آمده منطقی به نظر می‌رسد. آنچه در این برنامهٔ درمانی صورت می‌گیرد، گسترش آگاهی نسبت به واقعیت‌های درونی و بیرونی همراه با تمرین پذیرش امیدوارانه وقایع و رؤیارویی واقع‌گرایانه با توهمات و تلاش برای حل‌مسئله می‌باشد.

محدودیت‌های پژوهش

این الگو برای درمانگران و مراجعینی مفید است که نسبت به مسائل مذهبی پذیرا بوده و حالت دفاعی نداشته باشند، تا بتوانند الگوی آموزشی خود را متناسب با فرهنگ بومی مخاطب و با ادبیات مناسب پالایش نماید، و خروجی مناسبی دریافت نماید. استفاده از این الگو هم برای درمانگران و هم مراجعین غیرمذهبی با محدودیت مواجه است. از محدودیت‌های دیگر این پژوهش که تعمیم‌پذیری آن را محدود می‌کند، می‌توان به محدودیت پرسش‌نامه اشاره کرد و از طرفی متغیرهای مداخله‌گر، همچون طبقه اقتصادی و اجتماعی و شرایط خاصی که افراد در آن به سر می‌بردند. ازآنجاکه این شیوهٔ درمانی در مورد زنان دارای همسر معتاد دارای تعارض مؤثر واقع شده است؛ بنابراین در تعمیم مؤثر بودن آن در مورد سایر حوزه‌های تعارض مانند تعارض والد ـ فرزندی و تعارضات بین‌فردی دیگر باید احتیاط نمود.

علاوه‌براین، شناخت از فرهنگ و واقعیت‌های ارزش فرهنگی افراد از اهمیتی ویژه‌ای برخوردار است، به‌ویژه در کشور گستردهٔ ما که در قالب یک فرهنگ و جامعه واحد، خرده‌فرهنگ‌های متعددی وجود دارد. با توجه به اینکه نوع نگاه به هستی به شدت تحت تأثیر فرهنگ قرار دارد پیشنهاد می‌شود، این پژوهش با سایر فرهنگ‌های حاضر در منطقه نیز انجام گیرد و نتایج آن مورد مقایسه قرار گیرد. همچنین، پیشنهاد می‌شود که این شیوهٔ درمانی در کار با افراد آسیب دیده از خیانت زناشویی به کار گرفته شود.

منابع

قرآن کریم

آگاه، لیلا؛ جان‌بزرگی، مسعود و غفاری، عذرا (۱۳۹۳)، «اثربخشی مداخله شناختی ـ رفتاری گروهی، بر افزایش رضامندی زناشویی زنان دارای تعارض زناشویی (با مقیاس اسلامی)»، روان‌شناسی و دین، ش ۲۶، ص ۶۱-۸۰.

اسمعیلی، معصومه (۱۳۸۹)، «مطالعه اثربخشی درمان مرور زندگی با تأکید بر اصول هستی‌شناسی اسلامی بر کاهش نشانگان اختلال استرس پس از سانحه»، فرهنگ مشاوره دورهٔ جدید، ش ۲، ص ۱-۲۰.

اکبری، بهمن و خدادادی، نعیما (۱۳۹۲)، «بررسی تأثیر آموزش مصون‌سازی در مقابل استرس بر میزان رضایت زناشویی و تعارضات زناشویی همسران مبتلا به اختلال استرس»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، دورهٔ هجدهم، ش ۷، ص ۹۴-۱۰۳.

بهاری، فرشاد؛ فاتحی‌زاده، مریم؛ احمدی، احمد؛ مولوی، حسین و بهرامی، فاطمه (۱۳۹۰)، «تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباط همسران بر کاهش تعارض‌های زناشویی زوج‌های متعارض متقاضی طلاق»، پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، سال اول، ش ۱، ص ۵۹-۷۰.

پارسی‌زاده، فرخ و اسکندری، ملیحه (۱۳۹۱)، «نیازسنجی اولویت‌های زنان بعد از وقوع زلزله (موردشناسی ۵ دی ماه ۱۳۸۲)»، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت بحران، نقش فناوری‌های نوین در کاهش آسیب‌پذیری ناشی از حوادث غیرمترقبه.

ثنایی، باقر (۱۳۹۶)، مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، چ چهارم، تهران: بعثت.

حمید، نجمه؛ کوچکی، رحیم و حیات‌بخش ملایری، لیدا (۱۳۹۱)، «اثربخشی روان‌درمانی شناختی-رفتاری مذهب‌محور توأم با بازآموزی بخشودگی بر کاهش تعارضات زناشویی و افزایش رضایت از زندگی در زوجین»، روان‌شناسی و دین، سال پنجم، ش ۲، ص ۵ -۳۴.

رضاپورمیرصالح، یاسر؛ اسمعیلی، معصومه و فرحبخش، کیومرث (۱۳۹۲)، «اثربخشی آموزه‌های هستی‌شناسی اسلامی بر رضایت زناشویی زنان متأهل»، روان‌شناسی و دین، ش ۲۲، ص ۵-۱۸.

زارعی دوست، الهام؛ عاطف وحید، محمدکاظم؛ بیان‌زاده، اکبر و بیرشک، بهروز (۱۳۸۶)، «مقایسه منبع کنترل، شیوه‌های مقابله و باورهای غیرمنطقی در زنان روسپی و عادی شهر تهران»، روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، سال سوم، ش۳، ص ۱۳-۲۷.

شامحمدی قهساره، اعظم؛ درویزه، زهرا و پورشهریاری، مه‌سیما (۱۳۸۷)، «اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر افزایش سازگاری زناشویی همسران معتادان و پیشگیری از بازگشت معتادان مرد در شهر اصفهان» اعتیادپژوهی، ش ۷، ص ۳-۲۸.

شاه‌کرمی، محسن (۱۳۹۳)، تأثیر درمان مرور زندگی با تأکید بر هستی‌شناسی اسلامی بر تعارضات زناشویی و تصمیم بر پایداری ازدواج، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

شهبازی، مریم؛ شهبازی، گیتی و صالحی‌زلانی، مریم (۱۳۹۱)، «مقایسه میزان سازگاری اجتماعی در بین زنان با همسران معتاد و غیرمعتاد»، دانش انتظامی ایلام، سال اول، ش ۴، ص ۱۲-۲۷

فرحبخش، کیومرث؛ شفیع‌آبادی، عبدالله؛ احمدی، احمد و دلاور، علی (۱۳۸۵)، «مقایسه میزان اثربخشی مشاوره زناشویی به شیوه شناختی الیس، واقعیت درمانی گلاسر و اختلاطی از آن دو در کاهش تعارض‌های زناشویی»، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ج ۵، ش ۱۸، ص ۲۸-۴۵.

قوانلو، الهام (۱۳۸۳)، بررسی تأثیر اعتیاد مردان بر روابط زناشویی با همسران در شهرستان مشهد، پایان‌نامه کارشناسی مددکاری اجتماعی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

کاظمیان، سمیه (۱۳۹۵)، «توان‌بخشی و مشاوره خانواده»، تهران،دانژه، اول .ص۴۶۰

گلاس، جین و استانلی، جولین‌سی (۱۳۶۸)، روش‌های آماری در تعلیم و تربیت و روان‌شناسی، ترجمهٔ مهتاش اسفندیاری و جمال عابدی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

محمدی‌فر، محمدعلی؛ طالبی، ابوالفضل و طباطبائی، سیدموسی (۱۳۸۹)، «تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر عملکرد خانواده در زنان دارای همسر معتاد»، اعتیادپژوهی، ش ۱۶، ص ۲۵-۴۰.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، سیری در نهج‌البلاغه، تهران: صدرا.

مولوی، حسین(۱۳۸۶)، تحلیل توصیفی و استنباطی داده ها در طرح پژوهشی، اصفهان: نشر پویش اندیشه.

نیکبخت نصرآبادی، علیرضا؛ پاشایی ثابت؛ فاطمه و بستامی، علیرضا (۱۳۹۵)، «تجربه زندگی با همسر معتاد: یک مطالعه پدیدارشناسی»، پژوهش پرستاری، دورهٔ یازدهم، ش ۱، ص ۲۳-۴۵

هراتیان، عباسعلی؛ جان‌بزرگی، مسعود و آگاه‌هریس، مژگان (۱۳۹۴)، «رابطه پایبندی مذهبی و تعارض زناشویی و تفاوت آنها در میان زوجین»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ش ۲۰، ص ۱۰۱-۱۱۸.

هراتیان، عباسعلی؛ ساطوریان، سیدعباس؛ زارعی، محمد؛ جان‌بزرگی، مسعود و آگاه‌هریس، مژگان (۱۳۹۴)، «بررسی تفاوت تعارض زناشویی، باورهای غیرمنطقی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و پایبندی مذهبی و والدین دارای یک و چند فرزند»، روان‌شناسی و دین، ش ۳۱، ص ۹۳-۱۱۲.

یزدان‌بخش، کامران (۱۳۹۴)، «اثربخشی مرور زندگی بر افزایش سازگاری اجتماعی سالمندان بازنشسته»، روان‌شناسی پیری، سال اول، ش ۳، ص ۱۷۹-۱۸۵.

Ando, M, Morita, T, Akechi, T, & Okamoto, T, (2010), Efficacy of Short-Term Life-Review Interviews on the Spiritual Well-Being of Terminally Ill Cancer Patients, Journal of Pain and Symptom Management, 6(39), p.45-53

Bohlmeijer, E, Smit, F, & Cuijpers, P, (2003), Effects of reminiscence and life review on late-life depression: a meta-analysis, Int J Geriatr Psychiatry, 18, DOI: 10.1002/gps.1018.

Butler, R, & Robert, N, (1974), Successful Aging and the Role of the Life Review, Journal of the American Geriatrics Society, n. 12, p.68-72

Chiang, K, Lu, R, Chu, H, Chang, Y, & Chou, K, (2007), Evaluation of the effect of a life review group program on self-esteem and life satisfaction in the elderly, Int. J. Geriatr. Psychiatry, 23, DOI: 10.1002/gps.1824.

Davis, M. C, (2004), Life review therapy as an intervention to manage depression and enhance life satisfaction in individuals with right hemisphere cerebral vascular accidents, Mandeville, Louisiana, USA, DOI: 10.1080/0161 2840490443455.

Glasser, W, (1998), Choice theory. A new psychology of personal freedom, New York: Harper Collins Publisher.

Haight, B. K, (1988), The Therapeutic Role of aStructured Life Review Process in Homebound Elderly Subjects, Journal of Gerontology: Psychological Sciences, 43 (2), p. 41–47

Hanaoka, H, & Okamura, H, (2004), Study on Effects of Life Review Activities on the Quality of Life of the Elderly: A Randomized Controlled Trial, Psychother Psychosom, 73, DOI: 10.1159/000078847.

Kleinke, L. S, (1998), Coping with life challenges (2nd. Ed). New York: Brooks/Cole Publishing Company.

Maercker, A, & Zöllner, T, (2002), Life-Review-Therapie als spezifische, Form der Behandlung posttraumatischer Belastungsstörungen im Alter Verhaltensth & Verhaltensmed, n. 23, p. 120–140.

Markman, H, Stanley, S, & Blumberg, S. L, (2001), Fighting for your marriage: Positive steps for preventing divorce and preserving a lasting love, San Francisco: Jossey-Bass.

McCullough, M. E, & Willoughby, B.N.B, (2009), Religion, Self-Regulation, and Self-Control: Associations, Explanations, and Implications, Psychological Bulletin, (1)2, p.36–41

Molinery, v, & Reichlin, R. E, (1985), Life Review Reminiscence In The Elderly A Review Of The Literature, INT'L. J. Aging and Human Development, 20 (2), p.31–41

O Leary, E, & Nieuwstraten, I. M, (2001), Theexploration of memories in Gestalt reminiscence therapy, Counselling psychology quarterly, n. 14, p. 165–180.

Reker, G, & Chamberlain, K, (2000), Exploring existential meaning:Optimizing human development across the life span.thousand Oaks, CA: Sage Publications Inc.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال سوم، شماره دوم، پیاپی۸، پاییز و زمستان۱۳۹۶، ص۶۴-۴۳

شاخص‌های الگوی مواجهه با مشکلات اقتصادی در سبک زندگی اسلامی

The Indexes of the Model for Confronting the Economic Problems in Islamic Lifestyle

✍**محمد فرهوش** / دانشجوی دکتری روان شناسی، دانشگاه سمنان. Farhoush.mohammad@gmail.com
حسین رادمرد / کارشناسی ارشد روان‌شناسی مثبت‌گرا، مؤسسهٔ اخلاق و تربیت، قم، ایران، h.r1360@yahoo.com
محمدحسین مهوری / سطح سه مرکز تخصصی اخلاق حوزه علمیّه قم. mhmahvar@gmai.com
سکینه قربانی / کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، sghorbani687@gmail.com

Muhammad Farhoosh / PhD Student of Psychology, Semnan University
Hussein Radmard / AM Student of Positive Psychology, Institute of Ethics and Education, Qom, Iran
Muhammad Hussein Mahuri / Level-Three Student in Specialized Center of Ethics, Seminary of Qom
Sakina Qurbani / MA of Educational Psychology, Kashan University, Kashan, Iran

چکیده

در سال‌های اخیر مشکلات اقتصادی در بسیاری از مناطق ایران اسلامی افزایش یافته است و یکی از مهم‌ترین مسائل بسیاری از خانواده‌ها، نحوهٔ مواجهه با مشکلات مالی است. هدف این پژوهش، تدوین الگوی مواجهه با مشکلات اقتصادی در سبک زندگی اسلامی است. بدین‌منظور، کلیدواژه‌های معیشت، رزق و فقر در قرآن و کتب حدیثی کافی، بحارالانوار و وسائل‌الشیعه و مقالات مرتبط با کلیدواژه‌های روزی، مشکلات اقتصادی، مالی، اسلامی در پایگاه داده‌های گوگل اسکالر، نورمگز و SID جست‌وجو شد و شاخصه‌های الگوی مواجهه با مشکلات اقتصادی جمع‌آوری و دسته‌بندی شد. جست‌وجو و جمع‌آوری شاخصه‌ها تا اشباع اطلاعات ادامه یافت. یافته‌های پژوهش نشان داد، شاخص‌های مدل مواجهه با مشکلات مالی در سبک زندگی اسلامی شامل بهره‌مندی از

ABSTRACT

In recent years, economic problems have increased in many parts of Iran, and one of the most important problems in many families is the way one should confront financial problems. The present study aims at designing the model for confronting economic problems in Islamic lifestyle. To do so, the key words of subsistence, aliment, and poverty in the Quran and the hadith books of Kafi, Bihar al-Anwar and Wasa'il al-Shi'a as well as the articles related to the key words of 'sustenance', 'economic and financial problems', and 'Islamic' were searched in the websites of Google Scholar, noormags.ir, and SID, and the parameters of the model for confronting economic problems were gathered and classified. This went on until the saturation of information. The findings of the research showed that the parameters of the model for confronting the financial prob-

عوامل افزایش رزق، اجتناب از عوامل کاهش رزق، به‌کارگیری رویکرد مسئله‌مدار معنوی و به‌کارگیری رویکرد هیجان‌مدار معنوی می‌باشد. دستاوردهای این پژوهش بستر مناسبی برای تدوین پرسش‌نامه جهت ارزیابی سبک‌های مواجهه با مشکلات اقتصادی با رویکرد اسلامی را فراهم کرده است. همچنین، تدوین و ارائهٔ بسته‌های آموزش در جهت تعمیق مواجهه با مشکلات اقتصادی بر اساس سبک زندگی اسلامی را تسهیل کرده است.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی اسلامی، مشکلات مالی، رزق، فقر، معیشت.

lems in the Islamic lifestyle include enjoying the factors of increasing one's sustenance, avoiding the factors of decreasing one's sustenance, applying the spiritual problem-centered approach and the spiritual emotion-centered approach. The achievements of this study provide a proper context for designing a questionnaire for evaluating the styles of confronting economic problems with an Islamic approach. Besides, it facilitates designing and presenting educational packs for deepening the confrontation with economic problems based on Islamic lifestyle.

KEY WORDS: Islamic lifestyle, financial problems, sustenance, poverty, subsistence.

مقدمه

پروردگار هستی، برای رسیدن انسان به سعادت و خوشبختی دو راهنما به وی عنایت کرد: راهنمای باطنیِ عقل و راهنمای بیرونی که پیامبران هستند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۳۷). پیامبران برای راهنمایی بشر، شریعت‌هایی آورده که با گذشت زمان کامل‌تر می‌گردید، تا اینکه کامل‌ترین دین توسط آخرین پیامبر آورده شد. اسلام آنچه را که انسان برای رسیدن به سعادت و کمال در دنیا و آخرت نیاز دارد، ارائه کرده است. بخشی از تعالیم اسلام دربارهٔ تأمین معاش و نحوهٔ مواجهه با مشکلات اقتصادی است.

در سال‌های اخیر، مشکلات اقتصادی، سبک زندگی بسیاری از خانواده‌های مسلمان ایرانی را تحت تأثیر قرار داده است. استکبار جهانی پس از هشت سال جنگ تحمیلی و سال‌ها جنگ فرهنگی، جنگ اقتصادی را محور حملات به نظام جمهوری اسلامی ایران قرار داده است (سیفلو، ۱۳۹۳). ازاین‌رو، بسیاری از خانواده‌های ایرانی دچار مشکلات اقتصادی شده‌اند و چگونگی مواجهه با مشکلات اقتصادی مسئلهٔ اصلی آنهاست (ایمان‌زاده و همراه‌زاده، ۱۳۹۶). البته برخی از احساس نیازها و مشکلات اقتصادی کاذب است.

در واقع سبک زندگی غربی، با تقویت احساس نیازهای کاذب، مصرف‌گرایی را ترویج می‌کند (توکلی و ایزانلو، ۱۳۹۵). سبک زندگی غیراسلامی با ترویج تجمل‌گرایی، اسراف و تبذیر، آسیب‌پذیری خانواده‌های ایرانی را در مقابل تهاجم اقتصادی دشمنان افزایش می‌دهد (طغیانی، ۱۳۹۵). ازاین‌رو، برخی از پژوهشگران بر اهمیت بُعد تدبیر معیشت و اصلاح الگوی مصرف در سبک زندگی

اسلامی، تأکید کرده‌اند و پژوهش‌هایی انجام شده است (کاظمی، منصورزاده و نظریان، ۱۳۹۳).

سیفلو (۱۳۹۳)، در پژوهشی پس از تبیین ابعاد تهاجم اقتصادی استکبار جهانی علیه ایران اسلامی، ضرورت پدافند غیرعامل در بُعد اقتصادی را تبیین و مدل اقتصاد مقاومتی در سطح سیاست‌های کلان اقتصادی کشور را ارائه کرده است. در این مدل، بر سیاست‌های کلان حکومت اسلامی تأکید شده و سیاست‌های مرتبط در سطح فرد و خانواده کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس آموزه‌های اسلامی، رهبران جامعه که شامل همهٔ دست‌اندرکاران ادارهٔ جامعه می‌شود، دربارهٔ فقرا وظایفی دارند. برای نمونه، کاهش هزینه‌های حکومت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱، ص ۱۰۵ و ۱۱۶)، برقراری عدالت میان مردم و رفع تبعیض، رسیدگی به فقرا در حد امکان، زندگی کردن در حد طبقهٔ متوسط جامعه به پایین از جملهٔ این وظایف است (همان، ج ۴۰، ص ۳۳۶، ح ۱۷).

طغیانی (۱۳۹۵)، در پژوهشی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در شرایط دفاع اقتصادی را اصلاح فرهنگ مصرف، کار، تعاون و همکاری، ایثار و از خودگذشتگی و کارآفرینی معرفی کرد. در این مدل به ابعاد روان‌شناختی کمتر توجه شده است. حاتمی و قنبریان (۱۳۹۵)، در پژوهشی مؤلفه‌های الگوی مصرف در سبک زندگی اسلامی را احساس مسئولیت در مصرف، مدیریت صحیح، توجه به کیفیت، میانه‌روی، توجه به اولویت‌ها، کار و تلاش و پرهیز از اسراف و تبذیر دانستند. در این پژوهش به نحوهٔ افزایش درآمد کمتر توجه شده است.

با توجه به پژوهش‌های انجام شده، خلأ الگوی مواجهه با مشکلات اقتصادی در سبک زندگی اسلامی وجود دارد و نیاز است این الگو در پژوهشی بر اساس منابع اسلامی، تدوین و ارائه شود. بدیهی است ارائهٔ مدل مواجهه با مشکلات اقتصادی بر اساس منابع اسلامی، راهبردی در جهت تقویت و ارتقای ابعاد اقتصادی سبک زندگی اسلامی ایرانی است.

بنا بر آموزه‌های اسلامی، هدف زندگی انسان مؤمن، رفاه در دنیا نیست و دنیا ارزش ذاتی ندارد، بلکه هدف زندگی، رشد معنوی و تقرب به خداست و دنیا وسیله‌ای برای دستیابی به کمال حقیقی است. بنابراین، اگر امکانات مادی در راه تقرب به خدا به کار رود، مفید و ارزشمند است و اگر در خدمت شهوات باشد، بی‌ارزش و مضر است.

قناعت و میانه‌روی در تلاش برای کسب روزی در آموزه‌های اسلامی تأکید شده است (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۳۷). فرد مسلمان باید به مقدار نیاز به دنبال کسب روزی حلال باشد. البته علاوه‌براین، فرد مؤمن نسبت به خویشاوندان و فقرا نیز احساس مسئولیت دارد و تلاش می‌کند تا بتواند از ایشان دستگیری کند. مؤمن، کم‌هزینه و پرفایده و بسیار یاری‌دهنده است. امام حسین علیه‌السلام فرمودند: «در طلب روزی مانند انسان جنگجو و پیروز تلاش نکن و مانند انسانی که تسلیم قدر شده است، سربار مردم نباش (از افراط و تفریط بپرهیز). همانا جست‌وجوی روزی و کار و تلاش از سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است و میانه‌روی در طلب روزی که از عفت است، مانع رزق نمی‌شود» (مجلسی،

۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۷). گاهی احساس نیاز کاذب است و نیاز حقیقی و ضروری نیست. کسی که زندگی او به مقدار کافی تأمین شده است، بهتر است باقی اوقاتش را به عبادت، مطالعه و کسب معارف دینی بپردازد و در کار و تلاش افراط نکند. امام موسی کاظم علیه‌السلام فرمودند: «بکوشید تا زمان خود را به چهار بخش تقسیم کنید: قسمتی برای مناجات با خدا، قسمتی برای امر معاش، قسمتی برای معاشرت با برادران و افراد مورد اعتماد که شما را به عیب‌هایتان آگاه می‌کنند و باطن شما را پاک و خالص می‌نمایند، قسمتی هم به لذت‌های حلال خود می‌رسید و به وسیلهٔ این بخش، برای بخش‌های دیگر نیرو می‌گیرید» (همان، ج ۷۵، ص ۳۲۱).

برای هر انسانی بازهٔ خاصی از رزق مُقدر شده است که حداقل و حداکثری دارد که با توجه به تلاش فرد و امور دیگری که در تقدیر رزق مؤثر است، مقدار رزق او تعیین می‌شود. در روایات دو گونه روزی برای انسان بیان شده است: روزی که در هر حال به انسان می‌رسد و از آن به رزق طالب (یعنی رزقی که به دنبال انسان است تا به او برسد) تعبیر شده است، و روزی که انسان باید به دنبال آن باشد و برای رسیدن به آن باید کار و تلاش کند که از آن به رزق مطلوب تعبیر شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «بدانید رزق دوگونه است: رزقی که شما به دنبال آن می‌روید و رزقی که آن به دنبال شما می‌آید. بنابراین، رزق را از طریق حلال طلب کنید» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۴۷). امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «پسرم بدانکه «روزی» بر دوگونه است: یک نوع روزی است که به جست‌وجوی آن برمی‌خیزی؛ روزی دیگر، به سراغ تو خواهد آمد، یعنی اگر تو به سویش نروی آن به سویت می‌آید» (نهج‌البلاغه، ن ۳۱).

برای فهم روایات باید مجموع روایات مربوط به یک مسئله را جمع‌آوری و تحلیل کرد و در هر مورد، شرایط صدور آن روایت را در نظر گرفت. بسیاری از روایات چکش اعتدال هستند، و با توجه به خصوصیات مخاطب صادر شدند و می‌خواهند مخاطب را از بیراهه‌های افراط یا تفریط به صراط مستقیم بیاورند. برای نمونه، ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام همواره مسلمانان را به اعتدال و میانه‌روی در کار و تلاش دعوت می‌کردند. در شرایطی که جامعه به سوی حرص و دنیاطلبی بوده است، امامان به زهد و بی‌رغبتی به دنیا و ترک دنیادوستی تأکید می‌کردند. به‌عنوان نمونه، زمان امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام که ثروت زیادی در جامعه مسلمین وارد شده بود، امیرالمؤمنین در نکوهش دنیاطلبی و مطلوبیت زهد، مطالب بسیاری فرمودند و در شرایطی مانند زمان امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام که گروهی همچون صوفیه به بهانهٔ دنیاگریزی و توکل به خدا، به سوی سستی و سربار جامعه بودن، متمایل می‌شدند، امامان بر ضرورت کار و تلاش و کسب روزی حلال تأکید می‌کردند.

هدف این پژوهش، ارائهٔ یک نظام منسجم و یکپارچه است که جایگاه هر گزاره نسبت به کل گزاره‌ها مشخص باشد و یک مدل جامع برای مقابله با مشکلات اقتصادی در سبک زندگی اسلامی، ارائه کند و مؤمنین را از برداشت‌های سطحی و سلیقه‌ای از برخی روایات و توصیه‌های دینی باز دارد.

روش پژوهش

این پژوهش به روش تحلیل محتوای کیفی انجام شد. بدین‌منظور، کلیدواژه‌های معیشت، رزق و فقر در قرآن و کتب حدیثی کافی، بحارالانوار، وسائل‌الشیعه جست‌وجو شد. همچنین، مقالات مرتبط با کلیدواژه‌های روزی، مشکلات اقتصادی، مالی، اسلامی در پایگاه داده‌های گوگل اسکالر، نورمگز و SID که طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷ منتشر شده بود، جست‌وجو شد و شاخصه‌های الگوی مواجهه با مشکلات اقتصادی جمع‌آوری و دسته‌بندی شد. جست‌وجو و جمع‌آوری شاخصه‌ها تا اشباع اطلاعات ادامه یافت.

یافته‌های پژوهش

در میان مسلمانان دو دیدگاه دربارهٔ فقر وجود دارد: گروهی فقر را ارزش و گروهی دیگر آن را ضدارزش و عامل انحراف می‌دانند. روایات نیز دوگونه‌اند: برخی فقر را ممدوح (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۳۶) و برخی آن را مذموم دانسته‌اند. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «نزدیک است که فقر به کفر انجامد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹، ص ۲۹). در جمع بین این دو گروه روایات می‌توان گفت: فقر دو نوع اختیاری و غیراختیاری است. فقر اختیاری به این معناست که آدمی با سستی و تنبلی کار و تلاش را رها کند، این فقر نکوهیده است. فقر غیراختیاری آن است که انسان نهایت تلاش خود را انجام می‌دهد، ولی بر اثر عواملی که در اختیار او نیست، درآمد وی کفاف مخارج زندگی او را نمی‌دهد. چنین فردی با صبر و بردباری از پاداش خداوند در جهان آخرت بهره‌مند می‌شود، چنین فقری که موجب تقرب به خدا می‌شود، ممدوح است (همان، ص ۲۵).

بسیاری از مطالب مرتبط با مدل در آموزه‌های اسلامی، به‌واسطهٔ کلمهٔ رزق و مشتقات آن یافت شد. «رزق» واژهٔ عربی به‌معنای در اختیار گذاشتن و بخشیدن پیوسته تمام امکانات مورد نیاز هر موجود زنده در شرایط گوناگون است که برای ادامه حیات و رسیدن به کمال مطلوب خود به آن نیاز دارد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۱۵).

مدل مواجهه با مشکلات اقتصادی در سبک زندگی اسلامی شامل چهار مؤلفهٔ اصلی می‌باشد: ۱. به‌کارگیری عوامل افزایش رزق (شکر نعمت‌ها، عبادت خدا، ...)؛ ۲. اجتناب از عوامل کاهش رزق (اجتناب از گناه، اجتناب از حرص و طمع، ...)؛ ۳. به‌کارگیری رویکرد مسئله‌مدار معنوی (تدبیر و تلاش و توکل)؛ ۴. به‌کارگیری رویکرد هیجان‌مدار معنوی (ارزیابی مثبت ثانویه معنوی، صبر و تسلیم و رضا و دعا).

توضیح مؤلفه‌ها و ریزمؤلفه‌های مدل

۱. بهره‌مندی از عوامل افزایش رزق

در آموزه‌های اسلامی بر اموری که موجب افزایش رزق می‌شود، تأکید شده است. این امور عبارتند از: شکر، امید به خدا و ناامیدی از غیر او، عبادت خدا، رعایت موازین شرعی در کسب درآمد، برکت،

صدقه دادن، توبه و استغفار، عبادت، نماز شب، خوش‌اخلاقی و خوش‌گفتاری، قرض دادن، اطعام مؤمنین، صله‌رحم، ازدواج، رعایت آداب غذا خوردن، آراستگی و پاکیزگی، آداب تجارت، میانه‌روی در کار و تلاش، قناعت و میانه‌روی در هزینه‌ها، تغییر شغل نامناسب و ثبات قدم در شغل مناسب.

شکر: «شکر» شامل شکر قلبی، شکر زبانی و شکر عملی می‌شود. شکر قلبی، آن است که فرد از نعمتی که بهره می‌برد، متوجه باشد که صاحب آن نعمت خداوند متعال است (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۹۶). شکر زبانی، یعنی با زبان از نعمت‌های خداوند متعال سپاسگزاری کند و به‌عنوان نمونه بگوید: «الحمدلله رب العالمین» (همان، ص ۹۸). شکر عملی، یعنی قدر نعمت‌های خداوند متعال را بداند و از آنها در راه بندگی و اطاعت خدا بهره برد، و با نعمت خدا در محضر خدا، معصیت خدا نکند (همان، ص ۹۹). از سنت‌های الهی آن است که شکر نعمت، موجب افزایش نعمت می‌شود. خداوند متعال می فرماید: «اگر سپاسگزاری کنید، حتماً نعمتم را بر شما افزون خواهم کرد، و اگر ناسپاسی کنید، قطعاً عذابم سخت خواهد بود» (ابراهیم: ۷). همچنین امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: «سپاسگزاری پروردگارِ نعمت‌بخش، روزی را زیاد می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۳۱۴).

مقدمهٔ شکر، شناخت نعمت و مُنعِم (نعمت‌دهنده) و شناخت اهمیت آن نعمت در زندگی فرد است (سالاروند، احمدی و موسوی‌نسب، ۱۳۹۴). انسان مؤمن باید به نعمت‌هایی که از آن بهره‌مند است، توجه نماید و آنها را از سوی خدا بداند. اگر فراوانی نعمت همراه غفلت و عدم شکر باشد، می‌تواند مقدمهٔ عقوبت الهی باشد (قلم: ۴۴). گاهی یاران ائمه اطهار علیهم‌السلام با فراوانی نعمت در زندگیشان، نگران می‌شدند که مبادا دچار سنت استدراج شده باشند و عقوبت الهی در انتظارشان باشد. به امام که مراجعه می‌کردند، امام می‌فرمودند: «اگر این نعمت‌ها همراه شکر است و از یاد خدا غافل نشدید، نگران نباشید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۵۵).

امید به خدا و ناامیدی از غیر او: رزاق از اسامی حسنای خداوند متعال است. همهٔ موجودات واسطهٔ خیر هستند و به خداوند متعال وابسته هستند (فاطر: ۱۵). تنها خداوند بی‌نیاز است و تمامی هستی را روزی می‌دهد. این مطلوب تحت عنوان توحید افعالی در عرفان ارائه شده است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴، ص ۷۸).

رعایت موازین شرعی در کسب درآمد: در آموزه‌های اسلامی بر کسب و کار حلال و آگاهی از مسائل شرعی مرتبط با کسب و کار تأکید شده است. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می فرمایند: «هرگاه کسی بخواهد دعایش مستجاب شود، بکوشد که کسب و کارش را حلال و پاک سازد و از مظالم مردم بیرون آید؛ زیرا دعای بنده پیش خدا بالا نمی‌رود، درصورتی‌که در شکمش حرام یا به گردنش مظلمه‌ای از مردم باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۳۱۹). همچنین، امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمودند: «هر کس بدون علم تجارت کند، پیوسته در ربا فرو می‌رود و راه خروج ندارد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۳۸۲، ح ۲۲۷۹۵). اصبغ‌بن‌نباته می‌گوید: «امیرمؤمنان علی علیه‌السلام بر فراز منبر می‌فرمود: ای گروه

تاجران! ابتدا فقه را فراگیرید و سپس به تجارت بپردازید، به خدا سوگند نفوذ ربا در میان این امت مخفی‌تر از حرکت مورچه بر روی سنگ سخت است. سوگندهایتان را با راستی درآمیزید، تاجر فاجر است و فاجر در آتش است، مگر کسی که حق بگیرد و حق بپردازد» (همان، ص ۳۸۱، ح ۲۲۷۹۴). امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «هر کس که می‌خواهد تجارت کند، باید با احکام دین خود آشنا گردد، تا به‌واسطهٔ آن بتواند حلال و حرامی که برایش مقرر شده را تشخیص دهد. هر کس با فقه و احکام آشنا نباشد و به تجارت بپردازد، در شبهات فرو می‌رود، راه خروج ندارد» (همان، ص ۳۸۲، ح ۲۲۷۹۷). رعایت مسائل شرعی، موجب برکت می‌شود.

کسب و کار به لحاظ حکم شرعی به پنج نوع تقسیم می‌شود:

۱. کسب و کار واجب: کسب و کاری است که انجام دادن آن لازم است و ثواب دارد و ترک آن جایز نیست و عقوبت دارد. مانند کسب و کار برای تأمین مخارج خود و خانواده، یا کسب و کار برای رفع نیازهای ضروری جامعه، درصورتی‌که نیاز جامعه از راه دیگری تأمین نشود، آن کار واجب عینی می‌شود.

۲. کسب و کار حرام: آن کسب و کاری است که ترک آن لازم است و انجام آن گناه دارد. مانند خرید و فروش مواد مخدر، مشروبات الکلی، ربا و هر چیزی که موجب ضعف یا سقوط و انحطاط جامعه اسلامی و مسلمانان شود.

۳. کسب و کار مستحب: آن اموری است که انجام دادن آن ثواب دارد، ولی ترک آن جایز است و عقوبت ندارد. مانند کسب و کاری که برای جامعه مفید است، و یا برای وسعت بخشیدن به زندگی اهل و عیال و نفع رساندن به مسلمانان انجام می‌گیرد.

۴. کسب و کار مکروه: آن اموری است که ترک آن بهتر از انجام آن است، هر چند انجام آن گناه ندارد. مانند صرافی، کفن‌فروشی، حجامت و ذبح حیوانات (درصورتی‌که شغل دائم باشد).

۵. کسب و کار مباح: آن کسب و کاری است که انسان در انجام و یا ترک آن آزاد است و به لحاظ شرعی رجحانی در انجام یا ترک آن نیست. مانند معاملاتی که از یک سو موجب زیان فرد یا جامعه نیست، و از سوی دیگر مورد احتیاج آنها نیز نیست (انصاری، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۰).

برکت: کسب حلال و رعایت مسائل شرعی، موجب برکت می‌شود. «برکت»، در لغت به‌معنای رشد، نمو و زیاد شدن مادی یا معنوی است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ذیل واژهٔ برکت) و در اصطلاح، یعنی خداوند متعال فایده‌های چیزی را فراوان‌تر از حد معمول قرار داده باشد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۳۸۱). مال با برکت، مالی است که با اینکه مقدار آن ثابت است، ولی با آن نیازهای بیشتری را می‌توان برطرف کرد و با آن زندگی راحت‌تری داشت. مال بی‌برکت، مالی است که نیازهای کمتری از انسان را برطرف می‌کند. گاهی در زندگی شرایطی پیش می‌آید که مالی درست و بجا هزینه نمی‌شود و از آن بهره‌برداری لازم نمی‌شود و یا هزینه‌هایی در زندگی بر انسان تحمیل می‌شود، اینها مواردی از بی‌برکتی مال است. در مقابل، اگر مالی بجا هزینه شود و هزینه‌های زایدی بر انسان تحمیل نشود،

مـال او بابرکت خواهد بود و با آن می‌تواند به راحتی زندگی کند. خداوند به مال مؤمن برکت می‌دهد (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۱۹).

صدقـه دادن: پیامبـر اکـرم ﷺ فرمود: «با صدقـه روزی را از نزد خدا به سـوی خود فـرود آورید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۳۱۶).

از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده که فرمودند: «کسی که درخواست کمک می‌کند، فرستادهٔ خداست، پس هر کس به او ببخشد، به خدا بخشیده است و هر کس او را بازگرداند، خداوند را بازگردانده است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۲۵).

توبه و اسـتغفار: بسـیاری از اوقات، مشـکلات اقتصادی، عقوبت دنیوی گناهان است. ازاین‌رو، توبه از گناه و بازگشت به سوی خدا، موجب افزایش روزی انسان می‌شود. خداوند متعال می‌فرمایند: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید، تا شما را تا زمانی معین از نعمتی نیکو بهره‌مند سـازد و به هرکه شایسـتگی و لیاقت نعمتی را دارد، از کَرَم خود عطا کند» (هود: ۳). حضرت نـوح علیه‌السلام به قوم خـود می‌فرماید: «از پروردگار خویش آمرزش بطلبید، که او بسـیار آمرزنده اسـت، تا باران‌های پر برکت آسـمان را پی‌درپی بر شـما فرستد، و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ‌های سرسـبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد» (نوح: ۱۰-۱۲). امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «توبه و استغفار، روزی را زیاد می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۳۱۴).

عبادت: بر برخی عبادات به طور ویژه تأکید شـده است. مانند سی بار تسبیح گفتن در روز (همان)، بـا خشـوع و خضوع نماز خواندن (نـوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۷۶، ح ۳۰۷۱)، دعـا کردن برای دیگران (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۵۰۷)، درخواسـت از فضل پرودگار (مجلسـی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۳۱۶)، نیت نیک (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۰۵)، خواندن سـورهٔ واقعه در شـب (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۲۱)، خواندن سورهٔ یس و ملک هر صبح؛ حضور در مسجد پیش از اذان؛ خواندن نماز وتر و نافله صبح در خانه (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۷۶، ح ۳۰۷۱)، خواندن سورهٔ قدر (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۴۶۳، ح ۲۳۰۰۳)، تکرار اذان همراه مؤذن (مجلسـی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۳۱۴)، با هم خواندن نماز ظهر و عصر و مغرب و عشـا (جمع میان دو نماز) (همان)، انجام حج (ابن‌شـعبه‌حرانی، ۱۳۶۳ق، ص ۷)، خوانـدن سـورهٔ همـزه (حرعاملـی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۵۰، ح ۷۵۸۹)، دائم‌الوضوء بودن (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۴۱)، خواندن تعقیبات نماز، به‌ویژه نماز صبح و عصر (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۵۱)، زیارت امام حسـین علیه‌السلام. امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: «به شـیعیان ما فرمـان دهید تا به زیارت مرقد شریف امام حسین علیه‌السلام بروند که این عمل، روزی را فراوان می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۸، ص ۴).

نماز شـب: در میان عبادات، بر نماز شـب تأکید فراوانی شده اسـت. برای نمونه امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «فردی دروغی می‌گوید و از نماز شب محروم می‌شود و با محروم شدن از نماز شب، از روزی محروم شود» (همان، ج ۷۳، ص ۳۱۶).

خوش‌اخلاقی: امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «خوش‌اخلاقی روزی را زیاد می‌کند» (همان، ج ۶۸، ص ۳۹۸) و نیز می‌فرمایند: «هر صاحب حرفه و صنعتی ناچار باید دارای سه خصلت باشد تا بتواند به وسیلهٔ آن تحصیل درآمد کند. در رشته علمی خویش مهارت داشته باشد، با درستکاری و امانت رفتار کند و با کارفرمایش حُسن‌خلق داشته باشد و مدارا کند» (همان، ج ۷۵، ص ۲۳۶).

خوش گفتاری: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «گفتار خوب، روزی را زیاد می‌کند» (همان، ج ۷۳، ص ۳۱۹). امام سجاد علیه‌السلام فرمودند: «سخن نیک، مال را زیاد می‌کند، روزی را افزایش می‌دهد، عمر را طولانی می‌کند، انسان را محبوب خانواده می‌کند و داخل بهشت می‌نماید» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۱۸۶، ح ۱۶۰۳۸).

اطعام مؤمنین: حسین‌بن‌نعیم می‌گوید: «به امام صادق علیه‌السلام گفتم: برادر دینی خود را به منزل می‌آورم، به او غذا می‌دهم و خانواده و خدمتکارم به او خدمت می‌کنند، کدام یک از ما بر دیگری بیشتر منت داریم؟؛ امام علیه‌السلام فرمود: او بر تو بیشتر منت دارد؛ گفتم: فدایت شوم! او را به منزلم می‌آورم، از غذایم به او می‌خورانم و خودم و خانواده‌ام و خدمتکارم به او خدمت می‌کنیم، با این حال او بیشتر بر من منت دارد؟ امام علیه‌السلام فرمود: آری؛ زیرا او روزی را برای تو می‌آورد و گناهانت را می‌برد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۳۶۶، ح ۴۰).

قرض دادن: از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که فرمود: «از قرض دادن خمیر و نان و آتش خودداری نکنید؛ زیرا آن روزی را به سوی اهل خانه می‌کشد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۲۷۰، ح ۲۰۴۸۱).

صله‌رحم: دیدار دوستان و خویشاوندان و محبت به آنان (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۵۱)، امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمود: «صله‌رحم روزی را افزایش می‌دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۳۱۴).

ازدواج: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «مردی نزد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد، و از نیازمندی خود شکایت کرد، پیامبر به او فرمود: ازدواج کن، پس آن مرد ازدواج کرد و روزیش زیاد شد» (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۳۳۰). همچنین، اسحاق‌بن‌عمار می‌گوید: «به امام صادق علیه‌السلام گفتم: روایت می‌کنند که مردی خدمت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید و از تنگدستی شکایت کرد، حضرت به او دستور ازدواج داد، سپس بار دیگر آمد و شکایت کرد، حضرت به او دستور ازدواج داد، تا سه بار به او دستور به ازدواج داد. آیا این حدیث صحیح است؟ امام علیه‌السلام فرمود: آری! این حدیث حق است. سپس فرمود: روزی همراه زن و فرزند است» (همان، ح ۴).

آداب غذاخوردن: پاک کردن ظرف غذا (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۳، ص ۴۰۶)، شستن دست‌ها قبل و بعد از غذا (همان، ص ۳۶۳)، دست کشیدن به صورت پس از شستن (همان، ص ۳۶۶، ح ۴۶)؛ خلال کردن (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۴، ص ۴۲۲، ح ۳۰۹۵۶)، شستن ظرف‌ها (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۳۱۶).

آراستگی و پاکیزگی: گرفتن ناخن (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۱)، شانه کردن موی سر

(همان)، شستن سر با سدر (همان، ص ۵۰۴، ح ۶)، کوتاه کردن مو و گرفتن ناخن در روز جمعه، از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که فرمود: «کوتاه کردن شارب، گرفتن ناخن و شستن سر با خطمی در روز جمعه، فقر را برطرف می‌کند و روزی را زیاد می‌کند» (همان، ج ۳، ص ۴۱۸)، جارو کردن مقابل خانه (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۳۱۸)، سکوت هنگام قضای حاجت (همان، ص ۳۱۴).

آداب تجارت: شریک شدن با کسی که روزیش زیاد است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص ۱۳، ح ۲۴۰۴۷)، ترک کردن حرص (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۳۱۴)، ترک سوگند دروغ (همان)، نپرداختن زکات، اجتناب از کم‌فروشی، پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: «هرگاه از پیمانه و ترازو کم شود، خداوند آنان را به قحطی و کاهش روزی عذاب می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۷۴)، اجتناب از اجیر دیگری شدن، امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «هر کس خودش را اجیر کند، روزی را بر خود ممنوع کرده است» (همان، ج ۵، ص ۹۰، ح ۱)، صبح زود به دنبال روزی رفتن (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۳۱۴)، روشن کردن چراغ پیش از غروب (همان، ص ۱۶۵).

میانه‌روی در کار و تلاش: پیشوایان معصوم علیهم‌السلام از یک سو شیعیان را به کار و تلاش تشویق کرده‌اند و از سوی دیگر، بر میانه‌روی و اجتناب از افراط در کار و تلاش تأکید کرده‌اند. امام رضا علیه‌السلام فرمودند: «در طلب روزی تقوا را مراعات کن، از حد اعتدال تجاوز نکن و مراقب کسب و کار خود باش! بدان‌که روزی بر دو گونه است: یک نوع روزی تو به دنبال آن هستی و نوع دیگر روزی که به دنبال توست! پس آن روزی را که طلب می‌کنی، از راه حلال بجوی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۳۱، ح ۵۷).

قناعت و میانه‌روی در هزینه‌ها: از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که فرمودند: «هر کس به زندگی ناچیز از طرف خدا راضی باشد، خداوند به عمل اندک از او راضی می‌شود» (همان، ج ۷۰، ص ۱۷۵، ح ۱۵). همچنین، امام کاظم علیه‌السلام می‌فرمایند: «هر کس تعقل کند به آنچه برایش کافی است، قانع می‌گردد و هر کس به آنچه برایش کافی است، قانع گردد، بی‌نیاز می‌شود و هرکس به آنچه برایش کافی است، قانع نباشد، هرگز به بی‌نیازی نمی‌رسد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۳۹). همچنین، امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «به اهل هر خانه‌ای میانه‌روی در هزینه عنایت شود، خداوند در روزی آنها توسعه می‌دهد. میانه‌روی در اندازه‌گیری معیشت بهتر از زیادی مال است...» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۲۷۰، ح ۲۰۴۸۱).

تغییر شغل نامناسب و ثبات قدم در شغل مناسب: خداوند متعال بر اساس حکمت خود توانایی‌ها و استعدادهای انسان‌ها را مختلف آفریده است. گاهی فردی در شغل خاصی نمی‌تواند موفقیت لازم را به دست آورد، ولی در شغل دیگر به موفقیت چشمگیری نایل می‌گردد. ازاین‌رو، یکی از عوامل افزایش روزی تغییر شغل است. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «روزی برخی از مردم در تجارت است و روزی برخی دیگر در ساختن شمشیر و روزی گروهی در زبانشان است» (همان، ج ۱۷، ص ۴۴۲، ح ۲۲۹۴۷). همچنین فرمود: «شخصی از کمی روزی نزد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله شکایت

کـرد. آن حضرت به وی فرمود: «کالای مختلف را امتحـان کن و خرید و فروش کن، در هر معامله‌ای سـود بـردی، آن را رها نکـن» (حرعاملـی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۴۴۰، ح ۲۲۹۴۲). همچنین، از امام صـادق علیه‌السلام روایت شـده که فرمودند: «هنگامی که شـخصی در تجارتی سـود نبرد، بایـد به تجارت دیگـری روی آورد» (همـان، ص ۴۴۱، ح ۲۲۹۴۵) و نیز فرمودند: «وقتی در چیزی سـود بردی آن را ترک نکن» (همان، ح ۲۲۹۴۳).

۲. اجتناب از عوامل کاهش رزق

در آموزه‌های اسلامی به اموری که موجب کاهش رزق می‌شود، اشاره شده است. این امور عبارتند از: گناه، حرص و اسـراف و اجتناب از امور حرام و مکروه، مانند: سـبک شـمردن نماز، حرام‌خواری، قطع رحم، خیانت و اظهار فقر نمودن.

گناه: گناه مانع روزی می‌شود. امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «بنده گناه می‌کند و روزی از او دور می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۷۰، ح ۸). همچنین، امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «گناه انسان را از روزی محروم می‌کند» (همان، ص ۲۷۱، ح ۱۱). در مقابل، تقوا موجب فزونی نعمت‌ها و امداد الهی می‌شود (اعـراف: ۹۶). خداونـد متعـال می‌فرمایند: «و هر کس از خـدا پروا کند، خدا بـرای او راه گریزی قرار می‌دهد و از جایی که گمان نمی‌کند، به او روزی می‌رساند» (طلاق: ۲ و ۳).

حـرص، اسـراف: حرص و اسـراف و تبذیر و تجمل‌گرایـی، مانع روزی می‌شـود. امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمودند: «دو چیز مردم را هلاک کرد، ترس از فقر و فخرطلبی» (مجلسـی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۲۹۰، ح ۱۲). اسـلام به تأمین نیازهای معیشـتی توجه کافی نموده اسـت و آنها را در حدی که انسـان را به کمـال حقیقی نزدیک کند، ضروری می‌داند. در عین حال، با هرگونه افراط و زیاده‌روی در این زمینه مخالف است (مائده: ۸۷ و ۸۸).

اجتناب از امور حرام و مکروه: در آموزه‌های اسـلامی بر اجتناب از امور حرام و مکروه تأکید شـده اسـت کـه از پیامدهای آن، افزایش روزی اسـت (اعراف: ۹۶). با این وجـود، در روایات به طور ویژه اجتنـاب از برخی امور حرام و مکروه که مانع روزی اسـت، توصیه شـده اسـت که عبارتنـد از: پایمال کـردن حق دیگـران (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۵)، خیانت در امانـت (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۱۳۳، ح ۷)، زنا (همان، ص ۵۴۱، ح ۲)، سبک شمردن نماز (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۳۱۶)، سـوگند دروغ (همـان، ص ۳۱۴)، دروغگویـی (همان، ص ۳۱۴)، حرام‌خـواری (همان، ج ۷۵، ص ۲۵۶)، قطع رحم (همان، ج۷۳، ص ۳۱۴)، گوش دادن غنا (همان، ص ۳۱۴)، رها کردن خاکروبه در خانـه (همـان، ص ۳۱۴)، رها کردن تـار عنکبوت در خانه (همـان، ص ۳۱۴)، قضای حاجت در حمام (همان، ص ۳۱۴)، برهنه به دستشویی رفتن (همان، ص ۳۱۶)، در حال جنابت غذا خوردن (همـان، ص ۳۱۴)، خوردن در حال سـیری (همـان، ص ۳۱۶)، خوابیده غذا خـوردن (همان، ص

۳۱۷)، با چوب گز خلال کردن (همان، ص۳۱۴)، شستن دست‌ها با گِل (همان، ص ۳۱۷)، سوزاندن پوست سیر و پیاز (همان، ص ۳۱۶)، ایستاده موها را شانه کردن (همان، ص ۳۱۴)، حرص (همان، ص ۳۱۴)، خوابیدن میان نماز مغرب و عشا (همان، ص ۳۱۴)، خواب بین‌الطلوعین (همان، ص ۳۱۴)، بازگرداندن و کمک نکردن به مرد سائل در شب (همان، ص ۳۱۴)، زیاده‌روی در هزینه زندگی (همان، ص ۳۱۴)، نفرین کردن به پدر و مادر (همان، ص ۳۱۷)، بی‌احترامی به خرده‌های نان (همان، ص ۳۱۶)، نشستن بر درگاهی خانه (همان، ص ۳۱۷)، شبانه جارو کردن؛ به وسیله لباس جارو کردن (همان، ص ۳۱۶)، با لباس بدن را خشک کردن (همان، ص ۳۱۶)، نشسته رها کردن ظروف (همان، ص ۳۱۶)، بدون درپوش گذاشتن ظرف آب (همان، ص ۳۱۶)، گرفتن ناخن با دندان (همان، ص ۳۱۷)، خاموش کردن چراغ با دمیدن (همان، ص ۳۱۶)، شستن اعضای بدن در توالت (همان، ص ۳۱۶)، با شتاب از مسجد خارج شدن (همان، ص ۳۱۶)، از صبح زود تا شب در بازار بودن (همان، ص ۳۱۶)، خریدن نان از فقرا (همان، ص ۳۱۷)، صدا زدن پدر و مادر با نام آنها (همان، ص ۳۱۷)، پیش‌دستی به سالمندان (همان، ص ۳۱۷)، نفرین کردن فرزندان (همان، ص ۳۱۶)، دوختن لباس در حال پوشیدن آن (همان، ص ۳۱۷)، اظهار فقر کردن (همان، ص ۳۱۷).

۳. به‌کارگیری رویکرد مسئله‌مدار معنوی

در مواجهه با مشکلات مالی، ابتدا باید اولویت مشکل و یا نیاز ارزیابی شود که آیا از اموری همچون غذا، پوشاک و دارو، از ضروریات زندگی محسوب می‌شود، یا از اموری همچون توسعه خانه، اتومبیل جدید و لباس جدید است که غیرضروری اما مطلوب است، و یا نوعی نیاز کاذب است که به خاطر سبک زندگی غربی یا رقابت با اطرافیان و جلب توجه آنان ایجاد شده است. مانند تغییر دکوراسیون منزل متناسب با مُد، به طور سالانه یا خرید برخی لوازم خانگی‌هایی که کاربردهای ویژه و خاصی دارند. پس از ارزیابی نوع نیاز، اگر نیاز ضروری و از ضروریات زندگی بود، باید آمیزه‌ای از تدبیر و تلاش و توکل به کار رود و اگر مشکل حل نشد، باید از رویکرد هیجان‌مدار معنوی استفاده شود.

«تدبیر»، به‌معنای تفکر و مشورت برای یافتن راهکارهای حل مشکل است. «تلاش»، به‌معنای همت و پشتکار برای انجام راهکاری که به‌واسطهٔ تدبیر به‌دست‌آمده است. «توکل»، اعتماد به خدا و یاری جستن از خداست. بسیاری از روایات بر اهمیت تلاش تأکید کرده‌اند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمایند: «هنگامی که موجودات با هم جفت شدند، تنبلی و ناتوانی با هم ازدواج کردند و فقر از آنها متولد شد» (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۸۶). روزی‌دهنده بودن خدا به این معناست که خدا جهان را به گونه‌ای آفرید که هر موجودی با به کار گرفتن توان و نیروی خدادادی بتواند، تمام نیازهای خود را تأمین کند. برای نمونه، خداوند روزی نوازد را طوری قرار داده است که با همان توان اندک در دسترس اوست. روزی‌دهنده بودن خدا به این معنا نیست که انسان بدون هیچ‌گونه تلاشی

بـه روزی خـود دسـت یابد و خدا لقمـه را در دهانش قرار دهد. امام علی علیه‌السلام در تفسـیر آیهٔ ۶۱ سـورهٔ مبارکـهٔ هود می‌فرمایند: «بدان که خداوند به مردم امر کرده اسـت، زمین را با کشـاورزی آباد سـازند تا به این وسـیله خوراکشـان از غلات و حبوبات و میوه‌ها و سـایر روئیدنی‌ها تأمین گردد و در آسایش زندگی کند» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۲۶). امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «هنگامی‌که حضرت آدم به زمین فرود آمد، به غذا و آب احتیاج پیدا کرد، از وضع خود به جبرئیل شـکایت کرد، جبرئیل به او گفت: کشاورز باش؛ یعنی روزی خود را با کشاورزی از زمین به دست آور» (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۲۶۰). خداوند روزی حضرت مریم علیهاالسلام را در شرایط سخت وضع حمل به صورت خرمای تازه (رطب) بـر شاخسـار نخلی قرار داد، بـا این حال به او دسـتور داد برای به دسـت آوردن روزیش حرکت کند و درخت خرما را تکان دهد (مریم: ۲۵).

فـردی به امام صادق علیه‌السلام گفت: «برای افزایش روزی من دعا کـن»، امام بلافاصله فرمود: «خارج شـو و روزی خـود را طلب کـن» (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۷۹، ح ۱۱). همچنیـن، یکی از یاران امام صـادق علیه‌السلام به نام عمربن‌مسـلم مدتی به خدمت حضـرت نیامد، امام جویای حال او شـدند، یاران امـام عرضه داشـتند: «او تجارت را تـرک گفته و به عبادت پرداخته اسـت». امام فرمـود: وای بر او، مگر نمی‌داند کسـی که تلاش و طلب روزی را ترک کند، دعایش مسـتجاب نمی‌شـود. سـپس افزود: وقتـی این آیه نازل شـد: «و هر کس از خـدا پروا کند، خدا برای او راه گریزی قـرار می‌دهد، و از جایی که گمان نمی‌کند، به او روزی می‌رسـاند» (طلاق: ۲ و ۳)، گروهی از اصحاب رسـول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله درها را به روی خود بسـتند و به عبادت روی آوردند و گفتند: «روزی ما تضمین شـده است»، وقتی این خبر به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله رسـید، به دنبال آنان فرسـتاد و فرمود: «چه چیزی شـما را به این کار واداشت؟»، گفتند: «ای رسـول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، روزی ما تضمین شـده اسـت. ازاین‌رو، به عبادت روی آوردیم». پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «هر کس چنین کند، دعایش مستجاب نمی‌شود، بر شما باد به طلب روزی» (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۸۴).

در آموزه‌های دینی، پاک‌ترین درآمدها از آنِ کسـی اسـت که درآمد خود را از راه صحیح به دسـت آورده باشد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «خیری نیست در کسی که کسب مال از راه حلال، را دوست نمـی‌دارد، مالی که به وسـیله‌اش آبرویـش را حفظ کند، قرضش را بپـردازد و صلهٔ‌رحم کند» (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۷۲). البته در آموزه‌های اسلامی، از حرص و طمع و آرزوهای دور و دراز و حب‌الدنیا نهی شده است. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره تلاش برای کسب روزی حلال می‌فرمایند: «تلاش برای کسب روزی حلال بر هر مرد و زن مسلمان واجب است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۹). امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «هر کس شـب را در حالی سـپری کند که بر اثر کار و تلاش برای روزی حلال خسته شده، شب را با آمرزش خداوند سپری کرده است» (همان، ص ۲). بنابراین، در اسلام به تلاش برای کسب روزی حلال بسیار سفارش شده است و از سربار بودن، به شدت نهی شده است.

توکل به خدا (امید به خدا، اعتماد به خدا، انقطاع الی‌الله، ناامیدی از غیرخدا)، راهبرد مسئله‌مدار معنوی شامل تدبیر و تلاش و توکل است. انسان موحد از یک سو تنها اراده و خواست خدا را در جهان جـاری و حاکـم می‌داند و باور دارد که همهٔ کارهای این جهان به دسـت اوسـت. از سـوی دیگر، به ایـن حقیقت نیز باور دارد که خداوند از راه اسـباب و مسـببات، کارهای این جهـان را انجام می‌دهد و خداونـد خود فرمان داده اسـت. بنابرایـن، هنگامی که با تلاش خودش و یاری دیگران مشـکلش برطـرف می‌شـود، آنها را مسـتقل در تأثیر نمی‌دانـد و توجه دارد که خداوند بـه او و دیگران نیرو داده اسـت و در واقع خداوند به وسیلهٔ آنها مشـکل او را برطرف کرده است. خداوند متعال می‌فرماید: «هر رحمتـی را که خدا برای مردم گشـاید، بازدارنده‌ای برای آن نیسـت، و آنچه را کـه منع می‌کند، پس گشاینده‌ای ندارد، و خدا همان قدرتمند شکست‌ناپذیرِ و دانای خردمند است» (فاطر: ۲).

«انقطـاع الـی‌الله»، یعنی فـرد باور کند خداوند تمامـی موجودات را ایجاد کرده اسـت و آنچه برای تکامل و ادامه حیات مادی و معنوی به آن نیازمند اسـت، در اختیارشـان قرار داده اسـت (طه: ۵۰؛ هود: ۶؛ ملک: ۲۱). بنابراین، تمامی خیر به دسـت اوسـت و بقیه واسـطهٔ خیر هسـتند. خداوند به نیازهای آدمی آگاه اسـت و اسـبابی را در جهان برای تأمین این نیازها قرار داده اسـت. برای نمونه، خداونـد نظامـی قرار داد که آب مورد نیاز انسـان تهیه شـود. نور خورشـید، آب دریاهـا را گرم و بخار می‌کنـد. بـاد بخار آب را جمـع و متراکم می‌کند و در شـرایط خاصی به صورت باران بر سـرزمین‌های تشنه می‌بارد. این آب از چشمه‌ها جاری می‌شود و رودخانه‌ها را پر آب می‌کند و آدمی از این آب بهره می‌گیرد (اعراف: ۵۷). خداوند متعال این آب را ملائم طبع انسـان آفرید تا از نوشـیدن آن لذت ببرد و نیاز بدنش برطرف شـود. اگر خداوند متعال آب را نمی‌آفرید و تمامی دریاها پر از جیوه یا مملو از نفت بود، انسـان چگونه آب را به دسـت می‌آورد؟ خداونـد متعال در قرآن کریم می‌فرمایـد: «آیا آبی را که می‌نوشـید، دیده‌اید؟ آیا شـما آن را از ابرهای باران‌زا فرود آوردید یا ما فرو فرسـتنده‌ایم؟ اگر بخواهیم آن را تلخ می‌گردانیم، پس چرا سپاس نمی‌گزارید؟» (واقعه: ۶۸-۷۰).

خداوند نظام‌ها و اسبابی را در هستی قرار داده، تا غذای مورد نیاز انسان تأمین شود، آدمی تنها این نظام‌ها را کشـف می‌کند و به کار می‌بندد. برای نمونه، کشـاورز و باغبان می‌یابند که با چه شـرایطی محصـول بهتری به دسـت می‌آورند. امـا خداوند که این نظام را به گونه‌ای آفریـده که دانهٔ گندم با اسـتفاده از خاک و آب و هوا و نورخورشـید به خوشـهٔ گندم تبدیل شـود (انعام: ۱۴۱-۱۴۲). خداوند بـه آدمـی عقـل و نیرویی داده که این اسـباب را بـه کار گیرد و از آنها بهره‌مند شـود. عقـل و نیروی کشـاورز را خدا به او عطا کرده اسـت تا بتواند چند هکتار زمین را گندم بکارد و محصول برداشت کند. این یادآوری‌ها موجب می‌شـود فرد از یک سـو، فقر وجودی تمامی هسـتی و از سـوی دیگر، توانایی بی‌نهایت خداوند را باور کند و چنین نگرشی زمینه‌ساز توکل حقیقی به خدا و انقطاع به سوی او است و خداوند وعده داده است که برکات خود را به سوی فرد نازل کند (طلاق: ۲).

۴. به‌کارگیری رویکرد هیجان‌مدار معنوی

رویکرد هیجان‌مدار معنوی، آمیزه‌ای از صبر و تسلیم و رضا و دعا و نگرش‌های مثبت معنوی است. اگر حل مشکل اقتصادی با رویکرد مسئله‌مدار معنوی ممکن نبود، آن‌گاه رویکرد هیجان‌مدار معنوی به کار می‌رود؛ یعنی فرد مشکل مالی را فرصتی برای تقرب جستن به خداوند متعال مفهوم‌سازی کند و ارزیابی مثبت ثانویه معنوی داشته باشد.

صبر و تسلیم و رضا: یکی از کارهایی که تحمل تنگدستی را برای انسان آسان می‌کند، توجه به پاداش صابران است (رعد: ۲۴). خداوند متعال به کسانی که در این جهان در برابر مشکلات و تنگناها صبر کنند و از مسیر حق خارج نگردند، پاداش‌هایی در نظر گرفته است که آگاهی از آنها تحمل مشکلات را برای انسان آسان می‌کند. قرآن کریم دربارهٔ صابران می‌فرماید: «و به صابران مژده ده، کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: «ما از آنِ خدا هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم»، درودها و رحمتی از پروردگارشان بر آنان باد و ایشان همان راه‌یافتگانند» (بقره: ۱۵۵-۱۵۷). امام باقر علیه‌السلام در روایتی فرمودند: «بهشت در ناگواری‌ها و صبر پیچیده شده است، پس هر کس در دنیا بر ناگواری‌ها صبر کند، داخل بهشت می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۷۲، ح ۴). صبر زمانی است که فرد ناراحتی دارد، اما به خاطر خداوند ناگواری را تحمل می‌کند، اما در عرفان اسلامی مراتب بالاتری همچون تسلیم و رضا تبیین شده است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۴). «تسلیم» هنگامی است که فرد تسلیم خواست خداست و «رضا» هنگامی است که فرد به خواست خدا رضایت کامل دارد (فجر: ۲۸). مشکلات مالی، بستر مناسبی برای رشد معنوی و دستیابی به مراتب بالاتر ایمان است (کلینی، ۱۴۰۳ق، باب شدت ابتلاء مؤمن).

دعا: دعا علاوه بر آرامش روانی، تأثیر حقیقی و تکوینی در افزایش روزی دارد. ازآنجاکه نحوهٔ تأثیر دعا، ماورای مادی است و استجابت دعا به دست خداوند است، دعا در مؤلفهٔ هیجان‌مدار مدل، طبقه‌بندی شد. تأثیر دعا در افزایش روزی به حدی است که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «چیزی جز دعا روزی را زیاد نمی‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۳۱۷). همچنین امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «هر که از فضل خدا تمنا نکند، فقیر شود» (همان، ص ۳۱۶). معصومین علیهم‌السلام علاوه بر توصیه کلی به دعا، دعاهای خاصی برای افزایش روزی آموخته‌اند که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود. امام صادق علیه‌السلام در تفسیر «رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنیا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النَّارِ» فرمودند: «مقصود از حسنه در دنیا، خشنودی خداوند در بهشت و توسعه در روزی و معیشت زندگی و خوش‌اخلاقی در دنیاست» (همان، ج ۹۲، ص ۳۴۸).

اسماعیل‌بن عبدالخالق می‌گوید: «مردی از اصحاب پیغمبر علیه‌السلام، مدتی به خدمت آن نیامد، هنگامی که خدمتش رسید، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به او فرمود: «چه چیز تو را از ما دور کرده بود؟»، او عرض کرد: «بیماری و نداری»، پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به او فرمود: «آیا دعایی به تو نیاموزم که خداوند از تو بیماری

و نداری را دور سازد؟» او عرض کرد: «البته، یا رسول‌الله»، پیامبر ﷺ فرمود: بگو: «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لا يَمُوتُ، وَ الْحَمْدُ للهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيراً»، اسماعیل‌بن عبدالخالق گوید: پس طولی نکشید که آن صحابی، نزد پیغمبر ﷺ بازگشت و عرض کرد: ای رسول خدا، خداوند بیماری و فقر مرا بر طرف کرد» (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۵۵۱، ح ۳).

معاویة‌بن‌عمار می‌گوید: از حضرت صادق ﷺ خواستم که دعایی برای روزی به من بیاموزد. امام ﷺ دعایی به من آموخت که من بهتر از آن برای جلب روزی ندیدم، فرمود: بگو: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ رِزْقاً وَاسِعاً حَلَالًا طَيِّباً بَلَاغاً لِلدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ صَبّاً صَبّاً هَنِيئاً مَرِيئاً مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَ لَا مَنٍّ مِنْ أَحَدٍ خَلْقِكَ إِلَّا سَعَةً مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ سْئَلُوا اللهَ مِنْ فَضْلِهِ فَمِنْ فَضْلِكَ أَسْأَلُ وَ مِنْ عَطِيَّتِكَ أَسْأَلُ وَ مِنْ يَدِكَ الْمَلْأَى أَسْأَلُ» (همان، ص ۵۵۰، ح ۱).

امام باقر ﷺ فرمودند: مردی خدمت رسول خدا ﷺ رسید و عرض کرد: ای رسول خدا، من مردی عیالوار و قرض‌دارم، و حالم سخت شده، پس دعایی به من بیاموز که با آن به درگاه خدای عزوجل دعا کنم تا به من روزی دهد که با آن قرضم را ادا کنم و بر هزینه‌های خانواده‌ام کمک جویم، پس رسول خدا ﷺ فرمود: ای بنده خدا، وضوی خوب و کاملی بساز، و سپس دو رکعت نماز بگذار و رکوع و سجودش را به نیکویی بجای آر، سپس بگو: «يَا مَاجِدُ يَا وَاحِدُ يَا كَرِيمُ يَا دَائِمُ، أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ ﷺ، يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللهِ رَبِّكَ وَ رَبِّي وَ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَسْأَلُكَ نَفْحَةً كَرِيمَةً مِنْ نَفَحَاتِكَ وَ فَتْحاً يَسِيراً وَ رِزْقاً وَاسِعاً، أَلُمُّ بِهِ شَعْثِي وَ أَقْضِي بِهِ دَيْنِي وَ أَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عِيَالِي» (همان، ص ۵۵۲، ح ۶).

حضرت صادق ﷺ فرمودند: رسول خدا ﷺ این دعا را آموخت: «يَا رَازِقَ الْمُقِلِّينَ، يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ ارْزُقْنِي وَ عَافِنِي وَ اكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي» (همان، ص ۵۵۲، ح ۷). همچنین، امام صادق ﷺ فرمودند: «بگو: اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَ امْدُدْ لِي فِي عُمُرِي وَ اجْعَلْ لِي مِمَّنْ يَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي» (همان، ص ۵۵۳، ح ۱۰). امام کاظم ﷺ فرمودند: «يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ عَظِيمٌ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَرْزُقَنِيَ الْعَمَلَ بِمَا عَلَّمْتَنِي مِنْ مَعْرِفَةِ حَقِّكَ وَ أَنْ تَبْسُطَ عَلَيَّ مَا حَظَرْتَ مِنْ رِزْقِكَ» (همان).

از جمله نگرش‌های مثبت معنوی، می‌توان ارزیابی مثبت ثانویه معنوی، توسعهٔ معنای رزق، مصلحت و حکمت خدا، امید به خدا، موقتی دانستن مشکلات، مقایسه نزولی، توجه به سختی‌های امامان معصوم ﷺ، گذرگاه بودن دنیا، توجه به بی‌ارزش بودن دنیا، توجه به دلجویی خداوند از فقیران در قیامت را نام برد.

ارزیابی مثبت ثانویه معنوی: فرد هنگامی که با مشکلات مالی مواجه می‌شود، در ارزیابی اولیه، آن را آسیبی به رفاه و شخصیت خود ارزیابی می‌کند، اما در ارزیابی مثبت ثانویه آن را فرصتی برای

رشـد، مفهوم‌سـازی می‌کند. در ارزیابی مثبت ثانویه معنوی، آن را فرصتی برای رشد معنوی و تقرب جسـتن به خدا، مفهوم‌سـازی می‌کند. بر اسـاس آموزه‌های اسلامی، مشکلات سـبب کفاره گناهان، فرصتی برای رشـد معنوی و نشانهٔ عنایت و توجه ویژهٔ خداوند است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۴، ص ۱۹۶؛ مازندرانی، ۱۳۸۲ق، شروح مرتبط با احادیث باب شدت ابتلاء مؤمن).

گاهی مشـکلات مالی برای ارتقاء رتبه فرد مؤمن اسـت، فرصتی اسـت که او با صبر بر سختی‌ها به خداوند متعال تقرب جوید. مرحوم کلینی در کافی، یک باب (باب شـدت ابتلاء مؤمن) را به سـختی مشـکلاتی که خداوند متعال در زندگی مؤمنین ایجاد می‌کند، اختصاص داده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «پاداش بزرگ برای سختی بزرگ است و خداوند متعال قومی را دوست نداشت، مگر اینکه ایشـان را به سـختی دچار کرد» (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۵۳). امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «در میان مردم بلای پیغمبران از همه بیشـتر اسـت، سـپس اوصیاء و جانشینان ایشـان و بعد از آنها بهترین از مـردم بـه ترتیب» (همان). امام صـادق علیه‌السلام فرمودند: «خدای عزوجـل را در روی زمین بندگان پاک خالصـی اسـت، بندگانی که هیچ نعمتی (از نعمت‌های مادی) بر زمیـن فرو نیاورد، جز آنکه از آنها به سوی دیگران بگرداند، و هیچ بلایی فرو نیاورد، جز آنکه بهره آنها گرداند» (همان). آنکه در این باب مقرب‌تر اسـت، جام بلا بیشـترش می‌دهند. خداوند متعال پس از یادآوری سختی‌هایی که در زندگی حضرت موسـی علیه‌السلام بوده است، به حضرت موسـی علیه‌السلام می‌فرماید: «تو را برای خودم انتخاب کردم و پرورش دادم» (طه: ۴۱). در سورهٔ حمد آمده است: «خدایا مرا به راه مستقیم هدایت فرما، راه کسانی که به آنها نعمت دادی، ...». آیا مراد از نعمت، ثروت قارون و قدرت فرعون و هوش هامان اسـت یا مقصود نعمت هدایت و رشد معنوی و تقرب به خداست؟

در انگیـزش اخلاقـی دو رویکـرد اخـلاق مراقبت‌محور و اخـلاق عدالت‌محور، وجـود دارد. «اخلاق مراقبت‌محـور»، در انگیـزش افراد عاطفی مؤثرتر اسـت و احساسـات درگیر در مسـئله اخلاقی موجب انگیزش آنان می‌شـود. «اخلاق عدالت‌محور» برای افراد شناختی مناسب‌تر است و پیامدهای مثبت مسـئله اخلاقی موجب انگیزش آنان می‌شـود (عبـاس‌زاده و خسـروی، ۱۳۹۴). بنابراین، در تقویت نگرش‌های مثبت معنوی باید به تناسب آموزه‌ها با تیپ شخصیتی فرد، توجه شود.

توسـعهٔ معنـای رزق: رزق و روزی تنهـا مـادی نیسـت، رزق معنـوی مهم‌تر از رزق مادی اسـت. «رزق»، به‌معنای در اختیار نهادن همیشـگی نیازهایی اسـت که موجود زنده برای رسیدن به کمال، بـه آن نیـاز دارد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۱۵). خداوند متعال رزاق اسـت و به لحاظ معنوی و علمی و مادی، انسان مؤمن را روزی می‌دهد. دنیا، فرصت رشد معنوی است، در قرآن از این فرصت، به امتحان تعبیر شـده اسـت (عنکبـوت: ۲؛ تغابن: ۱۵). در واقع مشـکلات اقتصـادی فرصتی برای رشـد معنوی و تقرب جسـتن به سوی خداست و گاهی رشـد معنوی در بستر مشکلات مالی به شکل مطلوب‌تری رخ می‌دهد (بقره: ۲۱۴).

مصلحت و حکمت خدا: گاهی مشکلات مالی، به خاطر مصلحت و حکمت مهم‌تری است. برخی از انسان‌ها ظرفیت توانگری ندارند، در رفاه گرفتار طغیان و سرکشی می‌گردند. برخی دیگر، تحمل فقر را ندارند و در تنگدستی به انحراف کشیده می‌شوند. خداوند می‌داند که برای هر انسانی کدام شرایط بهتر است و بر اساس حکمت خود، همان را برایش مُقدر می‌نماید. خداوند متعال می‌فرماید: «به یقین، پروردگارت روزی را برای هر کس بخواهد، گشاده یا تنگ می‌دارد. او نسبت به بندگانش، آگاه و بیناست» (اسراء: ۳۰). خداوند برای هر انسان بهترین شرایطی که او را به خدا نزدیک می‌کند، آماده می‌کند تا آدمی از فرصت زندگی در دنیا بهره‌مند شود، تکامل یابد و بتواند در بهشت از جلوه‌های رحمت خدا بهره‌مند شود. در شب معراج خداوند متعال به پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «برخی از بندگان مؤمن مرا، فقط توانگری اصلاح می‌کند و اگر او را به غیر آن بازگردانم، هلاک می‌شود و برخی از بندگان مؤمن مرا، تنها فقر اصلاح می‌کند و اگر او را به غیر آن بازگردانم، هلاک می‌گردد» (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۵۲).

امید به یاری خدا: امام صادق فرموده‌اند: «خداوند ارزاق مؤمنان را از راهی که گمان نمی‌کنند، قرار داد؛ زیرا هنگامی که بنده راه روزی خود را نداند، زیاد دعا می‌کند» (همان، ج ۵، ص ۸، ح ۴). خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «آیا ندیدند که خداوند روزی را برای هر کس بخواهد گسترده یا تنگ می‌سازد؟! در این نشانه‌هایی است برای گروهی که ایمان می‌آورند» (روم: ۳۷). می‌توان گفت: در آموزه‌های اسلامی، امید به خدا دو پیامد دارد: از یک‌سو، موجب یاری خدا و حل مشکل مالی می‌شود و از سوی دیگر، موجب تاب‌آوری و تحمل مشکل می‌شود. بنابراین، به‌عنوان ریزمؤلفه در دو مؤلفهٔ مدل، آمده است.

موقتی دانستن مشکلات: از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است: «خداوند عزوجل به گروهی نعمت داد و آنان شکرگزاری نکردند، پس آن نعمت وبال آنان شد و گروهی را به مصائب گرفتار کرد و آنان صبر کردند، پس برایشان به نعمت تبدیل شد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۸۱، ح ۱۸).

مقایسه نزولی: مقایسه نزولی، به‌معنای مقایسه وضع خود با وضع کسانی که در شرایط بدتری بسر می‌برند، است (پسندیده، ۱۳۸۹، ص ۶۷). انسان مؤمن در امور مادی به افراد ضعیف‌تر از خود می‌نگرد و در امور معنوی به افراد بالاتر از خود توجه می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۶، ص ۳۹۸، ح ۸۷). امروزه تسهیل ارتباطات موجب شده است که افراد خواسته‌های بیشتری داشته باشند، فردی که در یک روستا در یک کشور فقیر زندگی می‌کند، بهترین امکاناتی که یک فرد ثروتمند در یک کشور ثروتمند داراست را آرزو کند و از شرایط زندگی خویش راضی نباشد و مدام به فکر کمبودهای خود باشد، رضایتمندی او را کاهش می‌دهد. در مقابل، توجه به افرادی که دچار مشکلات بیشتری هستند، آدمی را به یاد نعمت‌هایش می‌اندازد و رضایتمندی و شکرگزاری را در او تقویت می‌کند و در نتیجه، موجب آرامش و نشاط و افزایش نعمت در دنیا و پاداش در آخرت می‌شود. قرآن کریم

می‌فرماید: «دیدگانت را به آنچه گروهی از ایشان را بهره‌مند کردیم ندوز که آن شکوفه زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم، و روزیِ پروردگارت بهتر و پایدارتر است» (طه: ۱۳۱).

توجه به سختی‌های امامان معصوم علیهم‌السلام: یکی دیگر از اموری که تحمل مشکلات را برای آدمی آسان می‌کند، توجه به زندگی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام و الگو و سرمشق قراردادن زندگی آنان است. پیامبران و امامان علیهم‌السلام بهترین بندگان نزد خدا هستند و با این حال، آنان در این دنیا در سخت‌ترین شرایط زندگی می‌کردند. این امر دلیل بر بی‌ارزش بودن دنیاست و تحمل سختی‌ها را برای آدمی آسان می‌کند. از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله سؤال شد: «گرفتاری کدام گروه از مردم بیشتر است؟ آن حضرت در پاسخ فرمودند: پیامبران، سپس صالحان و پس از آنان به ترتیب انسان‌های برتر» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۶، ص ۳۹۸، ح ۸۷).

گذرگاه بودن دنیا: نوع نگرش فرد به این جهان تأثیر فراوانی در تحمل کمبودها و مشکلات آن دارد. اگر فرد بر این باور باشد که دنیا همانند استراحتگاه میان راه است تا از آن عبور کند و به منزلگاه اصلی و همیشگی برسد، تحمل کمبودها و مشکلات برایش بسیار آسان می‌گردد. امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «دنیا همانند پلی است که آدمی را به آخرت می‌رساند» (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۳۵). امام کاظم علیه‌السلام به هشام می‌فرماید: «ای هشام! بر انجام اطاعت خدا و ترک گناهان صبر کن؛ زیرا دنیا ساعتی بیش نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۵۲). اگر انسان دنیا را محل آسایش، رفاه و خوشی بداند، کوچک‌ترین مشکل می‌تواند او را از پای درآورد، ولی اگر دنیا را محل ساخته شدن و رشد معنوی بداند، حتی مشکلات بزرگ او را به ستوه در نمی‌آورد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟ و به یقین، کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم، تا خدا راستگویان و دروغگویان را آشکار کند» (عنکبوت: ۲ و ۳).

توجه به بی‌ارزش بودن دنیا: میزان اندوه آدمی به خاطر از دست دادن چیزی یا دست نیافتن به آن، به میزان ارزشمند بودن آن چیز نزد او بستگی دارد و به هر میزان چیز از دست رفته در نظر انسان با ارزش‌تر باشد، اندوه وی به خاطر از دست دادن آن بیشتر است (پسندیده، ۱۳۸۹، ص ۸۷). هر چه دنیا در نظر انسان بی‌ارزش‌تر باشد، تحمل سختی‌ها برایش آسان‌تر می‌گردد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «سوگند به خدایی که جانم در اختیار اوست، دنیا نزد خداوند بی‌ارزش‌تر از این بزغاله نزد صاحبش است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۵۵، ح ۲۷). از منظر اسلام، دنیا ارزش ذاتی ندارد، بلکه در صورتی ارزشمند است که آدمی را به خوشبختی و سعادت برساند و این نیز در همهٔ شرایط ممکن است.

توجه به دلجویی خداوند از فقیران در قیامت: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «همانا خداوند از بندهٔ مؤمن نیازمند خود در دنیا عذرخواهی می‌کند، همان‌گونه‌که برادر از برادر خود عذرخواهی می‌کند و

می‌فرماید: به عزت و جلال خودم سوگند که من به خاطر بی‌ارزش بودن تو نزد خودم تو را در دنیا نیازمند نکردم، پس این پرده را کنار بزن و به آنچه من در عوض دنیا به تو داده‌ام، بنگر، آن‌گاه بنده پرده را کنار می‌زند و می‌گوید: با آنچه به من عوض دادی، آنچه که مرا از آن محروم کردی، به من زیان نزد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹، ص ۲۵). همچنین فرمود: «در روز قیامت منادی به دستور خداوند ندا می‌دهد: فقرا کجایند؟ در این هنگام گروهی از مردم به پا می‌خیزند و به آنها دستور داده می‌شود به بهشت بروند. وقتی به در بهشت می‌رسند، نگهبانان بهشت به آنها می‌گویند، پیش از حساب می‌خواهید وارد بهشت شوید؟ آنها پاسخ می‌دهند که چیزی به ما ندادید، تا به حساب آن رسیدگی کنید. در این هنگام خداوند می‌فرماید: بندگان من راست می‌گویند. من به خاطر بی‌ارزش بودن شما فقیرتان نکردم، بلکه آن را برای چنین روزی برایتان ذخیره کردم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹، ص ۴۲، ح ۴۷).

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه‌که سستی و تنبلی در دین اسلام نکوهیده است، حرص و زیاده‌روی در کسب روزی و رعایت نکردن حدود شرعی و انصاف در کسب و کار نیز مذموم است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «تلاش تو برای تأمین معاش، باید بیش از مرد سست‌عمل و کمتر از مرد حریص باشد. مرد حریصی که به دنیای خویش دلگرم و مسرور است، بلکه بایستی در جایگاه مرد منصف و با عفتی باشی که شأن خود را بالاتر از مرد سست می‌داند و برای به دست آوردن روزی حلال به قدر کفاف تلاش کنی. کسانی که مال به آنان داده شد و شکر نکردند، مالی ندارند» (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۸۱). بنابراین، یکی از دستورات بسیار مهم خداوند متعال رعایت اعتدال در کار و تلاش و دوری از افراط و تفریط است. برخی با تمسک به آیات و روایات می‌گویند: خداوند متعال روزی می‌دهد و تنبلی و سستی می‌کنند و گاهی سربار جامعه می‌شوند. برخی با تمسک به آیات و روایاتی که در مدح تلاش برای کسب روزی حلال آمده، حرص و تلاش شبانه‌روزی برای به دست آوردن مال دنیا را سرلوحهٔ زندگی خویش قرار داده‌اند. درحالی‌که اسلام‌شناس با جمع بین آیات و روایات یک نگاه جامع و به دور از یکجانبه‌نگری دارد. این پژوهش، در تدویل مدل مواجهه با مشکلات مالی، به دنبال ارائهٔ یک مدل جامع است.

بر اساس آموزه‌های اسلامی، روزی هر انسانی مُقدر و اندازه‌گیری شده است؛ یعنی روزی هر فردی حدود معینی دارد که حد پایین و بالای آن نزد خداوند آشکار است و روزی آن فرد از آن حد پایین، کمتر و یا از آن حد بالا، بیشتر نمی‌شود. البته بین این دو حد چه مقدار روزی قضا شود و به فرد برسد، بستگی به عوامل گوناگونی دارد که یکی از آنها کار و تلاش است و همچنین، امور دیگری که در مدل مواجهه با مشکلات اقتصادی مطرح شد، در افزایش روزی مؤثر است.

درحالی‌که در سبک زندگی غربی، مشکلات شدید مالی، موجب احساس ناتوانی و بی‌ارزشی می‌شود،

در سبک زندگی اسلامی توجه به خدا (عبادت) (ذاریات: ۵۶) و تلاش در راه خدا (بندگی) (نجم: ۳۹) که موجب رشد معنوی و تقرب به خداست را هدف اصلی زندگی در دنیا معرفی می‌کند. ازاین‌رو، توجه به آموزه‌های اسلامی و تقویت نگرش‌های مثبت معنوی همچون ارزیابی مثبت ثانویه معنوی، توسعهٔ معنای رزق، مصلحت و حکمت خدا، امید به خدا، موقتی دانستن مشکلات، مقایسه نزولی، توجه به سختی‌های امامان معصوم علیهم‌السلام، گذرگاه بودن دنیا، توجه به بی‌ارزش بودن دنیا، توجه به دلجویی خداوند از فقیران در قیامت، موجب احساس ارزشمندی و توانمندی می‌شود.

منابع

قرآن کریم

نهج‌البلاغه (۱۴۱۴ق)، ترجمهٔ محمد دشتی، قم: هجرت.

ابن‌بابویه، محمدبن‌علی (صدوق) (۱۳۹۸ق)، التوحید، قم: جامعه مدرسین.

ـــــــــــــــ (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، چ دوم، قم: جامعه مدرسین.

ابن‌شعبه‌حرانی، حسن‌بن‌علی (۱۳۶۳ق)، تحف‌العقول، چ دوم، قم: جامعه مدرسین.

انصاری، مرتضی (۱۳۷۸)، المکاسب، قم: مجمع الفکر الاسلامی.

پسندیده، عباس (۱۳۸۹)، رضایت از زندگی، قم: دارالحدیث.

حرعاملی، محمدبن‌حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل‌الشیعهٔ، قم: مؤسسهٔ آل‌البیت علیهم‌السلام.

سیفلو، سجاد (۱۳۹۳)، «اقتصاد مقاومتی راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی»، سیاست دفاعی، ش ۸۷، ص ۵۳-۸۸.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چ پنجم، قم: جامعه مدرسین.

طبرسی، فضل‌بن‌حسن (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، چ سوم، تهران: ناصر خسرو.

قنبریان، علی و حاتمی، وحید (۱۳۹۵)، الگوی مصرف در سبک زندگی اسلامی، تارنمای پژوهشکده باقرالعلوم علیه‌السلام، http://pmbo.ir.

کاظمی، مهدی؛ منصورزاده، فاطمه و نظریان، محمدرضا (۱۳۹۳)، «تدبیر معیشت و اصلاح الگوی مصرف الزامی در زندگی به سبک اسلامی»، همایش ملی اقتصاد دانش‌بنیان معبر اقتصاد مقاومتی، تهران: مؤسسه سفیران فرهنگی مبین.

کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۴۰۳ق)، الکافی، چ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مازندرانی، محمدصالح‌بن‌احمد (۱۳۸۲ق)، شرح الکافی، تهران: المکتبهٔ الإسلامیهٔ.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالأنوار، چ چهارم، بیروت: دارالإحیا التراث العربی.

ـــــــــــــــ (۱۴۰۴ق)، مرآةالعقول فی شرح اخبار آل‌الرسول، چ دوم، تهران: المکتبهٔ الإسلامیهٔ.

ـــــــــــــــ (۱۳۸۶)، در جست‌وجوی عرفان اسلامی، قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و انتشارات اسلامی.
نرم‌افزارهای جامع‌الاحادیث و جامع التفاسیر از مرکز تحقیقات رایانه‌ای نور.
نوری، حسین‌بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل، قم: مؤسسهٔ آل‌البیت علیهم‌السلام.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال سوم، شماره دوم، پیاپی۸، پاییز و زمستان۱۳۹۶، ص۸۳-۶۵

مراحل شکل‌گیری ایمان از دیدگاه فولر و نقد آن

The Stages of Formation of Faith in Fuller's View and Criticizing it

محمود نوذری / دانشیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، mnowzari@rihu.ac.ir

✍ **مهدی غلامی** / دانشجوی دکتری فلسفه علم دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسندهٔ مسئول)، mgh@rihu.ac.ir

Mahmoud Nowzari / Assistant Professor in Department of Educational Sciences, Research Center of Seminary and University

Mahdi Ghulami / PhD Student of Philosophy of Science, Islamic Azad University, Branch of Science and Research, Tehran

چکیده

در میان نظریه‌پردازانی که به بررسی تحول ایمان از منظر روان‌شناختی پرداخته‌اند، فولر به‌عنوان صاحب‌نظری مهم، برجسته و تأثیرگذار شناخته شده است. این مقاله به بررسی سه مسئلهٔ مهم در این عرصه از دیدگاه او پرداخته است. اول اینکه، فولر ایمان را چگونه توصیف و تحلیل می‌کند؟ دوم اینکه، ایمان چگونه در طول عمر متحول می‌شود؟ سوم اینکه، نقاط قوت و ضعف نظریه وی کدام است؟ روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و انتقادی است. یافته‌ها در پاسخ به این پرسش‌ها چنین است که ایمان کنش عام انسانی است و هر انسانی بماهو انسان با آن درگیر می‌شود و به کسب و اکتساب ایمان می‌پردازد. وی تحول ایمان را در قالب یک پیش‌مرحله و شش مرحله به تصویر می‌کشد. تأثیرپذیری وی از آموزه‌های مسیحی، تمرکز بر ساختار و عدم توجه به مضمون و محتوای ایمان و ابتنای مراحل تحول ایمان

ABSTRACT

Among the theoricians who have investigated the evolution of faith from psychological viewpoint, Fuller is known as a prominent and influential authority. The present article investigates three important issues from his view. Firstly, how does Fuller describe and analyze faith? Secondly, how does faith evolve in one's lifetime? Thirdly, what are the weak and strong points in his theory? The research method is descriptive-analytical and critical. The findings are as follows: faith is the human's general action and every human, as he is a human being, is involved in faith, dealing with acquiring it. He depicts the faith's evolution in the form of a pre-stage and six stages. His being influenced by Christian doctrines, focus on the structure, no attention to theme and content of faith and basing the stages of evolution on Piaget's view are among the most important drawbacks of his view.

بـر دیدگاه پیـاژه از مهم‌ترین اشـکالات و نقدها بر دیدگاه وی در نظر گرفته می‌شود.

کلیدواژه‌هـا: فولـر، ایمـان نامتمایـز، ایمـان فرافکنانه، ایمان داستان‌سرایانه، ایمان عرفی، ایمان فردی شده، ایمان عاطفی، ایمان جهان‌شمول.

KEY WORDS: Fuller, indistinctive faith, projective faith, narrative faith, common faith, individualized faith, emotional faith, worldwide faith.

۱. مقدمه

ایمان به خدا از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مقولات دینی و شالودهٔ دینداری به‌شمار می‌رود و شناخت ماهیـت و ابعـاد مختلـف ایمـان و تلاش بـرای تحقق آن ضـرورت می‌یابـد. فیلسـوفان، متکلمان، مفسـران، محدثان و امروزه فلاسـفهٔ دیـن و الهیات و روان‌شناسـان، هر کدام از نـگاه خویش تلاش کرده‌اند تا ابعاد مختلف آن را واکاوی و توضیح دهند (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۱؛ تیلیش[۱]، ۱۳۷۵).

تحقیق در این قلمرو به روش تجربی و از منظر روان‌شناسـی تحولی، سـابقه‌ای تقریباً هفتاد ساله دارد. پژوهش‌ها و نظریه‌های متعددی در چارچوب مطالعاتی فوق و به‌منظور ارائهٔ تفسیری از ایمان و بسـط ایدهٔ فرایند رشـد به مقولهٔ رشد ایمان در طول دهه‌های گذشـته پدید آمده است (ر.ک: کِلُر و فیتزجرالـد[۲]، ۲۰۰۲؛ جنیا ۱۹۹۵؛ فولر، ۱۹۸۱؛ نـوذری، ۱۳۸۹؛ حیدری، ۱۳۹۵). در این میان، نظریهٔ فولر از برجسـتگی و اهمیت فراوانی برخوردار اسـت. شـاهد برجسـتگی و اهمیت این دیدگاه، انتشـار چهار مجموعهٔ نوشتاری در تأیید یا رد این نظریه است (فولر و ام.ال.دل[۳]، ۲۰۰۶، ص ۴۲).

ایـن مقاله ضمـن بیان مفهوم ایمـان از منظر فولر و معرفـی نظریهٔ او دربارهٔ مراحل رشـد ایمان به ارزیابـی دیدگاه او پیرامون مراحل رشـد ایمـان در افراد پرداخته و نقاط قـوت و ضعف دیدگاه‌های او در مقایسـه با دیدگاه‌های رقیب را نشـان داده اسـت. در این پژوهش، با اسـتفاده از روش توصیفی ـ تحلیلی و انتقادی مراحل شـکل‌گیری و سـیر تطور ایمان فردی از دیدگاه فولر مورد بررسـی و واکاوی قرار گرفته و در پایان، یافته‌ها در قالب ارزیابی دیدگاه او و بیان نقاط قوت و ضعف ارائه شده است.

۲. مفهوم‌شناسی ایمان

روش متداول در تبیین چیسـتی ایمان در حوزهٔ مطالعات دینی، بررسـی ریشـهٔ لغوی و گزاره‌هایی اسـت که در متون مقدس در این باره آمده است. در این روش، گزاره‌های مرتبط با ایمان جمع‌آوری و از خلال تفسـیر آنها، چیسـتی ایمان تبیین ارائه می‌شود. ظهور تبیین‌های مختلف نیز به محتوایی مربوط می‌شود که فرد با پایبندی به آن، مؤمن محسوب می‌شود.

۱. Tillich, P
۲. Fitzgerald
۳. Dell, M. L

فولر در تعریف خود از ایمان به محتوای ایمان به‌معنای اینکه فرد به کدام مجموعه گزاره‌ها معتقد باشد، یا کدام عواطف را از خود بروز دهد، یا کدام اعمال را انجام دهد تا در زمرهٔ گروه مؤمنان به دین خاصی درآید، توجهی ندارد. وی ماهیت ایمان را از طریق بررسی کنش انسان در مواجهه با پرسش‌های ایمانی و کسب و اکتساب ایمان و تأثیر ایمان بر معنادار کردن زندگی تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، وی ایمان را از منظر هستی‌شناسانهٔ آن مورد توجه قرار می‌دهد. پرسش‌های ایمانی عمدتاً ناظر به این معناست که در این دنیا مهم‌ترین امری که درخور این است که انسان عمر خود را صرف آن کند، کدام است. در دنیایی که نیروهای متعدد بر زندگی ارائه می‌کند و احتمالاً ترس و وحشت را در او برمی‌انگیزد، بر کدام نیرو می‌توان اتکا کرد و کدام نیرو در این دنیا می‌تواند از او حمایت کند، به او ارزش ببخشد و از او حفاظت کند (همان، ص ۳).

به نظر وی، علت نیاز عموم انسان‌ها به ایمان و پاسخ به پرسش‌های ایمانی، ناشی از نیاز انسان به ساختن معنای زندگی است. انسان‌ها یک تفاوت اساسی با حیوانات دارند، حیوانات از یک سیستم هدایت‌گری غریزی برای استمرار زندگی برخوردارند. در ارگانیزم آنها شیوهٔ تهیه غذا، لانه‌سازی و تولیدمثل تعبیه شده است، اما انسان‌ها باید سختی و لذت پرسش از چیستی معنای زندگی و ساختن معنای زندگی را تحمل کنند. انسان‌ها زمانی که قدم به این جهان می‌گذارند و تصمیم می‌گیرند که به زندگی خود در این جهان ادامه دهند، خود باید دیدگاهی را دربارهٔ «چگونه بودن» و «چگونه زیستن در جهان» را بسازد. بنابراین، انسان‌ها قبل از اینکه تبدیل به فردی مذهبی یا غیرمذهبی شوند و یا حتی پیش از آنکه خود را یک مسلمان یا کاتولیک یا یهودی بنامند، با مسائل مرتبط با ایمان مواجه شده‌اند و به آن پرداخته‌اند (همان، ص ۴).

وی دربارهٔ چگونگی کسب ایمان، فرایندی مشتمل بر سه گام را مطرح می‌کند: گام نخست، شناخت ارزش یا کانون ارزشی است که به قدر کافی درخور انسجام‌بخشی و معنادهی به زندگی باشد و از آنچنان اهمیتی برخوردار است که شایسته است انسان زندگی خود را معطوف و مصروف آن سازد. گام دوم، ابراز تعهد، اعتماد و ابراز وفاداری به ارزشی است که به پندار فرد مهم تلقی می‌شود. ارزش‌هایی از دیدگاه انسان مهم تلقی می‌شوند که توان حمایت، حفاظت و ارزش‌بخشی و احترام گذاشتن به ما را داشته باشند، قابل اعتماد باشند و به ما عشق بورزند. گام سوم، جهت‌بخشی به آمال، افکار، اعمال و شکل دادن به هویت خود بر اساس ارزشی است که به آن عشق ورزیده می‌شود. در واقع، انسان بخشی از چیزی می‌شود که به آن ارزش می‌دهد و به آن عشق می‌ورزد.

در بین نظریه‌های رشد ایمان، نظریهٔ فولر بیش از سایر نظریه‌ها مورد توجه قرار گرفته و در موافقت و مخالفت با آن بسیار سخن گفته شده است. چهار مجموعه نوشتار وجود داشته که در آنها شارحان و منتقدان در باب این موضوع قلم زده‌اند.[۱] نخستین مجموعه، در سال ۱۹۸۰ منتشر شد و مبتکر آن،

۱. برای معرفی مجموعهٔ دقیق و جدیدی از مقالات نویسندگان بین‌المللی که از منظر رشد ایمانی و الهیات عملی، با رویکردی انتقادی به اثر این نویسنده می‌پردازند می‌توان به Osmer and Schweitzer, ۲۰۰۳ اشاره کرد.

کریستین بروسلمانز،[۱] از مربیان دینی دانشگاه کاتولیک لووِن[۲] در بلژیک بود. دومین مجموعه از چنین نوشتارهایی را کرایج دایکسترا[۳] ـ از اعضای وقت هیئت علمی آموزشگاه دینی الهیات پرینستون[۴] ـ و شارون دالوز پارکز[۵] ـ استاد وقت دانشکدهٔ الهیات هاروارد[۶] ـ ویراستاری کردند. سومین مجموعه از نوشتارهای پیش‌گفته که رویکردی انتقادی به نظریهٔ رشد ایمانی داشت، با ویراستاری جِف اَستلی[۷] از مؤسسهٔ آموزش مسیحی شمال انگلستان[۸] و لِسلی فرانسیس[۹] از کالج ترینیتی در کارمارتن در وِلز[۱۰] تدوین شد. چهارمین کتاب حاوی شروح انتقادی، در اصل توسط دانشوران اروپایی و برای آنها تهیه شد، هرچند که برای خوانندگان انگلیسی‌زبان نیز ترجمه گردید (فولر و دل، ۲۰۰۶، ص ۴۲-۴۳). علاوه‌براین، برخی از محققان تلاش کرده‌اند تا با نقد دیدگاه فولر، نظریه‌های جایگزین نظریهٔ وی ـ که دارای نقطه‌ضعف‌های کمتری نسبت به نظریهٔ فولر است ـ ارائه کنند.

۳. مراحل ایمان

فولر همانند پیاژه و کلبرگ مراحل تحول ایمان را بر اساس تغییر در بُعد ساختاری آن توضیح می‌دهد و به چگونگی تغییر در بُعد محتوایی آن توجهی ندارد. ازاین‌رو، لازم است قبل از ورود به بحث مراحل، توضیحاتی دربارهٔ ماهیت «بُعد ساختاری ایمان» و چگونگی شکل‌گیری آن و نسبت آن با «بُعد محتوایی ایمان» ارائه شود تا خوانندگان انتظارات خود را از آنچه فولر دربارهٔ ویژگی‌های مراحل ایمانی بیان می‌کند، تعدیل نمایند.

بُعد ساختاری ایمان، توانایی‌هایی هستند که برحسب رشد سنی و کیفیت تعامل فرد و محیط و کنش متقابل و پیچیدهٔ عوامل شناختی، عاطفی، تجربه روانی ـ اجتماعی، نقش اعمال و نمادهای فرهنگی در نظام روانی فرد شکل می‌گیرد و به‌منزلهٔ تعیین‌کننده‌های زیربنایی شیوهٔ فرد در کشف و فهم محتوای ایمانی درمی‌آید. در واقع، فرایندها و ساختارهای ایمانی در هر مرحله از این خصیصه برخوردارند که در همهٔ اشکال ایمانی خواه دینی و خواه غیردینی، خواه مسیحی و خواه اسلامی به شکل واحدی ظاهر می‌شوند و به‌منزلهٔ علت برای تغییر کیفی در محتوای ایمان لحاظ می‌شود. براین‌اساس، وی تغییرات در ایمان را در چرخهٔ زندگی (تولد تا پایان زندگی) بر اساس شکل‌گیری متوالی یک پیش‌مرحله و شش مرحله توضیح می‌دهد:

---

۱. Christiane Brusselmans
۲. Catholic University of Leuven
۳. Professor Craig Dykstra
۴. Princeton Theological Seminary
۵. Sharon Daloz Parks
۶. Harvard Divinity School
۷. Jeff Astley
۸. North of England Institute for Christian Education
۹. Leslie Francis
۱۰. Trinity College, Carmarthen, Wales

۳-۱. دورهٔ طفولیت (پیش‌مرحله): ایمان نامتمایز[۱] (تولد تا ۲ سالگی)

فولر با آگاهی از اینکه نمی‌تواند ویژگی‌های ایمانی مرحلهٔ طفولیت را همانند مراحل دیگر، بر حسب معیارهای تجربی و با تکیه بر مصاحبه با آزمودنی‌ها توصیف کند، تلاش کرده تا به شیوهٔ غیرتجربی، خصائص ایمانی این دوره را بررسی و توصیف کند. وی بر مبنای دیدگاه پیاژه و اریکسون و نیز دیدگاهش دربارهٔ مدل سه‌ضلعی شکل‌گیری ایمان (خود، دیگران و کانون‌های ارزش و حجیت) نشان می‌دهد چگونه پایه‌های نخستین ایمان در این دوره بنا می‌شود.

مرحلهٔ ایمان نامتمایز که در واقع پیش‌مرحله‌ای برای مراحل شش‌گانهٔ دیگر محسوب می‌شود، مقطعی از زندگی است که هسته‌های اعتماد، شهامت، امید و عشق در شکلی نامتمایز و درهم آمیخته ساخته می‌شود و تا زمان دستیابی به تفکر و زبان استمرار دارد. قدرت رو به تکوین ایمان در این مرحله اندوخته‌ای برای اعتماد آغازین و تجربه رابطهٔ متقابل با فرد یا افرادی است که نخستین بسترهای عشق و دلجویی و مراقبت را فراهم آورده‌اند. خطری که گذار موفقیت‌آمیز از این مرحله را تهدید می‌کند، ناکام ماندن رابطهٔ متقابل از هر یک از طرفین است.

ناکامی در ایجاد رابطهٔ متقابل و دوسویه، یکی از دو پیامد نامطلوب ذیل را دربر دارد: یا منجر به بروز خودشیفتگی بیش از حد می‌شود که در این صورت، حس در محور قرار داشتن فرد غلبه می‌یابد؛ یا منجر به حس بی‌ثباتی در شخصیت کودک می‌شود که در این صورت، کودک در کشاکش تجربه تلخ رابطهٔ ناموفق خود باقی می‌ماند. کیفیت رابطهٔ متقابل و میزان تأثیر اعتماد، استقلال، امید و شهامت و یا نقطهٔ مقابل آنها که در این مرحله بسط می‌یابند، مبنای شکل‌گیری هر آنچه که بعدها در رشد ایمان به وقوع می‌پیوندد، می‌باشد (و گاهی اوقات موجب متزلزل شدن آنها می‌شود). گذار از مرحلهٔ اول به مرحلهٔ بعد، زمانی رخ می‌دهد که همگرایی فکر (اندیشه) و زبان آغاز می‌شود و کودک این توانایی را پیدا می‌کند که شناخت خود را از جهان در قالب واحدهای معنایی ارائه کند (فولر، ۱۹۸۱، ص ۱۱۹-۱۲۱).

۳-۲. مرحلهٔ اول: ایمان شهودی ـ فرافکنانه[۲] (۲ تا ۶ و ۷ سالگی)

دورهٔ طفولیت، مقطعی از زندگی است که طفل به علت ضعف در ساختارهای شناختی و ارزشگذاری نمی‌تواند الگویی از نظم معنایی و ارزشی را دربارهٔ زندگی ایجاد کند. بنابراین، تنها پیش‌مرحله‌ای برای مراحل بعد محسوب می‌شود. با گذار از دورهٔ طفولیت و مجهز شدن کودک به ابزارهای تازه‌شناختی و ارزشگذارانه این ظرفیت در کودک ظاهر می‌شود که اولین نظم معنایی و ارزشی را دربارهٔ زندگی به تصویر می‌کشد و اولین الگوی ایمانی را شکل می‌دهد. فولر، اولین الگوی ایمانی را «ایمان شهودی ـ فرافکنانه» نام نهاد؛ توصیف این مرحله به شهودی ـ فرافکنانه از این جهت است

۱. Infancy and undifferentiated faith
۲. Intuitive – projective faith

کـه شـناخت کودک از طریق الگوی تفکر شـهودی (به اصطلاح پیاژه‌ای) صـورت می‌گیرد و جهان از طریق فرافکنی شـهودی معنا که تقلیدی از اعمال و ارزش‌های مشهود والدین و سایر اطرافیان است و به شـدت تحت تأثیر خیال اسـت، به تصویر کشیده می‌شود. شیوهٔ فرافکنی معنا در اینجا در مقابل شیوهٔ روایت معنا در قالب داستان قرار می‌گیرد.

مرحلهٔ اول از مراتب ایمانی لبریز از تخیل است، برایندی است مبتنی بر تقلید که کودک در آن دائماً تحت تأثیر بسیار زیاد نمونه‌ها، حالت‌ها، کنش‌ها و داستان‌های مرتبط با ابعاد آشکار ایمان بزرگترهای محیط پیرامونی خود اسـت. مرحلهٔ ایمان شـهودی ـ فرافکنانه بیشـتر به کودکان سـه تا هفت سـال اختصاص دارد، که ویژگی متمایز آن، بی‌ثباتی نسـبی الگوهای اندیشه و تفکر است. کودک، مدام در معرض نوآوری‌هایی است که هیچ کنش باثبات در شناخت و کسب آگاهی شکل نمی‌گیرد.

فرایندهـای مرتبـط با تخیل و پندار که وجه مشـخص آنها تصور و خیال اسـت را نمی‌توان با تفکر عقلانـی و منطقی محصور سـاخت و یا مانعی در مقابل آنها ایجاد کرد. هم‌سـطح با اشـکال مختلف شـناخت که وجه غالب آن ادراک (در مفهوم روان‌شـناختی) اسـت، در این مرحله تخیل بیشتر مولد تصاویر ذهنی و احساسـات بادوام بسیار است (خواه تصاویر ذهنی و احساسات مثبت و خواه تصاویر ذهنی و احساسـات منفـی) که بعدها با توانایی در ارزش‌گذاری و اندیشـیدن، بدان‌ها نظم و سـیاق می‌بخشـد. مرحلهٔ ایمان شهودی ـ فرافکنانه را می‌باید مرحلهٔ ظهور اولی خودآگاهی انسان دانست. کودکِ «خودآگاه» محوریت خود و دیدگاهش را در مقابل دیدگاه‌های دیگران حفظ می‌کند.

در همین مقطع است که او نسبت به مرگ و جنسیت و تمامی محرمات که فرهنگ‌ها و خانواده‌ها به او ارائه کرده‌اند، به خودآگاهی دسـت می‌یابـد. موهبت و یا به نوعی وجه غالب این مرحله همانا زایـش نیروی تخیل اسـت؛ تخیـل توانایی ایجاد وحدت‌بخشـی به درک و فهم جهـان تجربه‌های عینـی، در قالـب تصاویر ذهنـی تأثیرگذار فراهـم می‌کند. مخاطرات موجـود در این مرحله را بیشـتر می‌بایـد در احتمـال تسـخیر تخیل کودک به‌واسـطهٔ تصاویر ذهنـی بی‌حدوحصر از تـرس و تخریب جسـت‌وجو کرد و یا در سوءاسـتفاده آگاهانه یا غیرعمد از تخیلات او در نهادینه سـاختن محرمات و انتظارات اخلاقی و اعتقادی یابد.

مهم‌ترین عاملی که موجب گذار به مرحلهٔ دیگر می‌شـود، ظهور تفکر عملیات عینی اسـت. از دیگر عوامل اثرگذار در گام نهادن به مرحلهٔ دیگر، خارج شـدن از مسـائل مرتبط با عقده ادیپ و یا سرکوب آنها در نطفه اسـت. گذار به مرحلهٔ دوم با لذات دغدغه رو به رشـد کودک در دانسـتن چگونگی امور اسـت تا آنکه بتواند به مرز میان واقعیت از غیرواقعیت دسـت یابد (شـالوده‌های لازم در تمییز میان واقعیت محض از واقعیت به ظاهر را ترسیم نماید) (همان، ص ۱۲۲-۱۳۳).

۳-۳. مرحلهٔ دوم: ایمان لفظی ـ داستان سرایانه[۱] (۶ و ۷ تا ۱۱ و ۱۲ سالگی)

در مرحلهٔ پیشین، به واسطهٔ استقرار «الگوی شهودی درک معنا»، کودک داستان تجارب عملی زندگی خود را به صورت نامنظم و تکه‌تکه گزارش می‌کرد و نمی‌توانست معانی و ارزش‌ها را از دل داستان‌ها به دست آورد، اما در این مرحله کودک به برکت دستیابی به ساختارهای شناختی و ارزشگذارانه جدید قادر می‌شود تا داستان تجارب عملی زندگی خود را در قالب داستانی مشتمل بر جزئیات و به طور منظم حفظ کند و معنای زندگی را از دل آن داستان‌ها به دست آورد. این توانایی جدید در کسب معنای زندگی در عین حال، از یک محدویت رنج می‌برد و آن اینکه معانی ساخته شده سطحی، خام و محصور در کلمات است. ویژگی مذکور در ساخت معنای زندگی سبب شده است تا فولر این مرحله را مرحلهٔ «لفظی ـ داستانی» بنامد. واژهٔ لفظی به درک سطحی و تحت‌اللفظی و خام معانی و واژهٔ داستانی به شیوهٔ روایت کردن معانی و نظم‌بخشی به آنها اشاره دارد.

فولر در توضیح مشخصه‌های این مرحله، ابتدا به توانایی ذهن یک کودک ده ساله اشاره می‌کند و بر اساس آن، تکوین معنا، ارزش و باورها را و در نتیجه، شیوهٔ نظم‌بخشی به معنای زندگی را در مرحلهٔ ایمانی دوم بیان می‌کند.

ایمان لفظی ـ داستان‌سرایانه، مرحله‌ای است که در آن فرد روایات و باورهایی را اختیار نموده است که تعلق او به اجتماع محل زیستن را به صورت نمادین نشان می‌دهد. باورهای او متناسب با تفاسیر سطحی و تحت‌اللفظی بوده و بیشتر قوانین و نگرش‌های اخلاقی می‌باشند. در این مرحله، بروز عملیات عینی به کنترل و مرتب نمودن تصاویر ذهنی مرحله پیشین از جهان هستی می‌شود. در مرحلهٔ پیشین، تصاویر ذهنی از تجارب عملی زندگی گذرا و تکه‌تکه بود، ولی در این مرحله به ساختاری منظم و طولی برای بیان تجارب عملی دست می‌یابد.

روایت‌ها (داستان‌پردازی) مهم‌ترین روش در یکپارچه ساختن و ارزش بخشیدن به تجارب عینی زندگی می‌باشند (هرچند گاهی اوقات ساختارهایی را در این مرحله می‌بینیم که ویژگی غالب دورهٔ نوجوانی و بزرگسالی است). دستیابی به تمایز دیدگاه خود و دیگران از ویژگی‌های بارز این مرحله می‌باشد. افراد در مرحلهٔ دوم، جهانی را به تصویر می‌کشند که مبتنی بر رعایت انصاف در قبال دیگران و عدالت به ذات بر اساس عمل متقابل می‌باشد.

ظرفیت و یا نقطهٔ قوت جدید موجود در این مرحله، همانا بروز توانایی روایتگری و ظهور داستان است که به تجارب عینی زندگی انسجام می‌بخشد. محدودیت‌های ناشی از سطحی بودن و اتکای بیش از حد بر عمل متقابل به‌عنوان اصلی برای بنانهادن محیط غایی منجر به تکامل‌گرایی تصنعی و محدود و یا عمل بالحقیقه صادقانه شده و یا آنکه بعکس به حس بَد بودن که به خاطر عمل نادرست، غفلت و یا عدم حمایت آشکار دیگران تأثیرگذار در زندگی، حاصل شده است، می‌انجامد.

۱. Mythic –Literal Faith

عاملی که شروع گذار به مرحلهٔ سوم را نوید می‌دهد، تناقض و ناسازگاری‌های موجود در ضمن داستان‌هاست که منجر به تأمل پیرامون معانی می‌شود. قدم گذاردن به تفکر عملی انتزاعی، چنین تأمل و اندیشه را ممکن و ضروری می‌سازد و موجب گذار از مرحلهٔ لفظگرایی و سطحی بودن پیشین می‌شود (همان، ص ۱۳۵-۱۵۰).

۳-۴. مرحلهٔ سوم: ایمان تلفیقی ـ عرفی[۱] (۱۱ و ۱۲ تا ۱۷ و ۱۸ سالگی)

مرحلهٔ سوم از مراحل ایمان که با عنوان «ایمان تلفیقی ـ عرفی» نام نهاده شد، دامنهٔ تجربه فرد از جهان پیرامون به محیطی فراتر از خانواده بسط یافته است. برخی از این فضاها قابل توجه می‌باشند: خانواده، مدرسه، محیط کار، گروه همسالان، جامعه به‌معنای عام و رسانه‌ها و شاید مذهب. ایمان در میان سایر مجموعهٔ متنوع و پیچیدهٔ تعلقات و دغدغه‌ها، منسجم‌ترین جهت‌گیری و گرایش را در این مرحله ایجاد می‌نماید. ایمان، ارزش‌ها و اطلاعات (دانایی) را تلفیق ساخته و مبنایی برای هویت و نگرش انسان فراهم می‌سازد.

به‌طور معمول، فراز و نشیب مرحلهٔ سوم در دوران نوجوانی است، اما بسیاری از بزرگسالان از این مرحله فراتر نمی‌روند و این مرحله نقطهٔ دائمی تعادل و لایتغیر ایمان آنهاست. در مرحلهٔ سوم، ساختار محیط غایی در قالب روابط بین‌فردی بنا می‌شود. تصاویر ذهنی فرد از ارزش و قدرت از گسترهٔ خصیصه‌هایی سر برآورده‌اند که به محک تجربه در روابط شخصی حاصل شده‌اند. مرحلهٔ سوم را مرحله انطباق و سازگاری نیز می‌توان نامید، به این معنا که دقیقاً با انتظارات و قضاوت‌های دیگران مهم در زندگی انطباق یافته و هنوز فرد درک کافی و قابل اطمینانی از هویت خود و قضاوت متعلق به خود ندارد تا بتواند دیدگاهی مستقل داشته و بر آن استوار بماند.

درحالی‌که باورها و ارزش‌ها عمیقاً درک می‌شوند، اما علی‌القاعده به صورت تلویحی و ناآزموده ثبت و ضبط شده‌اند، فرد با آنها و جهان معنایی که به‌واسطهٔ آنها ایجاد می‌شود، ادامه حیات می‌دهد. اما فرصتی برای گام گذاشتن به بیرون از این جهان و تأمل پیرامون آنها و بررسی و به محک تجربه گذاردن آنها به صورت آشکار و نظام‌مند نداشته است. در این مرحله، فرد صاحب یک ایدئولوژی است که کم‌وبیش مجموعهٔ با ثباتی از ارزش‌ها و باورها را در خود دارد، اما او آن را به محک تجربه و آزمون نگذارده و در یک مفهوم از داشتن آن بی‌اطلاع است.

خاستگاه ارزش و حجیت در مراجع حجیت‌دار سنتی یا آنکه در اجماع با گروه دارای ارزش برای فرد که او در آن عضو می‌باشد، نهفته است. ظرفیت نوظهور این مرحله همانا شکل گرفتن روایت زندگی فردی است ـ روایتی که در آن تشرف فرد به هویت و ایمان شرح داده می‌شود و در گذشته و آینده محتمل او در قالب یک تصویر ذهنی از محیط غایی که با خصیصه‌های شخصیت درهم‌آمیخته،

۱. Synthetic –conventional faith

نقشی ایفا می‌نماید. مخاطرات و نارسایی‌های موجود در این مرحله بسیار می‌باشند. ممکن است انتظارات و ارزیابی‌های دیگران به حدی در فرد درونی شده‌اند (نهادینه شدن) که استقلال آینده او را در قضاوت و کنش به خطر اندازد و یا آنکه بی‌وفایی‌ها و دل‌شکستگی‌ها در روابط بین‌فردی منجر به ظهور یأس و نومیدی پوچ‌انگارانه نسبت به اصل ارزش شخصی شده و یا به ارتباط نزدیک با خدا با هدف جبران روابط ناکام گذشته که فراتر از روابط زمینی و دنیوی می‌باشد، بینجامد. در این دوره است که شاهد پیدایش پدیدهٔ اتخاذ دیدگاه متقابل بین‌شخصی هستیم

عوامل مؤثر بر افول مرحلهٔ سوم و ایجاد آمادگی برای گذار به مرحلهٔ بعد به احتمال فراوان از قرار ذیل می‌باشند:

ـ تنش‌های جدی و تناقضات میان منابع ارزشمند حجیت؛ تغییرات بارز در رهبران مورد تأیید و موثق؛

- کنش‌هایی که پیش از این مقدس بوده و شکستن حریم آن ممنوع بود؛

- مواجهه با تجارب و دیدگاه‌هایی که منجر به تأمل و مداقه بسیار دقیق (انتقادی) دربارهٔ چگونگی شکل‌گیری و تحول باورها و ارزش‌ها، و اینکه نسبت آنها با گروه و پیش‌زمینه‌ای مشخص چگونه بوده است؛

- تجربه ترک مکرر خانه خواه به دلایل عاطفی و یا فیزیکی (فولر، ۱۹۸۱، ص ۱۵۱-۱۷۰).

۳-۵. مرحلهٔ چهارم: ایمان فردی شده ـ فکورانه[۱] (۲۰ سالگی به بعد)

ایمان فردی شده ـ تأملی پیش از سن هفده تا هجده سالگی آغاز نمی‌شود، چنین ایمانی برای برخی افراد در اوائل بزرگسالی (۲۰ سالگی به بعد) و برای بسیاری از مردم در اواسط دههٔ سوم و چهارم عمر پدیدار می‌شود و بسیاری از بزرگسالان هرگز به این مرحله نمی‌رسند. ظهور و بروز ظرفیت برای تأمل موشکافانه در نظام معنایی و ارزشی شکل‌گرفته در مرحلهٔ سوم و در نتیجه، حل تعارض‌ها و تناقضات موجود در آن و دستیابی به معنایی شخصی‌تر (متعلق به خود) درباره معنا و هدف زندگی، موجب شده است تا فولر عنوان «ایمان فردی شده ـ تأملی» را برای مرحلهٔ چهارم انتخاب کند.

گذار از مرحلهٔ سوم به مرحلهٔ چهارم ایمان، از این جهت حساس است که در این تحول فرد جوان و یا بزرگسال باید در قبال تعهدات، سبک زندگی، باورها و نگرش‌های خود، مسئولیت قبول کند. آنجا که گذار واقعی به مرحلهٔ چهارم در شُرُفِ وقوع است، فرد با تنش‌های معین و اجتناب‌ناپذیری به اجبار مواجه می‌شود: «فردیت» او در نقطهٔ مقابل «عضویت در گروه» و یا «پذیرش از سوی گروه»، «متکی بودن بر ذهنیت فردی» در برابر «عینیت»، «خودشکوفایی و حصول مطلوب فردی» در برابر «در خدمت دیگران بودن و وجود داشتن به خاطر دیگران»، «متعهد بودن به امر نسبی» در برابر «مجادله امکان وجود امر مطلق».

۱. Individuative –reflective faith

زمان متناسب برای شکل‌گیری مرحلهٔ چهارم، آغاز دوران بزرگسالی است (به خاطر داشته باشیم که در بسیاری از بزرگسالان مرحلهٔ چهارم بروز نکرده و در عدهٔ خاصی نیز تنها در میانهٔ دههٔ چهارم و پنجم به وقوع می‌پیوندد). «من» فرد که پیش از این در تلفیق ایمان و هویت او به واسطهٔ دیگران مهم حفظ شده بود، اینک مدعی هویتی است که از ترکیب نقش‌ها و معانی متعلق به دیگران متمایز شده و مفهوم متعلق به خود را می‌یابد. برای حفظ هویت جدید، چارچوب معنایی جدیدی را با آگاهی از حدود و روابط درونی خود می‌آفریند که به‌عنوان جهان‌بینی او محسوب می‌شود. خود (هویت) و نگرش (جهان‌بینی) از هویت و جهان‌بینی دیگران متمایز شده و تبدیل به عناصر قابل تصدیق در واکنش‌ها، تفاسیر و قضاوت‌ها شده که فرد بر مبنای کنش‌های خود و دیگران بروز می‌دهد. ارائه سیستم آشکار معانی نشان از انسجام یافتن خود در محیط غایی می‌باشد.

در مرحلهٔ چهارم، به‌طور معمول نمادها به معانی مجرد برگردانده می‌شوند. این مرحله را تفکیک معنا و نماد می‌نامند. به احتمال زیاد، این عمل با هدف مشارکت حداقل در عناصر ناخودآگاه می‌باشد که در قضاوت‌ها و رفتار فرد تأثیر می‌گذارند. نقطهٔ قوت غالب در مرحلهٔ چهارم، همانا ظرفیت این مرحله در تأمل موشکافانه در هویت (خود) و نگرش (جهان‌بینی) می‌باشد. مخاطرت آن نیز در همین نقطهٔ قوت نهفته است، اعتماد بیش از حد به ذهن خودآگاه و تفکر پرسش‌گرانه و به نوعی خودشیفتگی سبب می‌شود که واقعیت و دیدگاه‌های دیگران را در جهان‌بینی خود بسیار به یکدیگر نزدیک ساخته و به نفع خود مصادره کند.

سرخوردگی ناشی از پذیرش و بازشناسی این موضوع که زندگی پیچیده‌تر از آن است که ظرفیت منطقی مرحلهٔ چهارم در ایجاد تفکیک و تمایز آشکار و ارائه مفاهیم انتزاعی بتواند به درک آن نائل شود، فرد را به سمت اتخاذ نگرشی منطقی و عمیق با سطوح مختلف (یعنی مرحلهٔ پنجم ایمان) سوق می‌دهد (همان، ص ۱۷۴-۱۸۳).

۳-۶. مرحلهٔ پنجم: ایمان عطفی[۱] (بر اساس فرض میانه بزرگسالی یا پس از آن)

فولر توضیح خصیصه‌های ساختاری مرحلهٔ پنجم را با این جمله شروع می‌کند که وی نتوانسته است روشی آسان برای توصیف مرحلهٔ پنجم یافته و یا آنکه ابداع کند. این مسئله موجب ناامیدی وی شده است و احساس می‌کرده که اگر نتواند به‌وضوح ویژگی‌های این مرحله از ایمان را به خواننده منتقل نماید، این طرز تلقی پیش می‌آید که آن را درست فهم نکرده و یا بدتر آنکه مرحلهٔ پنجم اصلاً ما به ازاءای ندارد. وی هیچ‌یک از دو تبیین فوق‌الذکر را نمی‌پذیرد و می‌گوید: حقیقت این است که مرحلهٔ پنجم به‌عنوان شیوه‌ای در شناخت ایمان وجود داشته و فرایندی پیچیده دارد. به علاوه، آنگاه که در حیات افراد به صورت یک تجربه بروز کرده و در آثار برجای‌مانده از آنها و یا درخصوص آنها وجه عینی می‌یابد.

۱. Conjunctive faith

منطقِ کشف حقیقتِ معنا و هدف زندگی در مرحلهٔ پنجم فراتر از منطق دو شقی مرحلهٔ چهارم (این یا آن) است. فرد در مرحلهٔ پنجم از مراحل ایمانی هر دو بُعد و یا جوانب بسیاری از یک مسئله را به صورت همزمان مدنظر قرار می‌دهد. در مرحلهٔ پنجم، فرد می‌پذیرد که می‌توان از کانال دیدگاه‌های متنوع به تمام حقیقت نائل شد و ایمان باید تنش‌های بین آن دیدگاه‌های متنوع را حفظ کرده و متوازن سازد. این مرحله در سایهٔ پارادوکس‌ها، فهم‌پذیر می‌شود. در مرحلهٔ پنجم، افراد نسبت به حقایق سایر سنت‌های دینی و فرهنگی گرایش اخلاقی داشته و نسبت به آنها پذیرش دارند، و نیز معتقدند: گفت‌وگو با آنها ممکن است به درک‌هایی ژرف و بینش‌هایی جدید نسبت به باورها و سنت‌های خودشان منجر شود. از دیگر پارادوکس‌های مرتبط با این مرحله می‌توان به واقعیاتی اشاره کرد مبنی بر اینکه انسان هم مسن است و هم جوان، هم ویژگی‌های زنانه دارد و هم مردانه، هم خودآگاه و هم ناخودآگاه، و هم به صورت عامدانه محافظه‌کار و هم خیرخواه در عین اینکه در برخی از ابعاد زندگی و عضویت در جامعه به صورت اتفاقی مخرب است. انسان، هم بی‌نظیر است هم شخصیت‌یافته، و در عین حال این آگاهی را دارد که نسبت به دوستان و نسبت به غریبه‌ها، هم وابستگی دارد و هم با آنها در حالت همبستگی توأم با وابستگی متقابل به سر می‌برد. در نتیجه، عبارت خواهد بود از اشتیاق به شیوه‌های جدید ارتباط با خدا، دیگران، و خویشتن.

در مرحلهٔ پنجم، منطق «شناخت مبتنی بر دیالوگ»[۱] جایگزین منطق دو شقی مرحلهٔ چهارم (منطق این یا آن) می‌شود. در این‌گونه از شناخت، شناسه[۲] ترغیب می‌شود تا با کلمات ساخته و پرداختهٔ ذهن خود و به زبان خود سخن بگوید. در شناخت مبتنی بر دیالوگ، ساختار چندگانه (مرکب) جهان پیرامون، به نمایاندن لایه‌های درونی خود فراخوانده می‌شود. در گفت و شنود دوسویه، شناسا و شناسه ارتباطی رودررو از جنس (من ـ تو) را تجربه می‌کنند و با یکدیگر تعامل برقرار می‌کنند. شناسا به دنبال آن است تا شناخت خود را بر ساختار آنچه در شرف شناخته شدن (حصول معرفت) است، منطبق سازد پیش از آنکه شناسه مقولات خود را بر ساختار حاصل شده حمل کند.

شناخت، مبتنی بر گفت‌وگوی دوسویه (دیالوگ) در مرحلهٔ پنجم به «عاملی شناسا» که مستعد برقراری دیالوگ (گفت‌وگو) می‌باشد، نیازمند است. به لحاظ معرفت‌شناختی، «شناسا» باید به آن درجه از قطعیت رسیده باشد که بتواند ابتکار عمل را در مقابل «شناسه» به دست گیرد. آنچه عرفا بر آن نام «تجرد»[۳] ـ دل‌کندن از علقه‌ها و وابستگی‌ها ـ می‌نهند نمایانگر میل و اشتیاقی است که در مرحلهٔ پنجم وجود دارد تا واقعیت اجازه یابد بدون توجه به تأثیری که واقعیت نمایانده شده بر طیب خاطر و اعتماد به نفس شناسا دارد از زبان خود سخن بگوید. نویسنده در اینجا از قرابت میان‌شناختی سخن می‌گوید که به حکمت تعالی یافته در امور آن‌گونه که وجود دارند با دیده احترام

۱. dialogical knowing
۲. known
۳. detachment

نگریسته و در آن مشارکت جسته پیش از آنکه بخواهند آن را به‌منظور انطباق با مقولات نخستین تحت اختیار درآورده، کنترل نموده و یا نظم و نسق بخشند.

در کل باید گفت: ایمان در مرحلهٔ پنجم دربردارندهٔ حرکتی است به فراسوی سیستم آشکار و ایدئولوژیک مرحلهٔ چهارم و مرزهای مشخص هویتی که آن مرحله سعی در بنا نهادن و اتکای به آنها را داشت. اگر مرحلهٔ سوم، مرحلهٔ ایمان وابسته به دیگران مهم و مرحلهٔ چهارم ایمان خوداتکایی بود، در این صورت مرحلهٔ پنجم مرحله ایمان با اتکای متقابل است.

مرحلهٔ پنجم، این اصل بدیهی را پذیرفته است که حقیقت ابعادی به مراتب بیشتر از آنچه اغلب نظریه‌ها و یا ملاحظات در باب حقیقت دریافته‌اند، دارد. با نگاهی از منظر مذهبی به موضوع می‌توان دریافت که در مرحلهٔ پنجم آگاهی نسبت به این مسئله وجود دارد که نمادها، داستان‌ها (روایت‌ها)، آموزه‌ها و مناسک، ارائه شده توسط آن آیین یا سنت مذهبی دیگر، ناگزیر نسبی بوده و به تجربهٔ افراد خاصی در ارتباط با خدا منحصر شده است و کامل نمی‌باشد. مرحلهٔ پنجم، همچنین ناظر بر این موضوع است که مراد از نسبیت سنت‌های مذهبی ـ که موضوع بحث می‌باشد ـ نسبیت در قبال یکدیگر نیست، بلکه در ارتباط با واقعیتی است که آنها واسطهٔ درک و حصول آن می‌شوند. بنابراین، ایمان در مرحلهٔ پنجم بالذات مستعد مواجهه با دیگر سنت‌ها و آیین‌ها ـ غیر از سنت و آیین خود ـ بوده و این احتمال را مفروض داشته است که حقیقت خود را نمایانده و یا خود را در دیگر آیین‌ها و سنت‌ها به شکلی می‌نمایاند که به اصلاح و یا تکمیل سنت متعلق به خود کمک می‌کند. کریستر استاندال[۱] می‌گوید: گفت‌وگوی میان ادیان در واقع نمی‌تواند وحدت‌بخش باشد، مگر آنکه شرایط مشارکت متقابل و روابط دوسویه به گونه‌ای باشد که هر یک از طرفین خود را آمادهٔ گرایش یافتن به حقیقت سنت دیگری سازد. چنین ویژگی را خصیصه وحدت‌گرایی مرحلهٔ پنجم می‌نامند(به نقل از فولر، ۱۹۸۲، ۱۸۶).

اتخاذ این موضع به‌معنای عدم وجود تعهد به حقیقت موجود در سنت خود نیست. البته مراد بی‌طرفی یا علاقهٔ صرف به ویژگی‌های غیرمتعارف فرهنگ‌های بیگانه هم نمی‌باشد. در عوض، گشودگی بسیار زیاد مرحلهٔ پنجم در مقابل حقیقتِ نمایانده شده در دیگر سنت‌ها دقیقاً در اعتماد به واقعیت حاصل شده توسط سنت خود و آگاهی نسبت به این موضوع که آن واقعیت فراتر از واسطه حصول خود قرار می‌گیرد، ریشه دارد. فرد در مرحلهٔ پنجم دریافت و تجربه خود از حقیقت را اصل قرار داده و دیگر مدعاها دربارهٔ حقیقت را بر آن اساس آزموده و ارزیابی می‌کند، اما او این‌گونه می‌پندارد که هر دیدگاه صادقی بر غنای ابعاد دیدگاه دیگر افزوده و آن را بهبود می‌بخشد و این موضوع در حرکتی متقابل به سوی واقعیت و حقیقت بروز می‌یابد. همین ویژگی مرحلهٔ پنجم موجب شده است تا فولر این مرحله را «ایمان عطفی» بنامد، چرا که منطق شناخت مبتنی بر دیالوگ فرد را قادر می‌سازد

۱. Krister Stendhal

تا دریافت و تجربه دیگران از حقیقت را به دریافت و تجربه خود از حقیقت عطف و ضمیمه کند و به دریافتی با غنای بیشتر از حقیقت دست یابد (همان، ص ۱۸۴-۱۹۸).

۳-۷. مرحلهٔ ششم: ایمان جهان‌شمول

فولر بیان می‌کند که نظریهٔ رشدی ـ ساختاری ایمان اثری توصیفی ـ تجربی و تجویزی می‌باشد. بخش توصیفی ـ تجربی نظریه دربرگیرندهٔ مراحل اول تا پنجم می‌باشد و بیشتر بر محور ارزیابی این موضوع متمرکز بود که آیا توالی قابل پیش‌بینی برای مراحل انتزاعی و توصیف‌پذیر ایمان در زندگی وجود دارد؟ بخش تجویزی نظریه دربرگیرندهٔ مرحلهٔ ششم و ارائه‌کنندهٔ تصویری ذهنی و پیچیده از ایمان رشدیافته و کامل است که فولر از آغاز در نظر داشته و مراحل قبلی به‌منزلهٔ گام‌های متوالی رسیدن به آن لحاظ شده است (فولر، ۱۹۸۱، ص ۱۹۹-۲۱۰).

گذار به مرحلهٔ ششم مستلزم فائق آمدن بر این تناقض‌ها از طریق به فعلیت رساندن ادراکات جهان‌شمول مبتنی بر زهد و اخلاق می‌باشد. به همین علت (دفع تنش به سود گزاره‌های جهان‌شمول و باور به آنها و تمسک به آنها در زندگی عملی) عنوان «ایمان جهان‌شمول» برای این مرحله انتخاب شده است. بروز مرحلهٔ ششم بسیار نادر است. افراد در این مرحله، ساختاری ایمانی پدید می‌آورند که در آن صرف‌نظر از ملیت، طبقهٔ اجتماعی، جنسیت، سن، نژاد، مکتب سیاسی و سنت دینی، نسبت به آفرینش و وجود و تمامی افراد بشر به‌منزلهٔ یک کل واحد، دغدغه دارد. در میان همهٔ آنها یک مفهوم و رأی مشترک وجود دارد و آن ایجاد محیطی آزاد و رها از قیدوبندهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک موجود است که بر حیات انسان سایه انداخته و آیندهٔ بشر را تهدید می‌کند. افراد در مرحلهٔ ششم به‌واسطهٔ دیدگاه جهان‌شمول خود و وجود حس مشارکت در نیروی وحدت‌بخش و متحول‌کننده جهان در آنها، اغلب به‌عنوان دگرگون‌کننده ساختارهایی که ما به‌واسطه آنها بقا، امنیت و ارزش‌مداری فردی و جمعی‌مان را (همچنین ساختارهای مذهبی) حفظ می‌نماییم، شناخته می‌شوند. بسیاری از این افراد در مرحلهٔ ششم به دست کسانی جان می‌سپارند که امید به تغییر آنها داشته‌اند. چنین افرادی اغلب پس از مرگ بیش از دوران حیاتشان تکریم و مورد ستایش قرار می‌گیرند.

معدود افرادی که در این مرحله جای می‌گیرند از موهبتی خاص برخوردارند که آنها را متمایز از دیگران می‌کند، افرادی ساده و بی‌غلّ‌وغش و به نحوی بیش از دیگران از کمال و مواهب انسانی برخوردار می‌باشند. اجتماع انسانی آنها گستره‌ای جهانی دارد. خصیصه‌های فردی آنها به آن خاطر که ایشان از اندیشه‌ای سیال و دارای وجهی جهانی برخوردارند، گرامی داشته می‌شود و به همین علت، به دور از هرگونه شائبهٔ اقتدارگرایانه می‌باشد. به زندگی عشق می‌ورزند و در حفظ آن بسیار می‌کوشند. چنین افرادی آمادگی همراهی با سایر افراد در دیگر مراحل ایمانی و هر سنت آیینی و ایمانی دیگر را دارند.

افرادی که ویژگی‌های مرحلهٔ ششم در مورد آنها صادق است، به‌طور معمول خصیصه‌هایی از خود بروز می‌دهند که معیارهای مرسوم به «بهنجار بودن» که ما به آنها شناخت داریم را متزلزل می‌سازد. بی‌توجهی آنها به بقای خود و آشکار بودن میل و اشتیاق آنها برای به فعلیت رساندن واقعیت با هدف تبدیل شدن به امری متعالی از طریق اخلاق و دین، به گفتار و اعمال آنها وجهی فراطبیعی و غیرقابل پیش‌بینی بخشیده است. ادراکات سطحی ما پیرامون عدالت در میل وافر آنها به داشتن شفقتی جهان‌شمول و همه‌گیر به چشم نمی‌آید. فراسَت و بینش عمیق آنها در دغدغه‌های ذهنی همچون، بقا (حفظ زندگی)، امنیت و ارزش‌مدار بودن مخاطره‌ای جدی در مقابل معیارهای سنجیده ما برای درستی، خوبی و دوراندیشی (تدبیر) محسوب می‌شود. نگرش‌های مبسوط آنها درباره اجتماع جهانی، مجالی برای بحث پیرامون قوم یا قبیله و به اصطلاح گونه خاص انسانی باقی نمی‌گذارد. ابتکار عمل آنها در رهبری که اغلب مشتمل بر راهبردهایی پیرامون گذران زندگی بدون خشونت و احترام بسیار برای انسان و وجود می‌باشد، به تصورات رایج ما دربارهٔ امور مرتبط[۱] می‌تازد. به نظر برخی جای شگفتی است که افراد در مرحلهٔ ششم اغلب برای دیدگاه‌هایی که خودشان تجسم عینی آن بوده و آن را به فعلیت رسانده‌اند، جان خود را فدا می‌کنند.

فولر به این موضوع باور ندارد که افراد از پیش، خود را برای قرار گرفتن در مرحلهٔ ششم آماده می‌سازند. البته بیان این مسئله به‌معنای آن نیست که برخی از افراد که بعدها در انطباق با ویژگی‌های مرحلهٔ ششم قرار می‌گیرند، قصد نداشته‌اند که جزو قدیسون قرار گیرند. این افراد در تجسم عینی بخشیدن به ایمان جهان‌شمول از الگوهای التزام و رهبری تحت مشیت خداوند و مقتضیات تاریخی بهره می‌برند. چنان به نظر می‌رسد که آنها توسط آهنگری به نام تاریخ برگزیده شده‌اند، در آتش سختی‌ها و دشواری ذوب شده‌اند و در کورهٔ پُر سوز و گداز کشمکش و نزاع آب‌دیده شده و سپس با چکش آن آهنگر به صورت‌های مفید و مؤثر تغییر شکل یافته‌اند.

در افرادی که از ویژگی‌های ایمان جهان‌شمول برخوردارند، خصیصه‌هایی همچون تحول‌آفرینی و ایجاد تغییر همراه با ارمغان رهایی و رستگاری، برگرفته از نوع نگرشی است که به واسطهٔ آن به جهان می‌نگرند. نگرش آنان از جنس نگرش‌های انتزاعی نیست که همچون آرمان شهری از قابلیت موجود در نیروی تخیل معنوی انسان پدید آمده باشد، بلکه آنها دیدگاه‌هایی برخاسته از رفتارهای بسیار ژرف و متحول‌شدهٔ آنان در هم‌ذات‌پنداری با افراد و شرایط است، آنجا که آینده بشریت مخدوش شده، در مقابل آن موانعی سخت ایجاد شده و یا آنکه به تباهی کشانده شده است (همان، ص ۱۹۹-۲۱۰).

۱. relevance

۴. ارزیابی و بیان نقاط قوت و ضعف دیدگاه فولر

۴-۱. نقاط قوت

به نظر بسیاری از موافقان فولر، مهم‌ترین نقطهٔ قوت فولر در این مطلب نهفته است که اولاً، وی ایمان را در قالبی ساختاری و کارکردی تعریف می‌کند و از این جهت می‌تواند به عواملی در ساخته شدن ایمان اشاره کند که در همه سنت‌های دینی، و حتی از منظر برخی اشخاص یا گروه‌های دارای ایدئولوژی‌های سکولار، مشترک است و اختصاصی به آیین خاصی ندارد. ثانیاً، با تمرکز بر سطوح مختلف عملکردهای هیجانی، اخلاقی، و شناختی، ابزاری مناسب را برای نظم‌بخشی روان‌شناختی برای تعیین اهداف آموزشی و انطباق محتوای آموزشی با سطح رشد انسان و آماده کردن کودک برای آموزش ایمان ارائه می‌دهد؛ نظریهٔ مرحله‌ای ایمان از طریق کمک به متناظرسازی قابلیت‌های هر مرحله ـ و عملکردهای ذهن و هیجان که مشخصهٔ آنهاست ـ با شیوه‌های آموزش و با نمادها، اعمال و مضامین ایمانی، نقش خود را ایفا می‌کند. در واقع مربیان، نظریهٔ رشد ایمانی را برای آماده‌سازی اشخاص برای تعلیم دادن ایمان در سطوح مرحله‌ای و سنین مختلف، راه‌گشا می‌بینند (همان).

نمونهٔ فولر برای تعمیم در جامعهٔ مسیحی و فرهنگی غربی مناسب به نظر می‌رسد: نمونهٔ فولر مجموعهٔ ۳۵۹ مصاحبه است که مشتمل بر هر دو جنس نقریباً در حد ۵۰ درصد است، پروتستان‌ها ۴۵٪، کاتولیک‌ها ۳۶/۵٪، یهودیان ۱۱/۲٪، و ارتدوکس‌ها ۳/۶٪ از مصاحبه‌شوندگان را تشکیل می‌دادند؛ ۳/۶٪ باقیمانده را نیز سایرین به خود اختصاص داده بودند.

فولر برخلاف سایر نظریه‌پردازان حوزهٔ رشد دینی، همزمان تأثیر هفت عامل تحولی را بر رشد ایمان بررسی می‌کند. این مسئله گرچه بر پیچیدگی نظریه افزوده و فهم آن را مشکل می‌کند، ولی تصویر جامع‌تری از رشد ایمان ارائه کرده که نظر بسیاری از مربیان دینی مسیحی را به خود جلب کرده و آنها در بررسی رشد ایمان مسیحی از آن استفاده کرده‌اند.

۴-۲. نقاط ضعف

نقطهٔ ضعف اساسی دیدگاه فولر از نظر بسیاری از منتقدان جدی، به تعریف وی از ایمان مربوط می‌شود. برخی به دلایل الهیاتی معتقدند: ایمان منحصر به فرد و مختص سنت دینی مسیحی یا سنت دینی خاص دیگری است. از نظر آنان ایمان کلی نبوده و جدای از مضامین و اعمال و سنت‌های خاص قابل تعریف نیست. برای نمونه، دایکسترا (دایکسترا، ۱۹۸۶ب) استدلالی دقیق مطرح می‌کند که طی آن به تفکیک ساختار ایمان از جوهره، مضمون و اعمال ایمان مسیحی اعتراض دارد و اعتراض وی نیز به این مطلب برمی‌گردد که تفکیک ساختار ایمان از جوهره و مضمون آن، سبب نادیده گرفتن نیروی ساختاربخش جوهره و مضامین یک سنت ایمانی در تکوین ایمان می‌شود (فولر و دل، ۲۰۰۶، ص ۴۴).

مفهومی که فولر از «ایمان» ارائه می‌کند و نیز مرحلهٔ پنجم مراحل رشد دینی «ایمان عطفی» دقیقاً برگرفته از آموزه‌های مسیحی و متأثر از دیدگاه متکلمان معاصر است. مفهوم ایمان در دیدگاه فولر برگرفته از اندیشهٔ تیلیخ دربارهٔ ایمان است. تیلیخ معتقد است: «ایمان به‌معنای فرجامین دلبستگی انسان است، من و شما به لحاظ وجودی به خیلی چیزها دلبستگی داریم، اما این دلبستگی‌ها چنان نیست که همه در عرض هم باشند، بلکه با هم نظام طولی می‌سازند. در این نظام طولی آنچه در رأس هرم است که آخرین دلبستگی ماست، آن متعلق ایمان است. تیلیچ و امثال او می‌گویند: اصلاً واقعیت واحدی در خارج نیست، ما به خدای بیرون کاری نداریم، بلکه هرکدام از ما خدایی داریم، دلبستگی فرجامین من خدای من است و به علاوه این خدا را هیچ‌وقت نباید در میان خدای رسمی دنبال گشت، خدایان چیزهایی از قبیل ثروت، علم، قدرت است» (ملکیان، جزوه کلام جدید، ایمان، ص ۹۱ و ۸۶). بر اساس این برداشت از ایمان، فولر ایمان را به نظام معنایی تفسیر می‌کند که بر اساس تعهد و التزام به فرجامین دلبستگی بنا می‌شود و اختصاص به ایمان مشخصاً دینی ندارد. ایمان شامل گونه‌های دینی و غیردینی است و مراحل ساخته شدن آنها یکسان است. مرحلهٔ پنجم از مراحل رشد دینی از دیدگاه فولر دقیقاً از باورهای پست مدرنیستی دربارهٔ ادیان است. فولر مرحلهٔ پنجم را این‌گونه توصیف می‌کند: در مرحلهٔ پنجم (ایمان عطفی، ۴۰ سالگی به بعد) فرد بزرگسال به تفکر دیالکتیکی دست یافته و دربارهٔ اعتبار دیدگاه‌ها و سنت‌های دینی مختلف قائل به پلورالیسم می‌شود. بزرگسال حقیقت را در این دیدگاه یا آن دیدگاه جست‌وجو نمی‌کند، بلکه نسبی تلقی می‌شود. هر دیدگاهی تا اندازه‌ای حقایق را به تور انداخته است. بزرگسال حقیقت را در پارادوکس تجربه می‌کند و آمیزه‌ای از متضادها را می‌آزماید و تفاوتی ندارد که این فرایند به شیوه‌های شخصی، طبقه اجتماعی قوی و یا به شیوه دینی انجام شود. در این مرحله، فرد دیدگاه خود را نسبی کرده و تحمل عقاید دیگران را دارد.

فولر از یک سو با استوار ساختن مراحل ایمان بر برساخت‌گرایی پیاژه‌ای، موضعی را پذیرفته که طبق آن ایمان از روند رشد تفکر منطقی پیروی می‌کند و از سویی دیگر، در جست‌وجوی صورت جامع‌تری از منطق نسبت به منطق برساخت‌گرایی پیاژه‌ای برآمده است، که وی آن منطق را «منطق یقین» یا «استدلال عقلی ایمانی» می‌نامد. با این تفکیک، وی درصدد است تا نشان دهد که ایمان تنها از رشد تفکر منطقی پیروی نمی‌کند و عناصر دیگری که صورت جامع‌تری از منطق صوری را می‌سازد، مورد نیاز است تا بتوان مبنایی را برای مطالعه رشد ایمان فراهم کند. در واقع، فولر میان مطالبهٔ تجربه‌گرایان ساختارگرا و دغدغه‌های فرااخلاقی و فراروان‌شناختی الهیات لیبرال پروتستان گرفتار شده و علی‌رغم اعتراف به اینکه مراحل ایمان ار روند منطقی رشد طبق دیدگاه پیاژه پیروی نمی‌کند و به منطقی جامع‌تر از منطق صوری نیازمند است، اما نمی‌تواند برای آن راه‌حلی پیدا کند و در نهایت مراحل رشد ایمان را بر اساس روند منطقی رشد ـ بر طبق دیدگاه پیاژه ـ تبیین می‌کند (موسلی، ۱۹۹۲، نقل از: کورنیزوک، ۱۹۹۳).

نظریهٔ فولر تصویری تک‌سویه، خطی و افزایشی از رشد ایمان ارائه می‌دهد که متضمن استمرار، ثبات نسبی و تغییر منظم ایمان در طول عمر است. این دیدگاه برای درک رشد ایمان در دورهٔ کودکی و نوجوانی و نیز انتقال به بزرگسالی از ارزش ابتکاری فراوانی برخوردار است، اما این ارزش ابتکاری در میانه بزرگسالی و اواخر آن کمتر مشهود است؛ زیرا اولاً، در نیمهٔ دوم عمر اثر سن و عوامل ارثی بر رشد انسان کاسته می‌شود و در عوض اثر عوامل فرهنگی و اجتماعی بیشتر آشکار می‌شود. ثانیاً، داده‌های تجربی با فرض‌ها و پیشگویی‌های این دیدگاه تطبیق نمی‌کند. کلدن و فیتزجرالد در آزمون نظریه فولر نشان می‌دهند که مراحل فولر با رشد سنی تطابق ندارد (کلر و جرالد، ۲۰۰۲). ثالثاً، رشد ایمان همیشه افزایشی نیست و بازگشت به مراحل پایین‌تر در بزرگسالی نیز ممکن است. رابعاً، بالاترین مرحله بر فرض تحقق تنها در مورد اقلیت بسیار کوچکی از افرادی که از آنها پرسش شده، تحقق پیدا می‌کند.

یکی از نقاط ضعف نظریهٔ فولر تمرکز افراطی وی بر تأثیر بُعد ساختاری ایمان و غفلت از تأثیر محتوای کتاب مقدس، اعمال عبادی، عبادات و نیایش‌ها بر رشد ایمان است. نیروی ساختاربخش و متحول‌کنندهٔ ایمان همان‌گونه‌که متأثر از رشد عوامل شناختی و هیجانی است از مضامین و محتوای کتاب مقدس و اعمال دینی نیز متأثر است، ارتباط با کتاب مقدس و مکان‌های مقدس و نیایش خود عامل مؤثری در رشد ساختاری ایمان است و پژوهش تجربی انجام شده توسط کلر و فیتزجرالد نیز این مطلب را اثبات می‌کند (همان).

برخی محققان معتقدند: نظریهٔ فولر به فرهنگ‌های تحول یافته و غربی تخصص دارد و در فرهنگ‌هایی که به درونی‌سازی روی نیاورده‌اند، رخ نمی‌دهد. به نظر آنها، این مسئله چالشی جدی در برابر ادعای جهان‌شمول بودن نظریهٔ فولر است؛ چالشی که خود فولر را چنان به فکر فرو برد که دیگر مدعی ویژگی جهان‌شمول بودن نظریه‌اش نشد (همان).

سوگیری در تعیین مراحل در دیدگاه فولر آشکار است. فولر در توضیح مرحلهٔ ششم اشاره می‌کند که مرحلهٔ ششم ایمان، بخش تجویزی و غیرتحربی نظریه وی است که از آغاز در نظر داشته و مراحل قبلی را ـ به‌منزلهٔ گام‌های متوالی ـ جهت رسیدن به آن لحاظ کرده است. به عبارت دیگر، وی یک پایان ایدئال و آرمانی و غیرتجربی را برای ایمان از ابتدا در نظر داشته و مراحل قبلی را چنان نظم بخشیده که در نهایت، به آن مرحلهٔ ایدئال رسیده است. اگر فولر مدل پلکانی رشد ایمان را که منتهی به حالت ایدئال رشد ایمان می‌شود، پیش‌فرض نمی‌گرفت و به جای آن مدل درختچه‌ای رشد ایمان را پیش‌فرض می‌گرفت، احتمالاً به نتایج دیگری دست پیدا می‌کرد. ویژگی مدل درختچه‌ای این است که در پایان، یک نقطهٔ مطلوب و آرمانی نداریم و ممکن است نقطه‌های متعدد پایانی را در نظر بگیریم که یکی بر دیگری ترجیح ندارد.

۵. نتیجه‌گیری

در بیـن نظریه‌هـای رشـد ایمان، نظریهٔ فولر بیش از سـایر نظریه‌هـا مورد توجه قـرار گرفته و تأثیر قابل‌توجهی بر جریان‌های پس از خود داشـته اسـت. علاوه‌براین، برخی از محققان تلاش کرده‌اند تا بـا نقـد دیدگاه فولر، نظریه‌های جایگزین نظریهٔ وی ـ که دارای نقطه ضعف‌های کمتری نسـبت به نظریهٔ فولر است ـ ارائه کنند. چارچوب نظری که فولر برای مراحل ساخته شدن ایمان در طول زندگی فراهم آورده به طور قطع در هیچ نظریهٔ دیگری دیده نمی‌شود. در این چارچوب اولاً، ایمان از منظری هستی‌شناسـانه و از زوایـای مختلـف مطالعه و در نتیجه، تصویری نسـبتاً جامع از ایمان ارائه شـده است. ثانیاً رابطهٔ ایمان و نظریه‌های روان‌شناسی رشد ایمان و اینکه چگونه می‌توان از این نظریه‌ها برای مطالعهٔ رشـد ایمان اسـتفاده کرد، تبیین شده است. ثالثاً به طور همزمان تأثیر هفت عامل مؤثر بر شـکل‌گیری ایمان مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در نهایت، تصویری از سـاخته شدن ایمان بر مبنای چارچوب فراهم شـده، ارائه می‌شـود که تا قبل از آن سـابقه نداشـته و به طور یقین برای کسانی که کانـون تمرکـز آنها در تبیین رشـد ایمان تنهـا بر تحول در بُعد محتوایی آن اسـتوار اسـت، جذاب و از ارزش ابتکاری فراوان برخوردار است. در عین حال، ارائه تصویری تک‌سویه، خطی و افزایشی از رشد ایمان، تمرکز افراطی وی بر تأثیر بُعد سـاختاری ایمان و غفلت از تأثیر محتوای کتاب مقدس، اعمال عبادی، عبادات و نیایش‌ها بر رشـد ایمان و اختصاص برخـی مراحل به فرهنگ‌های تحول یافته و غربی از نقاط ضعف نظریه محسوب می‌شود.

منابع

حیدری، مجتبی (۱۳۹۵)، بررسـی تجربی ایمان به خدا در گسترهٔ سنی ۷ تا ۱۷ سالگی، رساله دکتری، قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۴)، تفسیر المیزان، قم: اسماعیلیان.

ملکیان، مصطفی، جزوه کلام جدید منتشر نشده، ایمان، ص ۹۱ و ۸۶.

نـوذری، محمود (۱۳۸۹)، بررسـی تحول ایمان بـه خدا در دوره کودکی، نوجوانـی و آغاز جوانی: رویکردی روان شناختی- دینی، پایان‌نامه دکتری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

Clore, V, & Fitzgerald, J, (2002), An Alternative view of faith Development, Journal of adult Development, V. 9, No. 2, p97-107

Dykstra, C, (1986a), What is faith? An experiment in the hypothetical mode, In C. Dykstra & S. D. Parks (Eds), Faith development and Fowler (p. 45-64). Birmingham, AL: Religious Education Press.

Dykstra, C, (1986b), Faith development and religious education. In C. Dykstra & S. D. Parks

(Eds), Faith development and Fowler (p. 251–271). Birmingham, AL: Religious Education Press.

Flower, James W, & Dell, M. L, (2006), Stages of Faith from Infancy through Adolescence: Reflections on Three Decades of Faith Development Theory, Thousand Oaks, CA, US: Sage Publications.

Fowler, James W, (1981), Stages of faith: The psychology of human development and the quest for meaning, San Francisco: Harper & Row.

Moseley, R. M, (1992), Forms of logic in faith development theory, In J. Astley & L. J. Francis (Eds.), Christian perspective on faith development: A reader (p. 163–172). Grand Rapids, MI: William B. Eerdmans.

Selman, R. L, (1974), The developmental conceptions of interpersonal relations, Boston: Harvard–Judge Baker Social Reasoning Project.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال سوم، شماره دوم، پیاپی۸، پاییز و زمستان۱۳۹۶، ص۱۰۱-۸۵

بررسی نقش تربیت اسلامی در تأمین سلامت اجتماعی در دورهٔ تأدیب

Investigating the Role of Islamic Education in Providing Social Health in the Disciplinary Period

✍**زهره اولیائی**/ کارشناس ارشد تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه دولتی پیام نور اراک، معلّم آموزش و پرورش اصفهان
حمید رضایی / کارشناس ارشد روانشناسی اسلامی مثبت گرا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری. h.aali1394@gmail.com

Zohre Owliyaie / MA of Islamic Education and Training, State University of Payam Noor, Arak
Hamid Rezaei / MA of Islamic (Positivism) Psychology, Sari Islamic Azad University

چکیده

پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی به بررسی نقش اصول و روش‌های تربیت اسلامی در تأمین سلامت اجتماعی، در دورهٔ تأدیب می‌پردازد. جامعهٔ آماری، منابع مرتبط با موضوع تحقیق است که به روش نمونه‌گیری هدفمند انجام شده است. در بخش توصیفی، اطلاعات به شیوهٔ کتابخانه‌ای جمع‌آوری و تجزیه‌وتحلیل به صورت کیفی و یادداشت‌برداری صورت گرفت. برای دستیابی به پاسخ پرسش‌های پژوهش، ضمن مطالعهٔ پیشینه، منابع مرتبط با موضوع تربیت اسلامی و سلامت اجتماعی مطالعه گردید. یافته‌های پژوهش حاکی از این بود که رویکرد سلامت اجتماعی در دورهٔ تأدیب، شامل مقوله‌های مشارکت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، پذیرش اجتماعی و شکوفایی اجتماعی، عدم خشونت، عدم سرقت و دزدی، رعایت حقوق افراد، رضایت از زندگی و امنیت اجتماعی است. اصل تربیتی عزت، موجب مشارکت اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و عدم سرقت؛ اصل فضل، سبب مشارکت

Abstract

This paper analyzes the role of principles and methods of Islamic education in providing social health during the disciplinary period through a descriptive-analytical method. The statistical society is related to the subject matter of the research, which has been done through targeted sampling. In the descriptive section, the information was collected in an analytical method from library resources and recorded in a notebook. In order to answer the research questions, while studying the background sources, the resources related to Islamic education and social health were studied. Findings of the research indicate that the social health approach in the disciplinary period includes social participation, social solidarity, social acceptance and social flourishing, nonviolence, no robbery and theft, respect for the rights of others, life satisfaction and social security. The educational principle of self-esteem leads to social participation, social acceptance, social flourishing and no robbery. The principle of superiority causes social participation. The principle of justice

brings about social prosperity, social security and non-violence. The principle of apparent change leads to social acceptance and social security, and the principle of responsibility leads to social acceptance, no robbery and social security.

Key words: educational principles, Islamic education, social health, approaches, disciplinary period.

اجتماعی؛ اصل عدل، باعث شکوفایی اجتماعی، امنیت اجتماعی و عدم خشونت؛ اصل تغییر ظاهر، موجب پذیرش اجتماعی و امنیت اجتماعی، و اصل مسئولیت سبب پذیرش اجتماعی، عدم سرقت و امنیت اجتماعی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: اصول تربیتی، تربیت اسلامی، سلامت اجتماعی، رویکردها، دورهٔ تأدیب.

مقدمه

مفهوم «سلامت اجتماعی»[۱]، به‌عنوان یکی از معیارهای توسعه پایدار، ازجمله مفاهیمی است که امروزه در مباحث مربوط به حوزهٔ سلامت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و دایره شمول موضوعات آن هر روز فراگیرتر می‌شود (ذکریایی و باقری بنجار، ۱۳۹۵، ص۶). سلامت اجتماعی، به‌عنوان تلقی افراد از کیفیت رابطه‌شان با دیگران، همنوعان و اجتماع اطراف تعریف و از شاخص‌های کیفیت زندگی محسوب می‌شود (همان، ص۷) و به چگونگی عملکرد فرد در جامعه مربوط می‌گردد (رضائی و مظلوم خراسانی، ۱۳۹۲، ص۳). گاه یک ویژگی فردی و بخشی از سلامت فرد و گاه در مفهوم تعیین‌کننده‌های اجتماعی سلامت و زمانی نیز ویژگی جامعه و مترادف با جامعه سالم به‌شمار می‌آید. هر جامعه‌ای با توجه به شرایط موجود، تعریف متفاوتی از سلامت اجتماعی دارد و ویژگی‌هایی را برای آن برمی‌شمارد. عوامل متعددی بر سلامت اجتماعی نقش تعیین‌کننده دارند. دین به‌عنوان یک نظام معنایی بر تمایلات شخصی و ترجیحات افراد تأثیر دارد. ازاین‌رو، سلامت اجتماعی و تجربهٔ آن نیز از باورهای دینی افراد تأثیر می‌پذیرد (واعظی و طالبی، ۱۳۹۲، ص۴). سلامت اجتماعی، به‌عنوان یکی از ابعاد سلامتی انسان نقش مهمی در تعادل زندگی اجتماعی هر فرد ایفا می‌کند و پوشش فراگیر آن در سطح جامعه می‌تواند موجب توسعهٔ اجتماعی شود (صادقی و سام‌آرا، ۱۳۹۳، ص ۲). کنت نول معتقد است: سلامت دو بُعد توانایی‌های جسمانی و توانایی‌های اجتماعی را دربر می‌گیرد و از نظر هاوس نیز حمایت اجتماعی به سه بُعد حمایت ابزاری، عاطفی و اطلاعاتی تقسیم می‌شود که حمایت عاطفی، شامل عشق و محبت و همدلی است و حمایت اطلاعاتی، یعنی انتقال اطلاعات یا راهکارها برای سازگاری و مقابله با مسائل و مشکلاتی که فرد با آن مواجه شده است؛ حمایت ابزاری، اشاره به انواع کمک‌ها و مساعدت‌های محسوس دارد مثل وام دادن یا قرض گرفتن از کسی (کنت نول، ۱۹۹۸، نقل از: صادقی و سام‌آرا، ۱۳۹۳، ص۲). همهٔ این ابعاد در سلامت اجتماعی نقش دارند. سلامت اجتماعی، بازتاب شرایط جامعه است و از عوامل اجتماعی متعدی ریشه می‌گیرد و در سطح فردی و خانواده و هم در سطوح اجتماعی اثرات مختلفی

۱. Social well-being

بر جای می‌گذارد (شیری محمدآباد، افشانی و افراسیابی، ۱۳۹۴، ص۶). رویکرد سلامت اجتماعی به‌عنوان بخشی از سلامت فرد، دربردارندهٔ مقوله‌های مشارکت اجتماعی[۱]، همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی[۲] و شکوفایی اجتماعی[۳] و در رویکرد تعیین‌کننده‌های اجتماعی سلامت دربردارندهٔ عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی ـ درمانی؛ و در رویکرد سلامت اجتماعی به‌مثابهٔ جامعه سالم، نشانگرهای جامعه سالم شامل: نبود اعتیاد، نبود طلاق، نبود فقر و نابرابری اقتصادی، نبود خودکشی، نبود فساد و فحشا، نبود خشونت، نبود سرقت و دزدی، رعایت حقوق افراد، رضایت از زندگی و امنیت اجتماعی است (واعظی و طالبی، ۱۳۹۲، ص ۱۲). منظور از سلامت اجتماعی در این پژوهش، کیفیت رابطهٔ متربیان با دیگران، همنوعان، خانواده و اجتماع اطراف آنان است.

همچنین، دربارهٔ دورهٔ تأدیب باید گفت: دورهٔ طفولیت، بیرون از متن اصلی تربیت و به‌منزلهٔ دورهٔ تمهید برای ورود در آن قرار می‌گیرد. از طرفی، دامنه و حد مراحل تربیت، گسترهٔ زندگی فرد را دربر می‌گیرد و چنان نیست که پایان مرحله‌ای از زندگی، پایان امر تربیت باشد (باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۴۰). مرحلهٔ تمهید به دو زیرمرحلهٔ تمهید و تأدیب تقسیم می‌شود. دورهٔ تأدیب از هفت سالگی آغاز می‌گردد و تا بلوغ شرعی ادامه دارد. کودک از حدود هفت سالگی تکلیف‌پذیر (تکلیف تأدیبی و تربیتی) می‌شود. منظور از تأدیب آن است که کودک را با ادب (و آداب) اسلامی ملازم و او را نسبت به رعایت آنها مکلف کنیم. منظور از ادب و آداب در این زیرمرحله، ادب و آداب ظاهری و رفتاری است و آنچه به‌عنوان آداب باطنی در باب اَعمال مطرح می‌شود، در اینجا مورد نظر نیست. در این زیرمرحله می‌کوشیم کودک را به رعایت ظواهر آداب اسلامی، ملزم و وی را با آنها ملازم کنیم (همان، ص ۲۵۶). امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «مَن کُلِّفَ بِالاَدَب قلّت مَساویهِ» (خوانساری، ۱۳۶۶، ص ۶۴۵)؛ آن کس که مکلف به ادب شود، بدی‌هایش اندک می‌شود. منظور از تکلیف کردن، آن نیست که به انگیزه‌ها و علایق کودک توجه نشود. منظور آن است که کودک باید خود را در برابر تکلیف احساس کند و بداند که اگر تن به تکلیف ندهد، با الزام‌هایی روبرو خواهد شد. همین ویژگی تکلیف، سازنده است و کودک را به انجام اعمالی معین موفق می‌کند و حاصل آن، مصون ماندن از پاره‌ای لغزش‌ها در حال یا آینده است. کودکی که دربارهٔ راست گفتن، دزدی نکردن، ادای امانت دیگران، بدگویی نکردن از دیگران، نمازگزاردن و سایر آداب، مورد تکلیف قرار می‌گیرد و عاداتی کسب می‌کند، از آسیب‌هایی جدی در حال یا آینده مصون شده است. برای کودکان، واجبات چون مستحبات خواهد بود و محرمات چون مکروهات. پس می‌توان گفت: احکام تکلیفی دربارهٔ کودکان، منحصر در سه قسم است: مستحبات (شامل واجبات و مستحبات)، مکروهات (شامل محرمات و مکروهات) و مباحات. پس طهارت، نماز، روزه، حج، ادای امانت و... با همه واجبات و مستحبات آنها برای کودک مستحب است و دروغگویی، دزدی، روزه،

۱. Ssocial contribution
۲. Social acceptance
۳. Social actualization

عاشـورا و نظایـر آن، با همه محرمات و مکروهـات آنها برای کودک مکروه اسـت. در این زیرمرحله، بر حسب اقتضای آن، باید اصول و روش‌های ویژه‌ای را در تدابیر تربیتی به کار بست (همان، ص ۲۵۶-۲۵۷). در این پژوهش، منظور از دورهٔ تأدیب، تربیت از هفت تا نه سالگی برای دختران و هفت تا پانزده سـالگی برای پسـران (هفت سـالگی تا بلوغ شرعی) است. این دوره از لحاظ رشـد اجتماعی و سازگاری متربی در آینده آنچنان دارای اهمیت است که باید آن را دورهٔ اصلاح و تصحیح رفتار اجتماعی آنها نام نهاد (پارسـا، ۱۳۷۵، ص ۲۰۶). مهارت‌های اجتماعی که سنگ بنای ارتباطات اجتماعی است باید در این دوره آموخته شوند و نحوهٔ ارتباط اولیاء و مربیان با متربی نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار اجتماعی وی دارد (لطف‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۹-۱۵۰). همچنین، سلامت اجتماعی با جامعه‌پذیری متربی در ارتباط اسـت و می‌تواند عامل مهمی در پذیرش هنجارهای اجتماعی به‌شـمار رود و نقش بسـزایی در کاهش قانون‌گریزی و ناهنجاری‌های اجتماعی داشته باشد (زکی و خشوعی، ۱۳۹۲، ص ۳).

در تاریخ زندگانی بشـر، نیاز انسـان به تعلیم و تربیت هیچ‌گاه دچار وقفه یا رکود نشده است، بلکه با افزایش سطح آگاهی، دانش و معرفت انسان بر پیچیدگی شاخه‌های آن افزوده شده و آن‌گونه که امروز شـاهد آن هسـتیم، شـاخه‌هایی مانند تربیت بدنی، تربیت فنی و حرفه‌ای، تربیت اجتماعی، تربیت اخلاقی، تربیت جنسی و تربیت دینی به بدنهٔ آموزش رسمی القا شده است (خدمتیان و مزیدی، ۱۳۹۶، ص ۱۶۲). تعلیـم و تربیـت با سـلامت جامعه ارتبـاط دارد و بی‌توجهی معلم و مربی بـه آثار و عوارض اقدامات آموزشـی و تربیتی و عدم تدبیر در مورد کاری که انجام می‌گیرد و شیوه‌ای که اتخاذ می‌گردد، ندامـت معلم و مشـکلات روانی، تربیتی و اجتماعـی متعلم را به دنبال دارد. مربی می‌تواند با بررسـی اقـدام خویش در ارتباط بـا متربی و ارزیابی نتایج آن، از بروز مشـکلات روانی اجتماعی و انحراف‌های تربیتی ناشـی از اقدام نابجا، پیشـگیری نماید و در شیوه و اقدام تربیتی خود تغییر دهد و یا آن را کامل سازد و زمینهٔ رسیدن متربی به نتایج بهتر را فراهم نماید (اعرافی، ۱۳۷۹، ص ۳۲۴). منظور از تربیت در اینجا، تربیت اسلامی است و تربیت اسلامی، بی‌شک یکی از اساسی‌ترین بخش‌های معارف اسلامی است و اصول و روش‌های تربیتی آن از متون اسلامی، یعنی آیات قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم ﷺ و ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام گرفته شده است (باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۰-۱۱). ازاین‌رو، با توجه به مطالب فوق، هدف این پژوهش آن اسـت که به بررسـی نقش تربیت اسـلامی در تأمین سـلامت اجتماعی در دورهٔ تأدیب پرداخته شود. عوامل متعددی مانند سن، پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی خانواده، امکانات و خدمـات رفاهی محیط زیسـت فـرد، تحصیلات، شـکوفایی اجتماعی، مشـارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعـی، پذیـرش اجتماعی، تعهد اجتماعی، مسـئولیت‌پذیری اجتماعی و دیگـر عوامل، در تأمین سلامت اجتماعی نقش دارند که تعلیم و تربیت یکی از این عوامل محسوب می‌شود.

تحقیقاتی در زمینهٔ «سـلامت اجتماعی» انجام گرفته اسـت که از جملهٔ آن می‌توان به موارد ذیل اشـاره کرد: رضائی و مظلوم خراسانی (۱۳۹۲)، احساس امنیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و حمایت

اجتماعی؛ شیری و همکاران (۱۳۹۴) سرمایه اجتماعی، بیگانگی اجتماعی و پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی را در میزان سلامت اجتماعی مؤثر می‌دانند. صادقی و سام‌آرا (۱۳۹۳)، بیان می‌کنند حمایت اجتماعی (حمایت عاطفی، اطلاعاتی، ابزاری) و پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی و میزان تحصیلات بر میزان سلامت اجتماعی تأثیر می‌گذارد. ذکریایی و باقری بنجار (۱۳۹۵) و کاشی‌لو و سالارزاده (۱۳۸۹)، جایگاه افراد در فضای اجتماعی را (بر اساس سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی) موجب ارتقای سلامت اجتماعی آنان می‌دانند. امینی و موسوی (۱۳۸۹)، در نتایج تحقیق خود بیان می‌کند متغیرهای فقر، رشد طبیعی جمعیت، خشونت، میزان باسوادی، میزان بیکاری و پوشش بیمه به‌عنوان بیانگرهای سلامت اجتماعی می‌تواند بر سرمایهٔ اجتماعی تأثیر مثبت یا منفی داشته باشد.

خانواده، رسانه‌ها، اجتماع، مذهب و نوع ارتباطات اجتماعی متربیان در سلامت اجتماعی آنها نقش دارند. در تحقیقات گذشته، ململی درهی و نبوی (۱۳۹۴) و سنگری و قاضی‌نژاد (۱۳۹۳)، بیان می‌کنند که متغیرهای سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، میزان دینداری، رضایت از زندگی، پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی، مصرف رسانه‌ای، و همچنین توانمندی‌های اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی و نوع منزل مسکونی می‌توانند موجب به خطر انداختن و یا تأمین سلامت اجتماعی شوند. حاتمی، سام‌آرا و شریفیان (۱۳۸۹) و قهرمانی و ارفعی (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود بیان می‌کنند که سلامت اجتماعی دانشجویان به‌عنوان سازه‌ای اجتماعی از کمیت و کیفیت حضور و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی تأثیر می‌پذیرد؛ و با افزایش شبکه‌های مجازی، سطح سلامت اجتماعی کاهش می‌یابد. نادری و اعظم‌آزاده (۱۳۹۳) معتقدند: سلامت اجتماعی بیشترین تأثیر را بر روی متغیر شادی دارد.

پژوهش‌هایی در زمینهٔ اصول تربیت اسلامی نیز صورت گرفته، ولی در هیچ‌یک به موضوع سلامت اجتماعی پرداخته نشده است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان، عزیزان و دلشاد تهرانی (۱۳۹۰)، بنی‌علی و رضوی (۱۳۹۰)، بزم‌آرا و احتشامی‌نیا (۱۳۹۵)، آشور ماهانی و دیانی (۱۳۹۲)، رحمانی و کلانتری (۱۳۹۴)، پیرنیا و الهی‌دوست (۱۳۹۲)، را نام برد. بنابراین، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که نقش تربیت اسلامی در تأمین سلامت اجتماعی در دورهٔ تأدیب چیست؟

روش پژوهش

این پژوهش، از نوع توصیفی ـ تحلیلی است. جامعهٔ تحقیق تمامی کتب و منابع مرتبط با موضوع تحقیق بوده و روش نمونه‌گیری از بین منابع مرتبط، به صورت هدفمند انجام شده است. در بخش توصیفی، اطلاعات به شیوهٔ کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده، سپس تجزیه‌وتحلیل به صورت کیفی و یادداشت‌برداری مطالب صورت گرفته است.

برای دستیابی به پاسخ پرسش‌های پژوهش، ضمن مطالعهٔ پیشینه، به بررسی کتاب‌هایی که در ارتباط با عناصر موضوع حاضر تألیف شده بود، پرداخته شد. سپس منابع و متونی که در پیوند

با موضوع تربیت اسلامی و سلامت اجتماعی بود، مطالعه شد. مبنای کار در این پژوهش، گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است که از طریق فیش‌برداری، صورت گرفته است؛ پس از آن با تکیه بر سؤال پژوهش، اصول و روش‌های تربیت اسلامی ویژهٔ دورهٔ تأدیب استخراج و با توجه به رویکردهای سلامت اجتماعی بررسی و تحلیل شدند و نتایج به صورت توصیف بیان گردید.

با توجه به بهره‌گیری از روش توصیفی ـ تحلیلی در این پژوهش، به‌منظور یافتن راهکارهایی جهت تأمین و حفظ سلامت اجتماعی در دورهٔ تأدیب، مجموعه کتب تألیفی مرتبط با موضوع پژوهش، ابزار اصلی پژوهش است.

یافته‌های پژوهش

کانت بیان می‌کند: «بر خلاف آنچه عامهٔ مردم تصور می‌کنند، تعلیم و تربیت بزرگترین و دشوارترین مسائل مبتلی به انسان است» (کانت، ۱۳۶۳، ص ۷). تربیت، وابستگی اجتماعی است و با جامعه رابطه دارد (شکوهی، ۱۳۹۳، ص ۹۰-۹۱) و نقش مهمی در سلامت جامعه ایفا می‌کند. با تحلیل داده‌ها و با توجه به رویکردهای سلامت اجتماعی (کییز[1]، ۱۹۹۸؛ واعظی و طالبی، ۱۳۹۲، ص ۱۲؛ حکیمی‌نیا و پورافکاری، ۱۳۹۰، ص ۳) به‌طورکلی و نیز با در نظر گرفتن ویژگی‌های دورهٔ تأدیب و رفتار اجتماعی مورد انتظار در این دوره (پارسا، ۱۳۷۵، ص ۲۰۶-۲۰۷؛ لطف‌آبادای، ۱۳۸۶، ص ۱۴۸-۱۵۰)، رویکردهای سلامت اجتماعی در این دوره به شرح جدول ۱ استنباط می‌شود.

جدول ۱. رویکردهای سلامت اجتماعی در دورهٔ تربیتی تأدیب

	ردیف	رویکردهای سلامت اجتماعی	منابع
دورهٔ تربیتی تأدیب (هفت سالگی تا بلوغ شرعی)	۱	مشارکت اجتماعی	حکیمی‌نیا و پورافکاری، ۱۳۹۰، ص ۳؛ واعظی و طالبی، ۱۳۹۲، ص ۱۲؛ کییز، ۱۹۹۸
	۲	همبستگی اجتماعی	حکیمی‌نیا و پورافکاری، ۱۳۹۰، ص ۳؛ واعظی و طالبی، ۱۳۹۲، ص ۱۲
	۳	پذیرش اجتماعی	حکیمی‌نیا و پورافکاری، ۱۳۹۰، ص ۳؛ واعظی و طالبی، ۱۳۹۲، ص ۱۲؛ کییز، ۱۹۹۸
	۴	شکوفایی اجتماعی	حکیمی‌نیا و پورافکاری، ۱۳۹۰، ص ۳؛ واعظی و طالبی، ۱۳۹۲، ص ۱۲؛ کییز، ۱۹۹۸
	۵	عدم خشونت	واعظی و طالبی، ۱۳۹۲، ص ۱۲
	۶	عدم سرقت و دزدی	واعظی و طالبی، ۱۳۹۲، ص ۱۲
	۷	رعایت حقوق افراد	واعظی و طالبی، ۱۳۹۲، ص ۱۲
	۸	رضایت از زندگی	واعظی و طالبی، ۱۳۹۲، ص ۱۲
	۹	امنیت اجتماعی	واعظی و طالبی، ۱۳۹۲، ص ۱۲

۱. Keyes

طبق نظر کییز:

مشارکت اجتماعی: بیانگر ارزیابی فرد از ارزش اجتماعی خود است؛

پذیرش اجتماعی: بیانگر درک فرد از خصوصیات و صفات افراد جامعه به‌عنوان یک کلیت و پذیرش آنها با همهٔ نقص‌ها و جنبه‌های مثبت و منفی‌شان است؛

شکوفایی اجتماعی: بیانگر ارزیابی فرد از مسیر حرکت جامعه و پتانسیل‌های آن است؛ یعنی باور به اینکه فرد به کمک توان بالقوه‌اش سرنوشت خویش را در دست دارد (کییز، ۱۹۹۸، ص ۳۲).

بنابراین، با توجه به جدول ۱، این مطلب دریافت می‌شود که در این دوره (تأدیب) از متربی انتظار می‌رود با عزت‌نفس و حس ارزشمندی و نیز باور داشتن توانایی‌های خود، جهت ساختن آینده‌ای مطلوب تلاش کند و در ارتباطات اجتماعی خود، بدون توجه به پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی و جنبه‌های مثبت و منفی دوستان و هم‌نوعان خود و ضمن رعایت حقوق فردی‌شان، آنها را بپذیرد و از ارتکاب خشونت و دزدی در مورد آنها و سلب امنیت‌شان بپرهیزد و با یادگیری مهارت‌های ارتباطی و رفتار مطلوب، به کسب محبوبیت و مقبولیت اجتماعی در بین دوستان و هم‌نوعان خود بپردازد.

حال این سؤال مطرح می‌شود که اصول و روش‌های تربیت اسلامی چه تأثیری بر رویکردهای سلامت اجتماعی دارد؟ ازاین‌رو، در ادامه به این موضوع خواهیم پرداخت.

با تحلیل محتوای مطالب مربوط به اصول و روش‌های تربیت اسلامی در اسناد مورد بررسی، به‌منظور تسهیل در دسترسی به حجم گسترده داده‌ها، یافته‌ها به اختصار در قالب جداولی به شرح ذیل بیان گردید.

اصول و روش‌های تربیت اسلامی در دورهٔ تأدیب (هفت سالگی تا بلوغ شرعی) و آثار آن بر سلامت اجتماعی

مباحث اصلی تربیت به زیرشاخه‌های مبانی، اصول، روش‌ها، مراحل، موانع و ساحت‌های تربیتی تقسیم می‌شود (ابدال و روحی، ۱۳۹۵، ص۶). مبانی تعلیم و تربیت از موقعیت آدمی و امکانات و محدودیت‌هایش و نیز از ضرورت‌هایی که حیاتش همواره تحت تأثیر آنهاست، بحث می‌کند (شکوهی، ۱۳۹۳، ص ۶۳). در این میان، بحث از اصول تربیتی، به لحاظ حلقه واسط بودن اصول، میان مبانی و روش و اهداف و کاربردی بودن آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (ابدال و روحی، ۱۳۹۵، ص۶). اصل، تعینی و کشفی است نه تعیینی و وضعی؛ یعنی نمی‌توان با تکیه بر ذهن خود و یا حتی رایزنی با دیگران، چیزی را اصل نهاد و آن را ملاک رفتار تربیتی شمارد؛ زیرا اصل مقوله‌ای عینی و غیراعتباری و فراذهنی است که تن به خیال و مرام کسان نمی‌دهد (رفیعی و اعرافی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۳۰). هوشیار، مقام اصول را در فرایند تربیت و موقع دقیق آن را در موقعیت‌های تربیتی این‌گونه مشخص می‌کند: «تعلیم و تربیت، فعل و انفعالی است میان مربی و متربی که متوجه

به اصلی، و نیز هدفی، و مستلزم طرح و نقشه‌ای باشد»؛ یعنی باید اصول این فعل و انفعال‌ها نیز بی‌شک متوجه و مربوط به منظور و هدف معینی باشد (شکوهی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۱).

همچنین، اصول بیان شده در این بحث بر مبانی تکیه دارند و آنچه به‌منزلهٔ مبانی تربیت در نظر گرفته شده است، ویژگی‌های عمومی انسان است. روش‌ها نیز بر اصول مبتنی هستند. هر اصل تربیتی، به‌منزلهٔ معیار یا قاعده کلی است که با در دست داشتن آن می‌توان در مواجهه با شرایط تازه‌تر و پیچیده‌تر، با نظر به اقتضای معیار مذکور، به ابداع روش‌های تربیتی مناسب اقدام کرد (باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۸۸-۸۹).

با توجه به اسناد مربوط به تربیت اسلامی، مبانی، اصول و روش‌های تربیت اسلامی در دورهٔ تأدیب به شرح جدول ۲ ارائه و در ادامه آثار تربیتی آنها بر رویکردهای سلامت اجتماعی تحلیل و بررسی می‌گردد. این اصول و مبانی در مراحل بالاتر تربیت اسلامی نیز در کنار اصول و مبانی مربوط به هر مرحله کاربرد دارند.

جدول ۲. مبانی، اصول و روش‌های تربیت در دورهٔ تأدیب

مبانی تربیت در دورهٔ تأدیب	ردیف	اصول تربیت در دورهٔ تأدیب	ردیف	روش‌های تربیت در دورهٔ تأدیب	منابع
مبنای تأثیر ظاهر بر باطن	۱	اصل تغییر ظاهر	۱	تلقین به نفس	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۹۳؛ حاجی‌بابائیان امیری، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳
مبنای تأثیر شرایط بر انسان	۲	اصل اصلاح شرایط	۲	زمینه‌سازی	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۳۵
			۳	تغییر موقعیت	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۳۹
			۴	اُسوه‌سازی	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۴۳؛ سعدی، ۱۳۷۸، ص ۳۵؛ استعلامی، ۱۳۶۹، دفتر چهارم، ابیات ۲۶۶۷-۲۶۵۷
مبنای مقاومت و تأثیرگذاری بر شرایط	۳	اصل مسئولیت	۵	مواجهه با نتایج اعمال	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۵۱
مبنای جذبهٔ حُسن و احسان	۴	اصل آراستگی	۶	آراستن ظاهر	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۶۰؛ فیض‌کاشانی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۵۹۱-۷۳۰؛ همو، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۳۶-۲۸۰
			۷	تزیین کلام	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۶۱
	۵	اصل فضل	۸	مبالغه در عفو	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۶۵
			۹	توبه	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۶۶
			۱۰	تبشیر	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۶۹؛ ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق، ص ۳۶؛ سعدی، ۱۳۷۹، باب هشتم، ص ۱۷۳؛ طوسی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶ و ۲۲۳
			۱۱	مبالغه در پاداش	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۷۱

مبنای کرامت	۶	اصل عزت	۱۲	ابراز توانایی	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۹۴؛ فیض‌کاشانی، نقل از: بنی‌علی، ۱۳۹۰؛ استعلامی، ۱۳۶۹، دفتر اول، ابیات ۱۹۷۶–۱۹۷۹؛ غزالی، ۱۹۹۴، ص ۶۷
			۱۳	تغافل	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۹۷؛ فیض‌کاشانی، نقل از: بنی‌علی، ۱۳۹۰
مبنای آشنایی و بیگانگی و با خدا	۷	اصل تذکر	۱۴	موعظهٔ حسنه	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۱۴؛ فیض‌کاشانی، نقل از: بنی‌علی، ۱۳۹۰؛ بزم‌آرا، ۱۳۹۵؛ استعلامی، ۱۳۶۹، دفترسوم، ابیات ۱۴۷۲–۱۴۷۴؛ سعدی، ۱۳۷۸، باب یکم، ص ۶۴
مبنای دلبستگی، آزمندی و شتاب	۸	اصل ابراز یا منع محبت	۱۵	بیان مهر و قهر	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۳۰؛ استعلامی، ۱۳۶۹، دفتردوم، ابیات ۱۵۳۳–۱۵۳۶؛ مسکویه رازی، ۱۳۶۵، ص ۱۷۰؛ طوسی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹، ۲۵۸ و ۲۶۹؛ سعدی، ۱۳۷۸، باب یکم، ص ۷۸ و ۱۲۲
			۱۶	عطا و حرمان	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۳۴
مبنای ظهور تدریجی شاکله	۹	اصل مداومت و محافظت بر عمل	۱۷	فریضه‌سازی	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۲۷
مبنای تطور وسع آدمی	۱۰	اصل عدل	۱۸	تکلیف به قدر وسع	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۳۷؛ فیض‌کاشانی، نقل از: بنی‌علی، ۱۳۹۰؛ لقمان حکیم، نقل از بزم‌آرا، ۱۳۹۵
			۱۹	انذار	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۸۷؛ فیض‌کاشانی، نقل از: بنی‌علی، ۱۳۹۰
			۲۰	مجازات به قدر خطا	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۸۹؛ فیض‌کاشانی، نقل از: بنی‌علی، ۱۳۹۰
مبنای ضعف	۱۱	اصل مسامحت	۲۱	مرحله‌ای نمودن تکالیف	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۲۳؛ استعلامی، ۱۳۶۹، دفتر سوم، بیت ۱۲۹۸
			۲۲	تجدیدنظر در تکالیف	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۲۵

جدول ۲، بیانگر این است که اصول و روش‌های ذکر شده توسط دانشمندان مسلمان، متأثر از آیات قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام است؛ و به خاطر کثرت آیات و روایات از بیان آنها در جدول صرف‌نظر شده است.

اثرات تربیتی اصول تغییر ظاهر و اصلاح شرایط، مسؤلیت و آراستگی بر رویکردهای سلامت اجتماعی

بر اساس اصل تغییر ظاهر، باید ظواهر کودک را به سمت گفتارها و رفتارهای مطلوب سوق داد (باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۵۱) و طبق اصل اصلاح شرایط باید به جای تمرکز بر خود کودک و

رفتارهای او، نظر را به پیرامون او معطوف ساخت و روابط او را با محیط و عوامل محیطی تغییر داد (همان، ص ۱۴۰).

همچنین، اصل آراستگی ناظر به جذبهٔ حُسن و اصل فضل ناظر به جذبهٔ احسان است. اصل آراستگی، بیانگر آن است که در جریان تربیت، باید صورت آنچه را عرضه می‌شود، نیک آراست تا رغبت‌ها نیز برانگیخته شود (همان، ص ۱۶۰). جدول ۳، اثرات تربیتی اصول تغییر ظاهر، اصلاح شرایط، مسئولیت و آراستگی را بر رویکردهای سلامت اجتماعی، پس از مطالعه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۳. اثرات تربیتی اصول تغییر ظاهر، اصلاح شرایط، مسئولیت و آراستگی بر رویکردهای سلامت اجتماعی

اصول تربیت اسلامی	روش‌های تربیت اسلامی	اثرات تربیتی روش‌ها بر سلامت اجتماعی	مرجع
تغییر ظاهر	تلقین به نفس	ایجاد محبت بین انسان‌ها با جلوگیری از رنجش‌ها و دشمنی‌ها؛ برطرف شدن غفلت و مهم‌تر از همه نزدیکی به خداوند متعال؛ کنترل عجب و غرور با ایجاد تواضع در انسان؛ بهبود بخشیدن به مناسبات فردی و اجتماعی؛ پذیرش اجتماعی؛ آموزش مفاهیم، ارزش‌ها، و عرف‌ها؛ تقویت اعتماد به نفس؛ تقویت رفتارهای سنجیده با دور کردن رفتارهای ناپسند، امنیت اجتماعی	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۴۰–۲۵۱؛ بهشتی، ابوجعفری، فقیهی و اعرافی، ۱۳۸۸، ص ۲۹؛ کیلانی، رفیعی و بهشتی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۵
اصلاح شرایط	زمینه‌سازی	بروز رفتارها و حالات مطلوب؛ رشد، کمال و سعادت دنیوی و اخروی	بهشتی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۳۷؛ بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۳۴–۲۳۵؛ بهشتی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۴۳۰؛ کیلانی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۸۵
	تغییر موقعیت	پیشگیری از بروز رفتارها و حالات نامطلوب؛ رشد، کمال و سعادت دنیوی و اخروی؛ بهبود مناسبات فردی و اجتماعی	
	اُسوه‌سازی	آشنایی با گفتار و کردار مطلوب؛ موجب رشد و یادگیری اجتماعی، شکل‌گیری شخصیت	
اصل مسئولیت	مواجهه با نتایج اعمال	موجب آفرینش مکارم اخلاقی و رشد عقلی، روحی و اجتماعی، بیداری از غفلت، امکان بازگشت از خطا و اصلاح رفتار (عدم دزدی و سرقت)؛ بخشش و نثار کردن؛ پذیرش اجتماعی؛ ایجاد احساس تکلیف و کنترل اخلاقی، پذیرش اجتماعی	باقری، ۱۳۸۸، ص ۱۴۳–۱۵۱
اصل آراستگی	آراستن ظاهر	بهبود بخشیدن به مناسبات فردی و اجتماعی؛ درک زیبایی معنوی؛ دوری از زشتی و پلیدی؛ شکل‌دهی به شخصیت و حیات فردی و اجتماعی؛ جاذبه میان‌فردی؛ ایجاد نگرش مثبت؛ جلب محبت دیگران و تحکیم پیوندها؛ صفا و آراستگی باطنی؛ مشارکت اجتماعی؛ رضایت از زندگی	خالقی، بیات و شریفی، ۱۳۹۵؛ باقری، ۱۳۸۸، ص ۱۶۰؛ کیلانی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۸۰؛ همان، ص ۱۸۵–۱۹۰؛ بهشتی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۴۲۶–۴۲۷؛ باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۶۰؛ همان، ص ۱۶۱؛ بهشتی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۴۰۴
	تزیین کلام	ایجاد و تقویت ارتباطات؛ بهبود بخشیدن به مناسبات فردی و اجتماعی؛ جاذبه میان‌فردی؛ ارتقاء فرهنگ؛ رشد و تعالی فرد و جامعه؛ ایجاد نگرش مثبت؛ پیشرفت و امنیت؛ جلب محبت دیگران و تحکیم پیوندها؛ پذیرش اجتماعی؛ لطف و فزونی در رفتار نیک	

تحلیل متن جدول ۳، بیانگر این است که اصول تغییر ظاهر، اصلاح شرایط، مسئولیت و آراستگی موجب بروز رفتارها و حالات مطلوب، جلب محبت دیگران و تحکیم پیوندها، لطف و فزونی در رفتار نیک، پذیرش اجتماعی و بهبود بخشیدن به مناسبات فردی و اجتماعی و در نتیجه، سلامت اجتماعی می‌گردد.

جدول ۴. اثرات تربیتی اصول فضل، عزت و تذکر بر رویکردهای سلامت اجتماعی

اصول تربیت اسلامی	روش‌های تربیت اسلامی	اثرات تربیتی روش‌ها بر سلامت اجتماعی	مرجع
فضل	مبالغه در عفو	امکان بازگشت از خطا و اصلاح رفتار؛ بهبود مناسبات فردی و اجتماعی	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۶۰–۱۷۰؛ همان، ص ۱۷۱–۱۷۲؛ کیلانی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۸۰؛ بهشتی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۴۰۴
	توبه	بیداری از غفلت؛ امکان بازگشت از خطا؛ بهبود بخشیدن به مناسبات فردی و اجتماعی	
	تبشیر	ایجاد رغبت برای انجام تکالیف و اعمال نیک؛ بهبود مناسبات فردی و اجتماعی، مشارکت اجتماعی	
	مبالغه در پاداش	ایجاد شوق و انگیزه‌ای مضاعف برای انجام تکالیف و اعمال نیک، بهبود بخشیدن به مناسبات فردی و اجتماعی؛ لطف و فزونی در رفتار نیک	
تذکر	موعظهٔ حسنه	اصلاح رفتار فردی و اجتماعی؛ بهبود بخشیدن به مناسبات فردی و اجتماعی؛ مانع برانگیختن حس لجاجت و مقاومت مخاطب و موجب بیدارکردن وجدان آدمی و زدودن غفلت می‌گردد	یوسف‌وند و توانایی، ۱۳۹۳؛ حاجی بابائیان، ۱۳۸۸، ص ۲۷۷؛ بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۴۳؛ باقری، ۱۳۸۸، ص ۲۵۵
عزت	ابراز توانایی	تقویت کرامت فرد؛ احساس سربلندی و عزت؛ دوری از پستی و ذلت؛ ایجاد توانایی برای حل مشکلات فردی؛ شکوفایی اجتماعی، عزیز شدن در نزد دیگران	اسراء: ۷۰؛ باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۹۵؛ نصری، ۱۳۸۶، ص ۱۷۱؛ حاجی بابائیان امیری، ۱۳۸۸، ص ۲۵۴–۲۵۵؛ بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۲۸؛ عمید، ۱۳۷۹، ص ۹۱۰؛ باقری، ۱۳۸۸، ص ۲۵۴؛ کیلانی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۸۰؛ بهشتی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۳۸۸؛ باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۹۴؛
	تغافل	احساس عزت و در نتیجه پرهیز از خطا؛ بهبود مناسبات فردی و اجتماعی، حفظ حرمت و شرافت خود و افراد؛ صداقت، احسان، عفو و گذشت، پایبندی به عهد و پیمان؛ مشارکت اجتماعی، پذیرش اجتماعی	

تحلیل جدول ۴، بیانگر این است که اصول فضل، تذکر و عزت موجب امکان بازگشت از خطا و اصلاح رفتار، ایجاد رغبت جهت انجام اعمال نیک، تقویت کرامت فرد و در نتیجه، حفظ حرمت و شرافت خود و دیگران، شکوفایی اجتماعی، پایبندی به عهد و پیمان و بهبود مناسبات فردی و اجتماعی می‌گردد.

جدول ۵. اثرات تربیتی اصول عدل، مداومت و محافظت بر عمل، مسامحت و اصل ابراز یا منع محبت بر رویکردهای سلامت اجتماعی

اصول تربیت اسلامی	روش‌های تربیت اسلامی	اثرات تربیتی روش‌ها بر سلامت اجتماعی	مرجع
عدل	تکلیف به قدر وسع	موجب امنیت، رضایت، خوش‌دلی و نشاط؛ شکوفایی اجتماعی؛ رضایت از زندگی؛ امنیت اجتماعی؛ مشارکت اجتماعی	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۸۲؛ بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۲۸؛ کیلانی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۸۷-۱۹۰؛ همان، ص ۱۸۰؛ باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۸۷-۱۹۰
	انذار	آگاهی یافتن فرد در مورد عواقب اعمال؛ پیشگیری از خطا؛ برطرف شدن غفلت و مهم‌تر از همه نزدیکی به خداوند متعال؛ بهبود مناسبات فردی و اجتماعی؛ امنیت اجتماعی	
	مجازات به قدر خطا	اصلاح تباهی‌های اعمال فردی؛ رعایت حقوق افراد؛ امنیت اجتماعی؛ عدم خشونت	
مداومت و محافظت بر عمل	فریضه‌سازی	ایجاد عادت مثبت؛ مبدل شدن گفتار و رفتار صحیح به سجیه و خلق‌وخوی؛ بهبود مناسبات فردی و اجتماعی	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۲۵-۱۲۹؛ بهشتی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۳۶؛ کیلانی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۸۰
مسامحت	مرحله‌ای نمودن تکالیف	رفع اضطراب و هیجان؛ ایجاد توانایی در انجام تکالیف فردی و اجتماعی	باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۲۵؛ وکیلیان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۹
	تجدیدنظر در تکالیف	آسان نمودن انجام تکالیف فردی و اجتماعی؛ ایجاد توانایی در انجام تکالیف فردی و اجتماعی؛ شکوفایی اجتماعی	
اصل ابراز یا منع محبت	بیان مهر و قهر (مهم‌ترین روش تنبیهی)	موجب سلامت روح و پیشگیری از تکرار خطا	بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۵۴؛ باقری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۵۵؛ همان، ص ۲۳۴-۲۳۵
	عطا و حرمان	موجب تقویت رفتار صحیح و ممانعت از رفتار خطا	

با تحلیل جدول ۵، این نکات ارزشمند تربیتی حاصل شد که اصول عدل، مداومت و محافظت بر عمل، مسامحت و اصل ابراز یا منع محبت، با ایجاد شادی و نشاط و رضایت از زندگی، شکوفایی اجتماعی، ایجاد عادت‌های مثبت در گفتار و رفتار، ایجاد توانایی در انجام تکالیف فردی و اجتماعی، تأمین سلامت روح، و ممانعت از رفتار خطا، موجب بهبود مناسبات فردی و اجتماعی و امنیت اجتماعی و در نتیجه، سلامت اجتماعی می‌گردد.

نتایـج تحلیل جداول بالا، بیانگر نقش تربیت اسـلامی در تأمین سـلامت اجتماعی در دورهٔ تأدیب بـا توجه به رویکردهای مشـارکت اجتماعی، همبسـتگی اجتماعـی، پذیرش اجتماعی و شـکوفایی اجتماعـی، عـدم خشـونت، عدم سـرقت و دزدی، رعایت حقـوق افـراد، رضایت از زندگـی و امنیت اجتماعـی اسـت. اصـول و روش‌هـای تربیت اسـلامی با کمک به رشـد عقلـی، روحـی و اجتماعی و شـکوفایی اجتماعـی، ایجـاد احسـاس تکلیف و کنتـرل اخلاقی، شـکل‌دهی به شـخصیت و حیات فردی و اجتماعی، پیشـگیری از خطا و خشـونت، بهبود مناسـبات فردی و اجتماعی و ایجاد امنیت اجتماعی، در دستیابی به سلامت اجتماعی مؤثر است.

نتیجه‌گیری

سـلامت اجتماعی در دورهٔ تأدیب، شـامل کیفیت رابطـهٔ متربیان با دیگـران، همنوعان، خانواده و اجتمـاع اطراف آنان می‌شـود. عوامل متعددی بر سـلامت اجتماعی تأثیرگذار اسـت که یکی از این مهم‌ترین آنها تعلیم و تربیت اسـت. با بررسـی پیشـینهٔ پژوهش مشـخص شـد، بجز این پژوهش، تاکنون تحقیقی در این رابطه صورت نگرفته اسـت و تحقیقات گذشـته، موضوع سـلامت اجتماعی را به‌طورکلی مورد بررسـی قرار داده‌اند و به سـلامت اجتماعی در دورهٔ تأدیب و همچنین نقش تربیت اسلامی در آن پرداخته نشده است.

مقایسـه نتایج پژوهش‌های مرتبط گذشـته با داده‌های این پژوهش، نشـان‌دهندهٔ این است که نتایـج پژوهش در زمینهٔ اصول تربیت با نتایج تحقیق بنی‌علی و رضوی (۱۳۹۰)، در زمینهٔ آثار اصول عـدل، تذکر و عـزت، و روش‌های انذار، تغافل، ابراز توانایی، موعظهٔ حسـنه، تکلیف به قدر وسـع و مجازات به قدر خطا؛ بزم‌آرا و احتشامی‌نیا (۱۳۹۵)، در مورد اصول تذکر و عدل، و روش موعظهٔ حسنه؛ آشـور ماهانی و دیانـی (۱۳۹۲)، در زمینهٔ اصـل کرامت؛ و همچنین در مورد اصـل عدل و روش‌های تربیتی تبشیر و انذار، با نتایج تحقیق رحمانی و کلانتری (۱۳۹۴) و پیرنیا و الهی‌دوست (۱۳۹۲) و در زمینهٔ سلامت اجتماعی با نتایج مطالعه ململی درهی و نبوی (۱۳۹۴) و سنگری سلیمانی و قاضی‌نژاد (۱۳۹۳) در زمینهٔ مهارت‌های ارتباطی و رضائی و مظلوم خراسانی (۱۳۹۲) در زمینهٔ حمایت و امنیت اجتماعی، همخوانی دارد.

نتایـج پژوهـش بیانگر این اسـت که در تربیت اسـلامی، با توجـه به اینکه کـودک، از حدود هفت سـالگی تکلیف‌پذیـر (تکلیف تأدیبی و تربیتی) می‌شـود، دورهٔ تأدیب از هفت سـالگی آغـاز و تا بلوغ شـرعی ادامه می‌یابد، که برای دختران سـنین ۷ تا ۹ سـال و برای پسـران ۷ تا ۱۵ سال است. منظور از تأدیب، آن اسـت که کودک را با آداب اسـلامی که در این زیرمرحله، منظور آداب ظاهری و رفتاری است، ملازم و او را نسبت به رعایت آنها مکلف کنیم.

سـلامت اجتماعی در این دوره، دربردارندهٔ مقوله‌های مشـارکت اجتماعی، همبسـتگی اجتماعی،

پذیرش اجتماعی و شکوفایی اجتماعی، عدم خشونت، عدم سرقت و دزدی، رعایت حقوق افراد، رضایت از زندگی و امنیت اجتماعی است که تعلیم و تربیت در این دوره با ده مبنا، یازده اصل و بیست و دو روش تربیتی می‌تواند نقش بسزایی را در تأمین آن ایفا نماید. ازآنجایی‌که هر روش تربیتی مربوط به یک اصل تربیتی است، لذا در این پژوهش ضمن مشخص کردن رویکردهای سلامت اجتماعی در دورهٔ تأدیب، با توجه به هدف‌های رفتاری مهارت‌های اجتماعی و رشد اجتماعی این دورهٔ تربیتی (سؤال سه)، آثار اصول و روش‌های تربیت اسلامی بر رویکردهای سلامت اجتماعی (سؤال چهار و پنج)، توأم بررسی شد. نتایج حاصل از تحلیل سؤال‌های پژوهش، بیانگر این است که تربیت اسلامی با تقویت کرامت فرد، موجب حفظ حرمت و شرافت فردی و اجتماعی؛ با مبالغه در عفو، موجب امکان بازگشت از خطا و اصلاح رفتار و بهبود مناسبات فردی و اجتماعی؛ و با اصل عزت، موجب شکوفایی اجتماعی و پذیرش اجتماعی؛ و با اصل فضل سبب فزونی در اعمال نیک و مشارکت اجتماعی و همچنین با اصل عدل موجب رعایت حقوق افراد، عدم خشونت، امنیت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی؛ و با اصل مسئولیت باعث پذیرش اجتماعی و نیز عدم سرقت و با اصل ابراز یا منع محبت سبب فراهم شدن سلامت فردی و اجتماعی و پیشگیری از خطا می‌گردد. تمامی اصول و روش‌های تربیت اسلامی در این دوره با آثار فردی و اجتماعی که درپی دارد، موجبات سلامت اجتماعی را فراهم می‌آورد.

توجه به تربیت اسلامی به‌عنوان عامل تأثیرگذار در سلامت اجتماعی در کنار سایر عوامل ضروری به نظر می‌رسد. ازاین‌رو، با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌گردد، معلمان طی جلسات آموزش ضمن‌خدمت با این اصول و روش‌ها آشنا شده و در جهت اجرای آن اهتمام ورزند. لازم به ذکر است در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز یکی از اهداف تربیت اسلامی، دستیابی دانش‌آموزان به حیات طیبه یا زندگی پاک بیان شده است که آشنایی معلمان با اصول و روش‌های تربیت اسلامی می‌تواند موجبات آن را فراهم آورد.

منابع

قرآن مجید

آشور ماهانی، عباس و دیانی، محمود (۱۳۹۲)، کرامت انسانی از دیدگاه استاد مرتضی مطهری و علامه محمدتقی جعفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مازندران: دانشگاه مازندران.

ابدال محمودآباد، بتول و روحی، کاووس (۱۳۹۵)، اصول تربیت اسلامی در قرآن با تأکید بر تحلیل و نقد دیدگاه اندیشمندان علوم تربیتی، پایان‌نامه دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

ابن‌سینا (۱۴۰۴ق)، تدابیر المنازل اوالسیاسات الاهیه، به کوشش جعفر نقدی، بغداد: المرشد.

استعلامی، محمد (۱۳۶۹)، مثنوی مولوی (۷ جلد)، چ دوم، تهران: زوار.

اعرافی، علیرضا (۱۳۷۹)، «تربیت در نهج‌البلاغه»، مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی علیه‌السلام، قم: مرکز مطالعات تربیت اسلامی.

امینی رارانی، مصطفی و موسوی، میرطاهر (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

باقری، خسرو (۱۳۸۸)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (جلد ۱)، تهران: مدرسه.

بزم‌آرا، مهدی و احتشامی‌نیا، محسن (۱۳۹۵)، اصول و روش‌های تربیتی لقمان حکیم بر پایه آیات و روایات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه غیردولتی اصول‌الدین.

بنی‌علی، علیرضا و رضوی، عبدالحمید (۱۳۹۰)، واکاوی تطبیقی برخی از اصول و روش‌های تربیتی در المحجه البیضاء و در کتاب‌های دین و زندگی دوره متوسطه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام‌نور.

بهشتی، محمد (۱۳۹۰)، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن (جلد ۵)، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

بهشتی، محمد؛ ابوجعفری، مهدی؛ فقیهی، علی‌نقی و اعرافی، علیرضا (۱۳۸۸)، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن (جلد ۲)، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

پارسا، محمد (۱۳۷۵)، روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان، تهران: بعثت.

پیرنیا، حمید و الهی‌دوست، حمید (۱۳۹۲)، روش تبلیغ در اسلام با راهبرد انذار و تبشیر و آسیب‌شناسی اجتماعی آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشکده غیردولتی معارف قرآنی.

حاتمی، پریسا؛ سام‌آرام، عزت‌الله و شریفیان، اکبر (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی دانشجویان با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

حاجی بابائیان امیری، محسن (۱۳۸۸)، روش‌های تربیت اخلاقی کاربردی در اسلام، تهران: سروش.

حکیمی‌نیا، بهزاد و پورافکاری، نصرالله (۱۳۹۰)، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر کیفیت زندگی با تأکید بر هوش اجتماعی و سلامت اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان.

خالقی، فرشته؛ بیات، محمدحسین و شریفی، علی (۱۳۹۵)، ابعاد اجتماعی زینت متعالی از منظر قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

خدمتیان، محمد و مزیدی، محمد (۱۳۹۶)، «ارائهٔ الگوی تربیت جنسی با تکیه بر دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان»، تربیت اسلامی، سال دوازدهم، ش ۲۵، ص ۱۶۱-۱۸۳.

خوانساری، جمال‌الدین‌محمد (۱۳۶۶)، شرحی بر غررالحکم و دررالکلم، تهران: دانشگاه تهران.

ذکریایی، سمیه و باقری بنجار، عبدالرضا (۱۳۹۵)، بررسی رابطهٔ جایگاه افراد در فضای اجتماعی با سلامت اجتماعی در بین ساکنان شهر بابل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شاهد.

رحمانی، محمدجواد؛ کلانتری و علی‌اکبر (۱۳۹۴)، روش‌شناسی تربیتی آیات انذار و تبشیر، پایان‌نامه دکتری، قم: دانشگاه معارف اسلامی.

رضائی، امید و مظلوم‌خراسانی، محمد (۱۳۹۲)، بررسی سلامت اجتماعی شهروندان مشهد و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

رفیعی، بهروز و اعرافی، علیرضا (۱۳۹۰)، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن (جلد سوم) امام محمد غزالی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

زکی، محمدعلی و خشوعی، مریم‌السادات (۱۳۹۲)، «سلامت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان شهر اصفهان»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال سوم، ش ۸، ص ۷۹-۱۰۸.

سعدی، مصلح‌بن‌عبدالله (۱۳۷۸)، بوستان سعدی، تهران: پیام محراب.

ـــــ (۱۳۷۹)، گلستان سعدی، تهران، کتاب درنا.

سنگری سلیمانی، هاجر و قاضی‌نژاد، مریم (۱۳۹۳)، رابطه بین سلامت اجتماعی و اشتغال دانشجویان دختر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهرا علیهاالسلام.

شکوهی، غلامحسین (۱۳۹۳)، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد: آستان قدس رضوی.

شیری محمدآباد، حمیده؛ افشانی، علیرضا و افراسیابی، حسین (۱۳۹۴)، بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با سلامت اجتماعی در بین زنان شهر یزد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، یزد: دانشگاه یزد.

صادقی، عباس و سام‌آرام، عزت‌الله (۱۳۹۳)، عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان سلامت اجتماعی جوانان شهر یزد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

طوسی، خواجه‌نصیرالدین؛ مینوی، مرتضی و حیدری، علیرضا (۱۳۸۵)، اخلاق ناصری، چ ششم، تهران: خوارزمی.

عزیزان، میثم و دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۰)، اصول و روش‌های تربیتی در نامه سی‌ویکم نهج‌البلاغه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم حدیث.

عمید، حسن (۱۳۷۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر.

غزالی، ابوحامدمحمد (۱۹۹۴)، معراج‌السالکین، بیروت: دارالکتب العلمیه.

فیض‌کاشانی، ملامحسن (۱۳۸۳)، المحجه‌البیضاء، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

ـــــ (۱۴۱۲ق)، الوافی، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه‌السلام.

قهرمانی، دل‌آرا و ارفعی، عبدالمجید (۱۳۹۶)، بررسی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و سلامت اجتماعی بین دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری در بازهٔ سنی ۳۵-۱۸ سال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، سبزوار: دانشگاه حکیم سبزواری.

کاشی‌لو، خدیجه و سالارزاده، نادر (۱۳۸۹)، بررسی میزان سلامت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در کارگران شهر صنعتی کاوه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

کانت، ایمانوئل (۱۳۶۳)، تعلیم و تربیت، ترجمهٔ غلامحسین شکوهی، تهران: دانشگاه تهران.

کیلانی، ماجد عرسان؛ رفیعی، بهروز و بهشتی، سعید (۱۳۸۹)، فلسفه تربیت اسلامی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۶)، روان‌شناسی تربیتی، تهران: سمت.

مسکویه رازی، ابوعلی، (۱۳۶۵)، تهذیب‌الاخلاق، مقدمه و تصحیح: محمد دامادی، تهران: مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ململـی درهـی، فـروزان و نبـوی، عبدالحسـین (۱۳۹۴)، بررسـی برخی عوامـل اجتماعی مؤثر بر سـلامت اجتماعی (مطالعه موردی: شهروندان ۱۸ سال به بالاتر شهر اهواز)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اهواز: دانشگاه شهید چمران.

نـادری، زهـرا و اعظـم آزاده، منصـوره (۱۳۹۳)، روابـط اجتماعی، سـلامت اجتماعی و شـادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهرا علیها السلام.

نصری، عبدالله (۱۳۸۶)، انسان از دیدگاه اسلام، تهران: دانشگاه پیام‌نور.

واعظی، کبری و طالبی، ابوتراب (۱۳۹۲)، دینداری و سـلامت اجتماعی زنان مبتلا به بیماری‌های خاص، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

وکیلیان، منوچهر (۱۳۸۵)، روش‌ها و فنون تدریس، تهران: دانشگاه پیام‌نور.

یوسـف‌وند، سـمیه و توانایـی، محمدحسـین (۱۳۹۳)، فرهنـگ تذکر لسـانی از دیـدگاه قـرآن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشکده غیردولتی اصول‌الدین.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال سوم، شماره دوم، پیاپی۸، پاییز و زمستان۱۳۹۶، ص۱۱۵-۱۰۳

نقش هوش معنوی و هوش هیجانی در پیش‌بینی اضطراب مرگ

The Role of Spiritual Intelligence and Emotional Intelligence in Predicting Death Anxiety in Female Students

✍**کبری کاظمیان مقدم** / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دزفول، دزفول، ایران (نویسنده مسئول)، K.kazemian@yahoo.com

فرانک کلانتریان / کارشناس ارشد گروه مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، اهواز، ایران، far.kalantarian@gmail.com

K. Kazemian Moghadam / Assistant Professor in Department of Psychology, Dezful Branch, Islamic Azad University, Dezful, Iran (Corresponding Author).

F. Kalantarian / M.A. in Department of Counseling, Ahwaz Branch, Islamic Azad University, Ahwaz, Iran

چکیده

عوامل متعددی بر سطح اضطراب مرگ مؤثر است. برخی از مطالعات، نقش هوش هیجانی و هوش معنوی را در اضطراب مرگ نشان داده‌اند. هدف این پژوهش، بررسی نقش هوش معنوی و هوش هیجانی در پیش‌بینی اضطراب مرگ دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول بود. جامعهٔ آماری پژوهش، شامل کلیه دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول بود که ۲۶۰ نفر از دانشجویان به روش تصادفی ساده به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای پژوهش از پرسش‌نامه‌های هوش معنوی بدیع و همکاران، هوش هیجانی شوت و همکاران و اضطراب مرگ ناهاریک و همکاران استفاده شد. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌های آماری از میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات و همچنین ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه

ABSTRACT

Several factors affect the level of death anxiety. Some studies have shown the role of emotional intelligence and spiritual intelligence in death anxiety. The aim of this study is investigating the role of spiritual intelligence and emotional intelligence in predicting death anxiety in female students of Islamic Azad University of Dezful. The statistical population of the study included all female students of Dezful Islamic Azad University. For this purpose, 260 female students were selected through simple random selection. To measure the research variables, the Spiritual Intelligence Scale exquisite et al (1389), shot Emotional Intelligence and death anxiety Naharyk et al were used. To analyze the statistical data, the mean, standard deviation, minimum and maximum scores and Pearson correlation coefficient and multiple regression were used. The results of the analysis of the

استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل ضریب همبستگی ساده نشان داد که بین هوش معنوی و هوش هیجانی با اضطراب مرگ رابطهٔ منفی معناداری وجود دارد. همچنین، تجزیه‌وتحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیرهای هوش هیجانی و هوش معنوی، ۳۶ درصد از واریانس اضطراب مرگ را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند. نتایج این پژوهش نشان داد که افزایش هوش هیجانی و افزایش هوش معنویی افراد می‌تواند سطح اضطراب مرگ را کاهش دهد و استفاده از معنویت می‌تواند یکی از راهکارهای مقابله‌ای در افراد باشد.

کلیدواژه‌ها: هوش معنوی، هوش هیجانی، اضطراب مرگ.

correlation coefficient between intellectual intelligence and emotional intelligence and death anxiety showed that there is a significant negative relationship between them. Besides, data analysis using multiple regression analysis showed that emotional intelligence and spiritual intelligence are determining in explaining and predicting 36 percent of the death anxiety variation. The results of this study showed that increasing the emotional intelligence and increasing spiritual intelligence can reduce the level of anxiety in the death of the elderly, and using spirituality can be a coping strategy for individuals.

KEY WORDS: spiritual intelligence, emotional intelligence, death anxiety.

مقدمه

مرگ واقعیتی اجتناب‌ناپذیر است و ممکن است هر شخصی نسبت به آن برداشت و واکنش منحصربه‌فردی داشته باشد. مرگ به خاطر ماهیت پر از ابهام آن، برای بسیاری از انسان‌ها تهدیدآمیز است (هنری و پاتریک[۱]، ۲۰۱۴). آگاهی از مرگ، غیرقابل گریز بوده و اضطراب همراه آن به رفتارهای گوناگون منجر می‌شود. به عبارت دیگر، وقتی مردم با اضطراب مرگ روبرو می‌شوند، واکنش‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهند (گریونستین و بلوئمک[۲]، ۲۰۱۶). اضطراب مرگ، یک اضطراب واقعی و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در سلامت روانی است (دهقان، شریعتمدار و کلانتر هرمزی، ۱۳۹۴).

از نگاه هستی‌شناسی، اضطراب مرگ ممکن است به‌عنوان نوعی واکنش هیجانی منفی که به‌خودی‌خود وجود ندارند و موجب بروز پاسخ‌های منفی در فرد می‌شود، ایجاد شود که ریشهٔ چنین واکنشی در سطح درک و خرد انسان است (بهرامی، مرادی، سلیمانی، و حسینی، ۲۰۱۳). از سوی دیگر، انسان با سایر مخلوقات در تولد، بیماری، جوانی، بلوغ، سالخوردگی و مرگ سهیم است، ولی از میان همهٔ جانداران تنها انسان است که به‌عنوان موجودی هوشمند می‌داند که روزی خواهد مرد و تنها انسان است که قادر است پایان کار خود را به انتظار کشد. مرگ واقعیتی اجتناب‌ناپذیر است

۱. Henrie, J & Patrick, J.
۲. Grevenstein, D & Bluemke, M.

و هر شخصی ممکن است نسبت به آن برداشت و واکنشی منحصربه‌فرد داشته باشد. اضطراب و ترس از مرگ در میان تمام فرهنگ‌ها رایج است و گروه‌ها و ادیان مختلف به شیوه‌های گوناگون با آن برخورد می‌کنند (هورتا و یاپ[۱]، ۲۰۰۶). مرگ، واقعیتی در زندگی است، حتی مفهوم مرگ در مقایسه با مفهوم زندگی جذاب‌تر است. از نظر اسلام، اعتقاد به مرگ که سرآغاز زندگی جاوید اخروی است، لازم و شرط مسلمانی می‌باشد. برزخ دادگاه الهی است، مرگ گذرگاه است، بهشت و دوزخ در حقیقت تجسم اعمال نیک و بد انسان‌هاست. نظریه‌پردازان حوزهٔ روان‌شناسی مانند فروید، مرگ را غریزه می‌دانند که به طور تهاجمی عمل می‌کند. پس ترس از مرگ، ترس از تنها شدن و تغییر در زندگی است. بنابراین، ادراک مرگ همان ادراک و تصور ترسی می‌باشد که در فرد به وجود می‌آید و بزرگترین چالش زندگی انسان به‌شمار می‌رود. روان‌شناسان معتقدند: ادراک مرگ با واکنش شوک همراه است و سپس آن را انکار می‌کند. در مرحلهٔ بعد، از رخدادی که قرار است به وقوع بپیوندد یا پیوسته است، دچار خشم و ناراحتی می‌شود. سپس درصدد توجیه، خواهش و دستیابی به جایی می‌باشد که او را نجات دهد و هنگامی که ناامید می‌شود، اندوهگین می‌گردد و در نهایت می‌پذیرد (قاضوی، ۱۳۸۹).

ازآنجایی‌که مرگ هرگز تجربه نشده و هیچ‌کس آن را به وضوح لمس نکرده، همه به نوعی در مورد آن دچار اضطراب هستند، ولی هرکس بنا بر عوامل معینی درجات مختلفی از اضطراب مرگ را تجربه می‌کند (قاسمی طوسی، شمسایی و مزدارانی، ۱۳۹۵). ترس از مرگ، نوعی اضطراب در حیطهٔ روان‌پزشکی است. بلسکی[۲] (۱۹۹۹) آن را افکار، ترس‌ها و هیجانات مرتبط به واقعه پایانی زندگی و فراتر از حالت نرمال زندگی می‌داند. اضطراب مرگ، به‌عنوان یک ترس غیرعادی و بزرگ از مرگ همراه با احساساتی از وحشت از مرگ یا دلهره هنگام فکر به فرایند مردن یا چیزهایی که پس از مرگ رخ می‌دهند، تعریف می‌شود (رایس[۳]، ۲۰۰۹).

نتایج به‌دست‌آمده از مطالعات تورسن و پوول[۴] (۲۰۱۵) نشان داد که زنان نسبت به مردان از اضطراب مرگ بیشتری برخوردارند و افراد جوان‌تر نسبت به افراد مسن، اضطراب مرگ بالاتری را گزارش دادند. آردلت و کوینگ[۵] (۲۰۱۶)، در مطالعات خود دریافتند که جهت‌گیری مذهبی درونی، به میزان زیادی با پذیرش مرگ همبستگی دارد و جهت‌گیری مذهبی بیرونی به میزان زیادی با اضطراب مرگ همبستگی دارد. راتلج[۶]، ارندت[۷] و گلدنبرگ[۸] (۲۰۰۴)، معتقدند که اضطراب مرگ

۱. Huerta, A & yip, M.
۲. Belskey, J.
۳. Rice, Jj.
۴. Thorson, J & Powell, F.
۵. Ardelt, M & Koening, C.
۶. Routledge, C.
۷. Arndt, C.
۸. Goldenberg, J.

ناهشیار ممکن است برای سلامتی افراد، تهدیدکننده باشد. آنها معتقدند: وقتی نگرانی‌های مرتبط با مرگ در زیرسطح آستانه هشیاری فعالیت می‌کند، رفتارهای دفاعی اساسی تحت تأثیر اعتماد به نفس بالای این افراد قرار گرفته و بدون توجه به وضعیت سلامتی، فرد خود را درگیر رفتارهای ارتقابخش سلامتی نمی‌کند. رابینز[۱] (۱۹۹۲) در پژوهش خود نشان داده است که پرستارانی که از افراد سالمند و نزدیک به مرگ مراقبت می‌کنند، اضطراب مرگ بالایی داشته و این مسئله موجب می‌شود تا از صحبت کردن دربارهٔ مرگ با بیماران خودداری کنند.

روان‌شناسان برای تبیین توانایی افراد، عقل و استدلال و همچنین عواطف و هیجان آنها از واژه‌هایی مانند هوش بهر[۲] (IQ)، هوش هیجانی[۳] (EQ) استفاده می‌کنند. مسئلهٔ هوش به‌عنوان یک ویژگی اساسی که تفاوت فردی را در بین انسان‌ها موجب می‌شود، از ابتدای تاریخ مکتوب زندگی انسان مورد توجه بوده است. اما از آغاز مطالعه هوش، غالباً بر جنبه‌های شناختی آن نظیر حافظه، حل‌مسئله و تفکر تأکید شده، درحالی‌که امروزه نه‌تنها جنبه‌های غیرشناختی هوش، یعنی توانایی عاطفی، هیجانی، شخصی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد، بلکه در پیش‌بینی توانایی فرد برای موفقیت و سازگاری در زندگی نیز مورد اهمیت واقع شده است (ونگ و لاو[۴]، ۲۰۰۳).

یکی از تعاریفی که خیلی زیاد مورد استفاده قرار گرفته، تعریف وکسلر[۵] (۱۹۵۸) است. او هوش را به‌عنوان یک استعداد کلی شخص برای درک جهان خود و برآورده ساختن انتظارات آن تعریف کرد (به نقل از: کلاین[۶]، ۱۹۹۱). بنابراین، از نظر وی هوش شامل توانایی‌های فرد برای تفکر منطقی، اقدام هدفمندانه و برخورد مؤثر با محیط است. علاوه‌براین، او تأکید می‌کند که هوش کلی را نمی‌توان با رفتار هوشمندانه معادل دانست، بلکه باید آن را به‌عنوان جلوه‌های آشکار شخصیت به‌طورکلی تلقی کرد. بنابراین، از نظر وکسلر هوش می‌تواند اجتماعی، عملی و یا انتزاعی باشد و نمی‌توان آن را از ویژگی‌هایی مانند پشتکار، علایق و نیاز به پیشرفت مستقل دانست (پاشاشریفی، ۱۳۷۹، ۹۷). به‌طورکلی، هوش موجب سازگاری فرد با محیط می‌شود و روش‌های مقابله با مسائل و مشکلات و نگرانی‌ها را در اختیار او قرار می‌دهد. قاسم‌پور، جمال و سیدتازه‌کند (۱۳۹۱)، وفائی، عسکری‌زاده و رحمتی (۱۳۹۰) و حیدری، خلیلی‌شرفه و خداپناهی (۱۳۸۸) با پیش‌بینی اضطراب مرگ بر اساس راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان و هیجان‌خواهی، دریافته‌اند که بین راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان با اضطراب مرگ، همبستگی منفی معناداری وجود دارد.

علاوه بر بهرهٔ هوشی و هوش هیجانی، هوش سومی وجود دارد که آن را «هوش معنوی» نامیده‌اند.

---

۱. Robbins, I.
۲. Intelligence.
۳. emotional intelligence.
۴. Wong, C & Law, K.
۵. Wechsler
۶. Kline, P.

واژۀ «هوش معنوی»[۱] (SQ) در سال‌های اخیر مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. ایمونز[۲] در سال ۲۰۰۹، سازۀ جدیدی را با عنوان «هوش معنوی» مطرح کرد. او عنوان کرد، هوش معنوی مجموعه‌ای از توانایی‌ها برای بهره‌گیری از منابع دینی و معنوی است. اهمیت معنویت به‌عنوان بخش مرکزی تشخیص سلامت روانی در بین روان‌پزشکان و حرفه‌های سلامت روان در سال‌های اخیر مطرح شده است (رجایی، ۱۳۸۹). نازل[۳] (۲۰۱۴)، هوش معنوی را به‌عنوان توانایی نزدیک شدن به توانایی‌های فردی و منبعی برای شناخت بهتر، کشف معنی و تحلیل وجودی، معنویت و رفتارهای عملی تعریف می‌کند. هوش معنوی، برای حل مشکلات و مسائل مربوط به معنای زندگی و ارزش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر هوش معنوی، یکی دیگر از مفاهیم هوش که به‌عنوان جدیدترین تحول در زمینۀ فهم رابطۀ تعقل و هیجان است و از آن به‌عنوان ماشه‌چکان یک انقلاب بزرگ در زمینۀ ارتقای بهداشت روانی یاد می‌شود، مفهوم هوش هیجانی است. سالووی و مایر[۴] (۱۹۹۹)، برای اولین بار اصطلاح هوش هیجانی را مطرح کردند. منظور از هوش هیجانی، آن دسته از جنبه‌های زیربنایی رفتار فردی است که به‌طور کامل با توانایی‌های عقلانی و تفکری او متفاوت است. در واقع، هوش هیجانی مجموعه‌ای از توانایی‌های غیرشناختی است، دانش‌ها و مهارت‌هایی که بر توانایی رؤیایی موفقیت‌آمیز با خواسته‌ها ـ مقتضیات و فشارهای محیطی تأثیر می‌گذارد (بار ـ آن[۵]، ۱۹۹۷). هوش معنوی و هیجانی، از جمله سازه‌هایی هستند که می‌تواند اضطراب مرگ را تحت تأثیر قرار دهند. مطالعات نشان داده است که جوامعی که اعمال مذهبی بیشتری انجام می‌دهند، اضطراب به مرگ کمتری دارند. معنویت، ترس از مرگ را کاهش می‌دهد و هوش معنوی زمانی نمایان می‌شود که فرد زندگی‌اش را با معنویت کامل سپری می‌کند (لوین[۶]، ۲۰۱۶).

علی اکبری دهکردی، اورکی و برقی ایرانی (۲۰۱۳)، محمدپور (۱۳۹۰)، مرعشی، نعامی، بشلیده، زرگر و غباری‌بناب (۱۳۹۱)، لطفی و سیار (۱۳۸۷) و نادری و روشنی (۱۳۸۹) در مطالعه خود دریافتند، بین هوش معنوی و اضطراب مرگ رابطۀ معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون در پژوهش آنها نشان داد از میان متغیرهای پیش‌بین، تنها متغیر هوش معنوی پیش‌بینی‌کنندۀ اضطراب مرگ بوده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش‌ها، رشد هوش معنوی از میزان ترس از مرگ می‌کاهد.

شواهد حاکی از آن است که هوش معنوی و هوش هیجانی می‌تواند در کاهش اضطراب مرگ کمک کند و با توجه به آنکه معنویت به‌عنوان نیاز فطری انسان در خلال بزرگسالی افزایش می‌یابد و توجه

۱. spiritual intelligence
۲. Emmons. R.
۳. Nasel, D.
۴. Salovey, P & Mayer, J.
۵. Bar-On, R.
۶. Levin, M.

بـه این امر که انسـان به‌عنوان یـک موجود اجتماعی که هوشـمند بودنش از وجوه تمایزش با سـایر موجودات محسـوب می‌شـود و ناگریز از داشتن زندگی اجتماعی اسـت و همچنین راهکارهای تنظیم هیجان این اضطراب را کاهش می‌دهد. هدف این پژوهش، پاسخ به این سؤال است که کدام یک از متغیرهای هوش معنوی و هوش هیجانی قدرت بیشتری در پیش‌بینی اضطراب مرگ دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش از نوع همبسـتگی اسـت. جامعهٔ آماری این پژوهش شـامل کلیه دانشـجویان دختر دانشـگاه آزاد اسـلامی واحد دزفول بود. کل جامعهٔ مورد بررسـی ۸۰۰ نفر دانشجوی دختر مشغول به تحصیل در ۱۳ رشـته (روان‌شناسـی و مشـاوره ۱۳۰ نفر، تربیـت بدنی ۴۰ نفر، علـوم تربیتی ۱۰۰ نفر، حقـوق ۷۰ نفـر، زبان انگلیسـی ۵۰ نفر، ادبیات فارسـی ۵۰ نفـر، مامایی ۶۰ نفر، حسـابداری ۵۰ نفر، پرسـتاری ۴۰ نفـر، کامپیوتر ۵۰ نفر، شـیمی محض ۶۰ نفر، معماری ۵۰ نفر، بـرق ۵۰ نفر) بود. نمونهٔ پژوهش مشـتمل بر ۲۶۰ نفر از این دانشـجویان بود که با توجه به جدول کرجسی[۱] به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش عبارتند از:

پرسـش‌نامه اضطراب مرگ[۲]: این پرسش‌نامه در سال ۱۹۸۴ توسط ناهاریک[۳] و همکاران انجام گرفته اسـت. این پرسش‌نامه در تحقیقات اولیه ۳۴ آیتم داشته است که بعد از اجرای مجدد، تعداد آیتم‌های آن به ۲۷ ماده کاهش پیدا کرده است. نمره‌گذاری این مقیاس به صورت لیکرت ۵ درجه‌ای از اصلاً درست نیست (۰) تا کاملاً درست است (۴ نمره) محاسبه می‌شود (به نقل از: فرجی، ۱۳۹۴). فرجـی (۱۳۹۴)، پایایی آزمون را برای کل پرسـش‌نامهٔ مورد مطالعه بر اسـاس روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۵ به دسـت آورد. همچنین، برای روایی مقیاس از تحلیلی عاملی اسـتفاده کرده اسـت. یافته‌ها بـا توجه به تحلیل داده‌ها، با اسـتفاده از روش تحلیل مؤلفه‌هـای اصلی بعد از ۶ بار چرخش ۴ عامل به شـرح و به ترتیب بیشـترین بارعاملی اسـتخراج شدند. سـؤال‌هایی که ضریب همبستگی کمتر از ۰/۴۰ با نمرهٔ کل آزمون داشتند از فرم نهایی آزمون حذف شدند. بر اساس این پژوهش، پرسش‌نامهٔ اضطـراب مـرگ از پایایی و روایی قابـل قبولی برخوردار می‌باشـد و در پژوهش‌های روان‌شـناختی و دین‌شـناختی می‌تـوان از آن اسـتفاده کرد. پایایی این پرسـش‌نامه در این پژوهش بـه روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۴ به دست آمد.

پرسش‌نامه هوش هیجانی[۴]: این پرسش‌نامه توسط شوت[۵] و همکاران در سال ۱۹۹۸، بر اساس مدل نظری هوش هیجانی سالووی و مایر (۱۹۹۰) و برای سنجش هوش هیجانی ساخته شده است

۱. Krchsy
۲. Death Anxiety Quotient
۳. Naharyk
۴. Emotional Quotient
۵. Shoot

(به نقل از: اقبالی، ۱۳۹۳). این مقیاس دارای ۳۳ ماده می‌باشد و نمره‌گذاری آن به صورت لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً نادرست (۱ نمره) تا کاملاً درست (۵ نمره) محاسبه می‌شود. در پژوهش شوت و همکاران (۱۹۹۸)، افرادی که نمرهٔ بالا در این مقیاس داشتند، گرایش به نمرهٔ پایین در عاطفه منفی و نمرهٔ بالا در هیجان مثبت نشان دادند (به نقل از: اقبالی، ۱۳۹۳). همچنین نمرات بالا در مقیاس مورد نظر با آلکسی تایمی پایین همبستگی نشان داده است. همهٔ این نتایج به‌عنوان شواهدی مبنی بر اعتبار ملاکی این آزمون در نظر گرفته شده است. خسرو جاوید (۱۳۸۱)، در پژوهش خود پایایی مقیاس هوش هیجانی را بر مبنای آلفای درونی، ۰/۸۱ گزارش کرده است. همچنین، نتایج این پژوهش بیانگر همبستگی منفی و معنادار هوش هیجانی با متغیرهای ملاک نظیر آلکسی تایمی، افسردگی و حالت اضطراب بود که این مسئله نشان‌دهندهٔ اعتبار ملاکی این آزمون است. پایایی این پرسش‌نامه در این پژوهش به روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۳ به دست آمد.

پرسش‌نامه هوش معنوی[۱]: در این پژوهش برای سنجش هوش معنوی از پرسش‌نامهٔ هوش معنوی بدیع و همکاران (۱۳۸۹) استفاده شده است. این پرسش‌نامه ۴۲ ماده دارد و نمره‌گذاری این مقیاس بر اساس لیکرت پنج درجه‌ای از ۱ «کاملاً موافقم» تا ۵ «کاملاً مخالفم» انجام می‌گیرد. بدیع، سواری، باقری‌دشت بزرگ و لطیفی (۱۳۸۹)، برای تعیین پایایی پرسش‌نامه از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده کرده‌اند و پایایی به‌دست‌آمده را به ترتیب، ۰/۸۵ و ۰/۷۸ گزارش کرده‌اند. پایایی این پرسش‌نامه در این پژوهش به روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۲ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱. یافته‌های توصیفی و ضریب همبستگی هوش معنوی و هوش هیجانی با اضطراب مرگ

شاخص آماری	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
هوش معنوی	۹۹/۵۴	۱۶/۱۲	-۰/۵۷	۰/۰۰۱	۲۶۰
هوش هیجانی	۱۲۵/۵۳	۱۶/۶۳	-۰/۲۷	۰/۰۰۱	
اضطراب مرگ	۵۵/۱۸	۱۹/۱۴			

همان‌طورکه در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، میانگین و انحراف معیار نمره‌های آزمودنی‌ها در متغیر هوش معنوی به ترتیب عبارتند از: ۹۹/۵۴ و ۱۶/۱۲، متغیر هوش هیجانی عبارتند از: ۱۲۵/۵۳ و ۱۶/۶۳ و در متغیر اضطراب مرگ ۵۵/۱۸ و ۱۹/۱۴ می‌باشد. همچنین، در ضریب همبستگی مشخص شد که بین هوش معنوی و اضطراب مرگ، رابطهٔ منفی معناداری وجود دارد ($r=-0/57$، $p=0/001$).

۱. Spiritual Quotient

بـه عبـارت دیگر، با افزایش هوش معنوی، اضطراب مرگ کاهـش می‌یابد و بعکس. همچنین، بین هـوش هیجانی و اضطراب مرگ رابطهٔ منفی معناداری وجود دارد (r=-۰/۲۷، p=۰/۰۰۱). به عبارت دیگر، با افزایش هوش هیجانی، اضطراب مرگ کاهش می‌یابد و بعکس. ازاین‌رو، فرضیه‌های ۱ و ۲ پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرند.

جدول ۲. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون به شیوهٔ همزمان بر روی متغیرهای پژوهش

ملاک	پیش‌بین	R	R۲	F	B	Beta	T	P
اضطراب مرگ	هوش معنوی	۰/۶۰	۰/۳۶	۲۸/۳۳	۰/۴۹۳	۰/۳۹۲	۶/۴۷	۰/۰۰۱
	هوش هیجانی				۰/۱۸۳	۰/۱۷۲	۲/۶۹	۰/۰۰۸

همان‌طورکه در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی متغیرهای هوش معنوی و هوش هیجانی با اضطراب مرگ برابر ۰/۶۰ و ضریب تعیین ۰/۳۶ و نسبت F برابر با ۲۸/۳۳ است. به عبـارت دیگر، ۳۶ درصـد از واریانس اضطراب مرگ از طریق هـوش معنوی و هوش هیجانی تبیین می‌شود. به عبارت دیگر، بالا بودن سطح هوش معنوی و هوش هیجانی پیش‌بینی‌کنندهٔ میزان پایین اضطراب مرگ در افراد است. بنابراین، فرضیه ۳ پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

هـدف این پژوهش، بررسـی نقش هوش معنوی و هـوش هیجانی در پیش‌بینـی اضطراب مرگ دانشـجویان دختر دانشـگاه آزاد اسـلامی واحد دزفول بود. تحلیل داده‌ها نشـان داد که بین هوش معنـوی با اضطـراب مرگ دانشـجویان رابطـهٔ منفی معنـاداری وجـود دارد. نتایج به‌دسـت‌آمده از تحلیل‌هـای آماری این یافته با مطالعات علی اکبری دهکردی و همـکاران (۲۰۱۳)، لوین (۲۰۱۶)، محمدپور (۱۳۹۰)، مرعشـی و همکاران (۱۳۹۱)، لطفی و سـیار (۱۳۸۷) و نادری و روشـنی (۱۳۸۹) همسو و هماهنگ است. در تبیین این یافته می‌توان گفت: اضطراب مرگ احساسی از نداشتن زندگی خوشایند در زندگی می‌باشد و فردی که از اضطراب مرگ رنج می‌برد، زندگی برای او لذت‌بخش نبوده و احسـاس بی‌معنی بـودن می‌کند. یکی از راه‌هـای کاهش اضطراب و ترس از مـرگ، روی‌آوردن به مذهب و گرایشـات مذهبی می‌باشـد و نشـان داده شده که گرایشـات منفی به مذهب، ترس از مرگ را افزایـش می‌دهد (تورسـون و پـاول، ۲۰۱۵). پژوهش‌های فراوانی نشـان داده اسـت که معنویت، بنیـاد و پایـه نهادهای مذهبی اسـت و اصـولاً معنویت حس پیوسـتهٔ فرد در ارتباط بـا خود، جهان، دیگران، و دنیای بالا اسـت. بسـیاری از تحقیقات بر این موضوع اتفاق‌نظر دارند که در محیط‌های

مذهبی و جوامعی که ایمان مذهبی آنها بیشتر است، میزان اضطراب و بخصوص ترس از مرگ، به‌طور محسوسی کمتر از میزان آنها در محیط‌ها و جوامع غیرمذهبی است. چون افراد مذهبی زندگی را معنادارتر می‌یابند و امید به زندگی نزد آنان بیشتر است، پس اضطراب مرگ آنان کمتر است. مذهب برای افراد در برابر عوامل تنش‌زای محیطی نوعی سپر دفاعی ایجاد می‌کند و عقاید مذهبی سلسله‌مراتب گسترده‌ای از آثار مثبت روان‌شناختی در افراد ایجاد می‌کنند (خدایاری‌فرد، ۱۳۸۵، ۸۸). در حقیقت، معنویت ترس از مرگ را کاهش می‌دهد و هوش معنوی زمانی نمایان می‌شود که فرد زندگی‌اش را با معنویت کامل سپری می‌کند (لوین، ۲۰۱۶). افرادی که دارای معنویت درونی شده و فعال می‌باشند و از حس اخلاقی و نوع‌دوستی قوی برخوردارند و انگیزه اصلی خود را در انسان بودن و حفظ کرامت او به‌منظور تقرب به درگاه خداوند جست‌وجو می‌کنند، با روی آوردن به معنویات، سلامت خود و دیگران را حفظ می‌کنند (شریفی درآمدی، ۱۳۸۶، ۶۴). اضطراب مرگ، که غالباً جنبهٔ مذهبی و معنوی دارد، هرچند با افسردگی، اضطراب منتشر، افکار خودکشی همراه است، می‌تواند منجر به کاهش عملکرد فرد شود و با روش‌های زیر در اسلام مورد توجه قرار گرفته و دستورالعمل پیشگیرانه برای آن بیان شده است. براین‌اساس، طبق تعالیم اسلام سه روش عمده برای پیشگیری مورد توجه قرار گرفته است.

روش‌های شناختی: ایمان به خدا، توکل به خدا، اعتقادات به مقدرات الهی بینش به دنیا؛

روش‌های رفتاری: تغذیه حلال، فعالیت عبادی منظم و درست، روابط خانوادگی مطلوب، حمایت اجتماعی؛

روش‌های عاطفی معنوی: یادخدا، دعا، توسل به ائمه معصوم علیهم‌السلام (قاضوی، ۱۳۸۹).

از نتایج دیگر این پژوهش، اینکه میان هوش هیجانی و اضطراب مرگ دانشجویان رابطهٔ منفی معناداری وجود دارد. نتایج حاصل با یافته‌های قاسم‌پور و همکاران (۱۳۹۱)، وفائی و همکاران (۱۳۹۰) و حیدری و همکاران (۱۳۸۸) همسو است و یافته‌های پژوهشی آنها را تأیید می‌کند. در تبیین رابطهٔ منفی هوش هیجانی با اضطراب مرگ، می‌توان اظهار داشت که امروزه برخلاف نظریه‌های اولیه بر مفید بودن هیجان، به رفتارها تأکید می‌کنند و دیدگاه عمومی بر این است که هیجان‌ها قبل از رفتارها واقع می‌شوند و فرد را با محیط فیزیکی و اجتماعی بهتر سازگار می‌کنند. هیجان با هماهنگ کردن فرایندهای ذهنی، زیستی و انگیزشی موجب می‌شود، وضعیت فرد با محیط تثبیت شود و فرد را با پاسخ‌های ویژه و کارآمد مناسب با مسائل مجهز می‌کند و در نهایت، موجب بقای جسمانی و اجتماعی وی می‌شود (قاسم‌پور و همکاران، ۱۳۹۱). در حقیقت، اشخاصی که از هوش هیجانی برخوردارند، اضطراب کمتری را گزارش می‌کنند. در واقع، رابطهٔ منفی بین هوش هیجانی با اضطراب مرگ را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که با توجه به اینکه افرادی که هوش هیجانی بالایی دارند، توانایی رؤیایی موفقیت‌آمیز با خواسته‌ها ـ مقتضیات و فشارهای محیطی را

دارنـد. در نتیجـه، فرد با نگاه و دیدگاهی متفـاوت به ارزیابی رویدادها و وقایـع منفی می‌پردازد و به ابعـاد و جنبه‌هـای مثبت و فوایـد احتمالی آن رویداد در بلندمدت توجه می‌کنـد. در نتیجه، ناراحتی و تنیدگی کمتری را تجربه می‌کند و بهتر با آن رویداد کنار می‌آید. به عبارت دیگر، در مسـائل تنش‌زا همچـون مـرگ، پذیرش مسـئله و فکر کردن دربارهٔ چگونگـی فائق آمدن بر واقعـهٔ تنش‌زا با کاهش اضطراب ناشی از واقعهٔ تنش‌زا همراه است. از نتایج دیگر این پژوهش، اینکه هوش معنوی و هوش هیجانی می‌توانند اضطراب مرگ دانشجویان را پیش‌بینی کنند. نتایج حاصل با پژوهش‌های توسط آردلت و کوینگ (۲۰۱۶)، وینک و اسکات[۱] (۲۰۱۵)، پارک[۲]، کوهن[۳] و هرب[۴] (۲۰۱۴)، داف و هونگ[۵] (۲۰۱۶)، قاسـم‌پور و همـکاران (۱۳۹۱)، منصورنژاد و کجباف (۱۳۹۱)، محمدپـور (۱۳۹۰)، وفائی و همـکاران (۱۳۹۰) و نادری و روشـنی (۱۳۹۰) همخوانی دارد و همسـو اسـت. در تبییـن این فرضیه می‌توان اظهار داشت، روابط انسانی مبحثی بی‌کرانه است و برای آفرینش آن، شناخت نیازمندی‌ها و کیفیات روانی ویژه هر کس و ارضای آن از اهمیت بنیادی برخوردار است (السادر و کارت، ۱۳۸۶، ۱۱۰). پژوهش‌ها نشـان می‌دهند که مذهب، اساسـی‌ترین و مهم‌ترین مسـئله در شـخصیت سـالم و وحدت روانی اسـت و با سیسـتم ارزشـی کـه بتواند به حیـات معنی و هدف بدهد، مرتبط اسـت و همچنین هوش هیجانی دربرگیرندهٔ نوعی سازگاری و رفتار حل‌مسئله است که بالاترین سطح رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی و... شامل می‌شود. این هوش به فرد دیدی کلی دربارهٔ تجارب زندگی و نحوهٔ برخورد با مسـائل و حل و فصل آنان می‌دهد. بنابراین، هوش هیجانی بالا نیز در کاهش اضطراب مرگ افراد مؤثر است. هوش معنوی، همچون هوش هیجانی یک ویژگی شـخصیتی اسـت که بر چگونگی افکار، احساسـات و رفتار فرد در موقعیت‌های روزانـه اثر می‌گذارد. به نظر می‌رسـد معنویت و هوش معنوی موجب نگرش مثبت، معنادار و هدفمند به خود، دیگران و وقایع زندگی می‌شـود (فرهوش، تقیان، جمشـیدی و کشمیری، ۱۳۹۶). ازآنجایی‌که نمونهٔ پژوهش تنها شـامل دانشـجویان دختر دانشگاه آزاد اسـلامی واحد دزفول بود، لذا در تعمیم نتایج آن به گروه سنی دیگر و زنان غیردانشجو لازم است احتیاط بیشتری به عمل آید.

پیشنهادها:

با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهادها می‌شود که مطالعات و تحقیقات گسترده‌تری در خصوص ابعاد اضطراب مرگ در دانشجویان و سایر گروه‌ها و مقاطع مختلف انجام گیرد تا به این ترتیب، بتوان یک مدل کامل‌تری از وضعیت اضطراب و نگرانی افراد پیرامون مرگ در کشورمان طراحی کرد.

۱. Wink, P & Scott, J.
۲. Park, C.
۳. Cohen, L.
۴. Herb, L.
۵. Duff, R. & Hong, L.

منابع

السانذر، آنتونی و کارت، جیم‌کت (۱۳۸۶)، آیین روابط مؤثر، ترجمهٔ محمدرضا آل‌یاسین، چ پنجم، تهران: هامون.

اقبالی، امیرحسین (۱۳۹۳)، «بررسی رابطهٔ هوش هیجانی و عوامل پیشگیری از فساد اداری از دید افسران ارشد نیروی انتظامی»، نظارت و بارزسی، دورهٔ هشتم، ش ۳۰، ص ۱۰۹-۱۳۴.

بدیع، علی؛ سواری، الهام؛ باقری دشت بزرگ، نجمه و لطیفی، وحیده (۱۳۸۹)، «ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه هوش معنویی»، اولین همایش ملی روان‌شناسی دانشگاه پیام‌نور تبریز.

پاشاشریفی، حسن (۱۳۷۹)، نظریه و کاربرد آزمون‌های هوش و شخصیت، تهران: سخن.

حیدری، اسفندیار؛ خلیلی شرفه، فاطمه؛ خداپناهی، محمدکاظم (۱۳۸۸)، «رابطهٔ مذهب با اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی»، روان‌شناسی، دورهٔ سیزدهم، ش ۳، ص ۳۲۵-۳۴۱.

خدایاری‌فرد، محمد (۱۳۸۵)، گزارش آماده‌سازی و هنجاریابی مقیاس سنجش دینداری در جامعه دانشجویی کشور، تهران: دانشگاه تهران.

خسروجاوید، مهناز (۱۳۸۱)، بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس هوش هیجانی شوت در نوجوانان، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد رشتهٔ روان‌شناسی تربیتی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

دهقان، کبری؛ شریعتمدار، آسیه و کلانترهرمزی، آتوسا (۱۳۹۴)، «اثربخشی درمان مرور زندگی بر اضطراب مرگ و رضایت از زندگی زنان سالمند ساکن شهر تهران»، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ش ۲۲، ص ۱۵-۲۲.

رجایی، علیرضا (۱۳۸۹)، «هوش معنوی: دیدگاه‌ها و چالش‌ها»، پژوهش‌های تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، ش ۲۲، ص ۲۱-۵۰.

شریفی درآمدی، پرویز (۱۳۸۶)، هوش هیجانی و معنویت، تهران: سپاهان.

فرجی، سحر (۱۳۹۴)، بررسی رابطهٔ بین هوش هیجانی، بهره هوشی و نگرش مذهبی با اضطراب مرگ در دانشجویان، پایان‌نامهٔ روان‌شناسی عمومی، بهبهان: دانشگاه پیام‌نور.

فرهوش، محمد؛ تقیان، حسن؛ جمشیدی، محمدعلی و کشمیری، رقیه (۱۳۹۶)، «فراتحلیل مطالعات هوش معنویی»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال یازدهم، ش ۲۰، ص ۳۹-۵۸.

قاضوی، سیدتقی (۱۳۸۹)، «زمینه‌های ایجاد اضطراب مرگ و راه‌های پیشگیری از آن در تعالیم اسلام»، راه تربیت، سال پنجم، ش ۱۱، ص ۱۷۳-۱۹۴.

قاسمی طوسی، فاطمه‌زهرا؛ شمسایی، محمدمهدی و مزدارانی، شه‌زاد (۱۳۹۵)، «بررسی اثربخشی معنادرمانی بر اضطراب مرگ پرستاران بخش ویژه و ماماهای بخش زایمان»، مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، دورهٔ دوم، ش ۴، ص ۸۵-۹۱.

قاسم‌پور، عبدالله؛ جمال، سوره و سیدتازه‌کند، میرتوحید (۱۳۹۱)، «پیش‌بینی اضطراب مرگ بر اساس راهبردهای تنظیم‌شناختی هیجان»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ش ۴۸، ص ۶۳-۷۰.

لطفی، محدثه و سیار، سمیه (۱۳۸۷)، رابطه بین هوش معنوی و سلامت روان افراد ۱۵ سال به بالا، پایان‌نامه روان‌شناسی عمومی، بهشهر: دانشگاه پیام‌نور.

مرعشی، سیدعلی؛ نعامی، عبدالزهرا؛ بشلید، کیومرث؛ زرگر، یداله و غباری‌بناب، باقر (۱۳۹۱)، «تأثیر

آموزش هوش معنوی بر بهزیستی روان‌شناختی، اضطراب وجودی و هوش معنوی در دانشجویان دانشکده نفت الزهرا»، دستاوردهای روان‌شناختی، دورهٔ چهارم، ش ۱، ص ۶۳-۸۰.

منصورنژاد، زهرا و کجباف، محمدباقر (۱۳۹۱)، «رابطهٔ بین جهت‌گیری مذهبی (درونی، بیرونی) و جنسیت، با اضطراب مرگ در میان دانشجویان»، پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، سال دوم، ش ۱، ص ۵۵-۶۴.

محمدپور، فهیمه (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه هوش معنوی و اضطراب مرگ در دانشجویان»، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.

نادری، فرح و روشنی، خدیجه (۱۳۸۹)، «رابطهٔ هوش معنوی و هوش اجتماعی با اضطراب مرگ زنان سالمند»، زن و فرهنگ، سال دوم، ش ۶، ص ۵۵-۶۷

وفایی، زینب؛ عسکری‌زاده، قاسم و رحمتی، عباس (۱۳۹۰)، «رابطهٔ هیجان‌خواهی، شوخ‌طبعی و نگرش دینی با اضطراب مرگ»، روان‌شناسی و دین، سال چهارم، ش ۳، ص ۶۸۴۹.

Aliakbari Dehkordi, M, Oraki, Mohammad & Barghi Irani, Ziba, (2013), "The Relation Between Religious Orientation and Death Anxiety and Alienation Among Tehran Province Elderly", Social Psychology Researches, v. 1, n. 2, p. 180164-

Ardelt, M, & Koenig, C, (2016), The role of religious for hospice patients and relatively healthy older adults, Research on Aging, N. 28, P. 184-215.

Bahrami N, Moradi M, Soleimani M, Kalantari Z, & Hosseini F, (2013), Death Anxiety and its Relationship with quality of life in Women with Cancer, Iran Journal of Nursing, V. 26, N. 82, p. 51-61.

Bar-on, R, (1997), A measure of emotional and social intelligence, Chicago: Rand Mc Nally.

Blesky, J, (1999), The Psychology of Aging, Brooks/Cole Publication Company.

Duff, R. W, & Hong, L. K, (2016), Age density, religiosity and death anxiety in retirement communities, Review of Religious Research, n. 37, p. 19-32.

Emmons, R. A, (2009), Is spirituality an intelligence? Motivation, cognition, and the psychology of ultimate concern, The International Journal for the Psychology of Religion, 10(1), p. 3-26.

Grevenstein, D, & Bluemke, M, (2016), Who's afraid of death and terrorists? Investigating moderating effects of sense of coherence, mindfulness, neuroticism, and meaning in life on mortality salience, Journal of Articles in Support of the Null Hypothesis, 13 (1), p. 25-36.

Henrie, J, & Patrick, J. H, (2014), Religiousness, religious doubt, and death anxiety, The International, Journal of Aging and Human Development, 71(3), p. 203-207.

Huerta, Amelia & Yip, Martin, (2006), A study of religious certainty and death anxiety, project

proposal, WCP.

Kline, P, (1991), Intelligence, the psychometric view, London: Routledge.

Leming, M. R, (1980), Religion and death: A test of Homan's thesis. Omega, n. 10, p. 347.–364.

Levin, M, (2016), Spiritual intelligence:Awakening the power of your spirituality and intuition, London: Hodder&Stoughton.

Nasel, D. D, (2014), Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age /individualistic spirituality, Unpublished thesis. Australia: The university of south Australia.

Park, C, Cohen, L. M, & Herb, L, (2014), Intrinsic religiousness and religious coping as life stress moderators for catholics versus protestants, Journal of Personality and Social Psychology, n. 59, p. 562–574.

Rice, j, (2009), The relationship between humor and death anxiety. Department of Psychology, copyright 2009 Missouri Western State University.

Robbins I, Lloyd C, Carpenter S, & Bender MP, (1992), Staff anxieties about death in residential settings for elderly people. J Adv Nurs, n. 17, p. 548–553.

Routledge C, Arndt J, & Goldenberg J L, (2004), A time to tan: Proximal and distal effects of mortality salience on sun exposure intentions. Pers Soc Psychol B, n. 30, p. 1347–1358.

Salovey, P, & Mayer, J. D, (1999), Emotional intelligence. Imagination, cognition and personality, p. 211–785.

Thorson, J.A, & Powell, F.C, (2015), Death anxiety in younger and older adults, In A: Tomer (Ed.), Death attitudes and the older adult: Theories, concepts, and applications (pp. 123–136). Phila delphia, PA: Brunner–Routledge.

Wink, P, & Scott, J, (2015), Does religiousness buffer against the fear of death and daying in late adulthood? Finding from a longitudinal study, Journal of Germinology: Psychological Sciences, 60 (4), p. 207–214.

Wong, C, Low, K, (2003), The effect of leader and follower emotion intelligence on performance and attitude, Journal of the leader ship Quartely, n. 73, p. 243–274.

Table of Contents

Efficiency of Educational Pack for Relational Skills Based on Islamic Teachings in Marital Satisfaction / Sajjad Fathi –zade / Muhammad Reza Jahangir –zade **7**

Investigating the Efficiency of Review of Life with an Islamic Ontological Orientation on Reduction of Marital Conflicts for Women with Addicted Husbands in the Crisis of Kermanshah Earthquake / Maryam Seyfi / Dr. Masouma Isma'ili **27**

The Indexes of the Model for Confronting the Economic Problems in Islamic Lifestyle / Muhammad Farhoosh / Hussein Radmard / Muhammad Hussein Mahuri / Sakina Qurbani **43**

The Stages of Formation of Faith in Fuller's View and Criticizing it / Mahmoud Nowzari / Mahdi Ghulami **65**

Investigating the Role of Islamic Education in Providing Social Health in the Disciplinary Period / Zohre Owliyaie / Hamid Rezaei **85**

The Role of Spiritual Intelligence and Emotional Intelligence in Predicting Death Anxiety in Female Students / K. Kazemian Moghadam / F. Kalantarian ..**103**

In the Name of Allah

Islam & Psychological Research Vol. 3, No. 8
Two Quarterly Journal of Psychology Autumn and Winter 2017-2018

Proprietor: Akhlaq & Tarbiat High Education Institute
Managing Director: Dr. Mohammad Javad Zarean
Editor in Chief: Dr. Mohammad Reza Ahmadi
Deputy Editor: Hussein Rezaiyan Bilondi
Executive Secretary: Hadi Ershad Husseini

Editorial Board:

- **Dr. Hadi Bahrami Ehsan:** *Tehran University*
- **Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Javad Zare'an**: *Academic Institute for Ethics And Education*
- **Ayatollah Sayyid Mohammad Gharavi Rad**: *Research Institute of Hawza Wa Daneshgah*
- **Dr. Ali Fathi Ashtiani:** *Baqiyatallah University*
- **Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Kaviani:** *Research Institute of Hawza Wa Daneshgah*
- **Hujjat ul-Islam Dr. Rahim Narouei:** *IKI*
- **Hujjat ul-Islam Dr. Mahmood Nozari:** *Research Institute of Hawza Wa Daneshgah*

ADDRESS:

The High Institute of Ethics and Education

No. 13, Shahid Shahbazi Street, Shahid Sadooqi Blvd, Qom, Iran

Postcode: 3716715545
Tel: +9825332918444
Fax: +982532922239
www.ipr.ueae.ir
ipr@ueae.ir

فرم اشتراک دوفصلنامه

مشخصات متقاضی حقیقی

نام‌خانوادگی: ..... نام: .....

میزان تحصیلات: ..... رشتهٔ تحصیلی:.....

مبلغ واریز شده: ..... تاریخ و شمارهٔ فیش بانکی: .....

آدرس و کدپستی: .....

صندوق پستی: ..... تلفن:.....

امضاء متقاضی

مشخصات متقاضی حقوقی

نام مؤسسه: ..... واحد درخواست‌کننده: .....

مبلغ واریز شده: ..... تاریخ و شمارهٔ فیش بانکی: .....

آدرس: .....

کدپستی ..... صندوق پستی: .....

تلفن:..... دورنگار: .....

امضاء مسئول و مهر مؤسسه

از متقاضیان حقیقی و حقوقی دریافت مجله درخواست می‌شود پس از تکمیل فرم اشتراک، هزینهٔ مربوطه را به شماره حساب ۱۰۳۵۷۰۴۰۳۰۰۰ بانک صادرات شعبه صدوقی، بنام «مؤسسهٔ آموزش عالی اخلاق و تربیت» واریز نموده و اصل یا تصویر فرم اشتراک و فیش بانکی را بوسیلهٔ پست، دورنگار یا ایمیل به دفتر فصل‌نامه ارسال نمایند.

حق اشتراک سالیانه برای دانشجویان: ۲۰۰،۰۰۰ ریال و تک‌شماره: ۱۰۰،۰۰۰ ریال
حق اشتراک سالیانه برای عمـــــوم: ۲۴۰،۰۰۰ ریال و تک‌شماره: ۱۲۰،۰۰۰ ریال